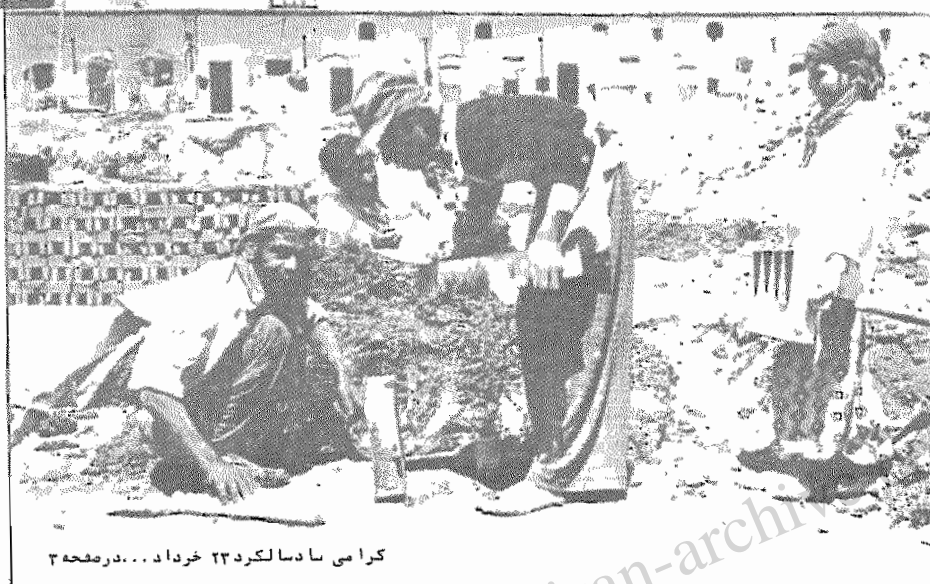


سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹

۲۳ خرداد یکی دیگر از روزهای خونین تاریخ مبارزات کارگران ایران است در این روز جلادان رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خانی دهها کارگر کوره پزخانه را با گلوله‌های آمریکائی به خاک و خون کشیدند.
پادشان گرامی و خاطره‌شان جاودان باد!



گرامی باد سالگرد ۲۳ خرداد... در صفحه ۳

درباره «بودجه» دولت بنی‌صدر ۱

همه‌کسبه اولس بودجه (۱) دولت جمهوری اسلامی در روزنامه‌ها اعلام کردند. این سرنامه اصمادی است که آشند تمام بنای یک دولت سرمایه‌داری است. پس اگر کذب سن ۱۵۰ ما در تمام زمین ما همدین سده است.
دولت بنی صدر اطمنان دارد که بودجه دولت بنی صدر را به صورت مجلس خواهد رساند، کواکب عدول یک مجلس با تدبیر عا ر خوب این سرمایه‌داری و خانه‌های دربار و سرخی رحرش با آن خواهد بود. بودجه سال ۱۳۵۹ دولت بنی صدر در تمام زمین ربحا می‌حاکمی است که در طول سن ریکمال است، هرکسی برای ناری نظامی سرمایه‌داری و سرمایه‌داری است. بودجه دولت بنی صدر در صفحه ۲

انقلاب مسلحانه خلق عمان: ۱۵ سال پیشرویی و مقاومت

پنجم‌روش (۱۹ خرداد) مصادف است با نهمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق عمان. انقلابی که در یکی از پهنترین مناطق اسرائیل حیات برحمت خود...

اطلاعیه کمیته کردستان سازمان درباره پیام سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان
صفحه ۵

- در صفحات دیگر این شماره:**
- مئل همیشه "حزب توده" در مقابل توده - صفحه ۱۵
 - دهقانان و جنبش انقلابی (۱) - صفحه ۲
 - مبارزات زحمتکشان بی‌مسکن ادامه دارد - صفحه ۱۵
 - آخرین گام برای تثبیت قانونی "جمهوری اسلامی" (۲) - صفحه ۱۰

وظیفه کارگران آگاه و نیروهای انقلابی در قبال "تشکیلات کارگری" صفحه ۳

مفهوم دادگاه «عدل اسلامی»

● "عدل اسلامی" این آقایان سکنه رانیسم‌محاز می‌سرد و از اعمال آن بی‌وفایی ندارد. آنها برای درختم کستن روحیه رندا نی بارخدا صحنه‌های اعدام ترتیب میدهند. رفیق هید احمد مؤذن نیز که به پیچوجیه تنها نمونه نیست، تحت چنین سکنجه ای فرار گرفت.
مجلسه "دادگاهها" و رندا سان ساسی، در حیات ساسی جامع ایران، همواره را همس و سردای رجو ردا ر بوده است. ررسم دیکا سوری وانسده سده سده در صفحه ۸

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



گرامی یاد یاد کارگران شهید ۲۳ خرداد ۱۳۳۸ گوره پزخانه‌ها

وقتی کارگران همچنان مردانه ایستادند و پرخوابهای خود پای فشردند، غرس سلسله‌ها و تفنگ دژخیمان چگونه پش‌بعضان آخرین پاسخ رژیم وابسته به امپریالیسم وارد میدان شد، و... تن کارگر زخم‌ده را در خون غرقه ساخت. یادشان گرامی باد!

تاریخ شما انقلابات اجتماعی و مبارزاتی جنبش‌های ترقیخواه‌ها نه‌کده زید و خودسرمانه‌داری بوفوع سوسسته‌است، با سوا هدم‌دارک غیرقابل‌انکاری ناسب منکندکده طبقه‌کارگر تنها طبقه انقلابی و ناآخربگیر زمانه، ماست. طبقه‌کارگر، این طبقه زحمتکن دوران ما رسالت تاریخی خود را در برانداختن ستم و استعمار و برادری، با رشادت و قهرمانی‌های بی نظیری در تمام ممالک جهان، طبقه‌های بفرده‌سرمایه و قزاق‌گرفتنی در صفا اول هر ممالک زده انقلابی و مترقی که در خدمت ناسود ستم و استعمار باشد، و با عرضه سویا لیسیم‌کارگری که سرای اولین مبارز تاریخ بشریت، با کمیت انسان سرسولید و قزاق‌گرفتن نعمت زندگی در خدمت تولیدکنندگان واقعی یعنی کارگران و زحمتکشان را عملی ساخته، به اثبات رسانده است.

طبقه‌کارگران سرنوشتی جدا از هم‌زمان طبقه‌های خود در دست‌گیر نقاط جهان ندارند، و از جنبش‌های غریب‌گرا روز حساب‌های جان، از ابتدائی‌ترین ملزومات زندگی و از حاصل دسترنج خود محروم‌است. طبقه‌کارگران نه‌تنها ستم و استعمار طبقه سرمایه‌دار را خلی‌لکه‌بستروندند، تر از آن، ستم و استعمار امپریالیستی و سرمایه‌داری را ستم و استعمار محض می‌سود، در ستم زمین روستا که طبقه‌کارگر میهن ما و طبقه‌کارگر خود را در برابر استعمار استعماری و سرمایه‌داری امپریالیستی، سرمایه‌داری جهانی و نظام سرمایه‌داری و استعماری می‌بندد.

دفعه‌چونین مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلفه‌های ایران در ۷ سال اخیر، در نظر سطر خود ستم‌گرایان و معیبروس و انکار را بگذرد است که طبقه‌کارگران را وسیع‌تر و لاسر با دل‌آوری-ها و جان‌سپاهیا هموار و وظایف دموکراتیک - ضد امپریالیستی خود را با قاطعیت و سستی تمام به انجام رسانده‌است. هر با رکه‌ما زده و چ‌گرفسه و اعتلای انقلابی، با معیار دل‌پس‌سوزان تحولات انقلابی سرورده‌است، طبقه‌کارگر سروسوی و عزم

انقلابی به پیشوا از انقلاب ستاره‌آنگاه که جنبش انقلابی جمل مختلف به سکت‌گرا شده و فروکس نموده‌است، با از این طبقه‌کارگر بوده که ما را ملی ستم و استعمار تسدید شده و دامنس‌های ارتجاع قدرت گرفته را بردوس کرده‌است. طبیعی است که این روند تا زمانیکه طبقه‌کارگر خود قدرت سیاسی را یک‌گرفته، همچنان ادامه خواهد داشت.

وقتی سازمان‌گرفتاری امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و تسلیم‌طلبی زبونانه سران حزب توده، موجی دیگر از اعتلای انقلابی در ممالک ۴۲ - ۳۸، میهن ما را فراگرفت، این مبارز فرما در با ویرموت طبقه کارگر که زنگی کارگران میهن ما گوره‌پزخانه‌ها بر می‌آمد، بود که سار فرور و حین دزهای ارتجاع و سرمرازی خلی را در فضای میهن ما نطن افکن ساخت، این ستور با ن‌آن کارگران دلاور نوشته می‌شود:

بی‌گمان کار در کوره‌بزی‌ها، از شاق ترسب کارهاست، جاده‌های خاکی، محیط برگردوغبار، عدم

تعبیه در صفحه ۱۴



وظیفه کارگران آگاه و نیروهای انقلابی در قبال "تشکیلات کارگری"

در ماهیای قبل از قیام سرکوه بیمن ماه، همراه با اوج گیری مبارزات خلقیای قهرمان ایران، هر روز گروه‌های بیشتری از توده‌های میلیونی به صفوف مبارزه علیه رژیم پوسیده سرمایه‌داری وابسته شاه خاشن می‌نیوستند. در این میان کارگران با ابتدا با اعتماد با صنفی جداگانه و سپس اعتماد با صنفی سراسری و مهمتر از آن بعداً "نا برخی اعتمادات و نظارات سیاسی در مبارزات مردم علیه ستم و استعمار سرمایه‌داری وابسته، شرکت نمودند. در جریان این مبارزات کارگران سبب از سبب به لزوم ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات کارگری می‌سپردند، آنها در عمل در می‌یافتند که در صورت وجود تشکیلات کارگری، هماهنگی و تروبهتر می‌شودند مبارزات خود را پیش‌برند. برهمن زدن برخی از سبب‌کارهای زردکارگری و ایجاد کمیته‌های اعتماد با سبب‌کارهای واقعی بیش از قیام مینوبه خودنسانده‌ها را در فتن آگاه‌های کارگران بود. هم‌زمان با رشد مبارزات مردم، مبارزات کارگران نیز هر روز اوج سمسری میگرفت، اعتمادات سیاسی کارگران شرکت‌یفت، و نظارات سیاسی کارگران در تهران و... نساندهنده‌ها بین اوخگیری، سبب از قیام میسازند. اما کارگران نه‌صورت یک طبقه مستقل، بلکه به شکل پراکنده در مبارزات قیام شرکت میکردند. کارگران از رهبری آگاه برخوردار نبودند و هنوز سطح آگاهی توده‌های وسیعی از آنها بسیار پایین بود. (درجه تمرکز (۱) کارگران در ایران با سبب بوده و همین خود با عسب‌بواکندی هر چه سبب‌تر کارگران از یکدیگر میگردیدند). هنوز بوده‌های وسیعی از طبقه کارگر ما، کارگزاران جدیدی بودند که از روستا آمده بودند و بی‌هیچ جهت آگاهی آنان بسیار اندک و نا چیز بود.

انقلاب به علت سبب‌ساز لیبرالی‌های خاشن با امپریالیستیها و دشمنان لهروی رهبری حوره سوزوآزی از آن ناسب ما قیام‌نده‌ها مکان گسسته‌تر شدن تشکیلات کارگری در سبب از قیام موجودنسانده.

هما ستور که گفتم قبل از قیام، کارگران در تعدادی از کارخانه‌ها و موسسات سندیکا‌های اردنا هشتا‌هی را منحل کردند و کمیته‌ها و سندیکا‌های واقعی خود را بوجود آوردند. بعد از قیام این مسئله دست‌گرفت و تقریباً در تمام موسسات و کارخانه‌ها، کارگزاران سندیکا‌های واقعی خود را بوجود آوردند و در نتیجه آنرا "سورا" نامیدند.

اسخا با ن‌سورا‌هایی که بلافاصله بعد از قیام بوجود آمدند، سخا‌های دموکراتیک واقعی بود. چون عوام کارخانه‌ها و دولت در مقابل قدرت

(۱) - سبب‌کارگرایان که در کارخانه‌های بزرگ کشور مشغول به کارند که کل کارگران آن کشور را، درجه مرکزی گوسد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

مدیریت و شورای قلابی ایران ناسیونال علیه کارگران توطنه می کنند

کارگران از فدرال وحدانی برخوردار رسیده و علاوه بر آن کارفرمایان در تعدادی از کارخانه ها ارتقا یافته، سده ها، ساخت فرا رز کرده، و با مواردی سده می شوند. بدین ترتیب کارگران توانسته اند نسبت به سابق بدون دردسر ترکاری کنند. لیکن خود اس سورها دو نوع بودند:

الف:

سورهای که نیروهای آگاه و سوزیز کمیونستان در آن قرار دارندند، اس سورها بطور آگاهانه سه اعمال انقلابی دست میزدند. مثلا "سا وا کپسا"، خاشنی و مزدوران را حاکم و ارکان رفا بسرو می کردند، دستمزد کارگران را خود شخصاً بر میزدند و میزدند، در برخی کارخانه ها، خود سورها بطور بی نظیر با به عهد میگردیدند، کارگران مبارز اخراجی را بسرکارها میگردانیدند، قرار داد های امربا لسانی را سکه خانه ملتی میگردیدند...

ب:

سورهای که در آنها آگاهی کارگران، علیه رسم واقعی بودن انتخابات بدست عنا صرا آگاه، با رشک و متزلزل ایجاد نمود، که به علت نا آگاهی کارگران نسبت به منافع خود، تعداد این سورها نیز بسیار بود. در بسیاری از این سورها کارگران آگاه و کمیونست ها بیرون عنوان میمانده انتخاب شده بودند، لیکن اکثریت را همان کارگران نا آگاه و سارکارها تشکیل میدادند.

همانطور که مبادی سیم، بلافاصله بعد از مبادی "دولت موقت" با زرگان برای ایجاد سورهای واقعی شروع شد. خود با زرگان حتی قبل از تمام شدن کمیونست محلی و وابستگی نادرین سورها به موفقی بدکمیته کارگران بنگ خوب را که سکنیلاب واقعی کارگری بود بر میسرید و به اصطلاح سورانی سوخند و بنا و در کده ها نگویند که بدست ما رسیده است پس باید دولت با زرگان را همان سردای سام کوسس می - نمودن تا سکنیلاب واقعی کارگری را بهم برسد و سکیلاب کارگری وابسته خود را ایجاد نماید.

همه کمپون ما در ایران، با انگار گوناگون موارد کارگران و با سکنیلاب محلی روسو هسیسم با وجود سوطه های هفت جا که در جهت اسپند م شورها، بدلیل سوسه موارد سده های وسند و ام اعلاقی انقلابی و رسد آگاهی کارگران هوردن تعدادی از کارخانه ها، سورهای واقعی کارگران وجود دارد و در تعدادی از کارخانه ها نیز کمپون ما سورهای که عنا صرا رشک در آن اکثریت دارند، وجود دارد. در کارخانه ها سی که رهبری سیدیکا و سور سده است عنا صرا سید سهریبم جا که سه (بطیران اس سونال حلال موسور، مسو، اسرنا و ۲۰۰۰) اس سورها، و طبقه ای حرسا سانی کارگران آگاه و سارز، بطوکتری را عنا صرا با و اعترافات کارگری، سه سارز کنا سدن کارگران با کارفرمایان و سرفرمانداهان اس سوسی کارگران سارند، در اس کارخانه ها انواع اسحمنا و گروههای سدکا رگری سمان سوزده های اسلامی، دشما کارگران فالاسر، مزدوران رسم و عوامی که آموخته های معنی برای تعصب کارگران مسارر، سکنیلاب اصنا با و عیبه می سید، در خدمت با مصالح

مجلسی که اجراء دادن عا حرو د میگوید: من احبار اجراع کارگران سافلای را به عهد سورانکدا سدم و اسدهمه کارگران سندا سده سورای ملای اسران س سونال سهدس مذبذب کارخانه بوده و سدون اجاره آن آب هم می خورد، و کارری حرسوکوبا اسرا صا کارگران و اخراج و رندانی کردن آنها سار در اس روز و سنی که سنی ارکان کارگران اخراجی سخوا هدم حسب کند، رسوی دهاس را سگسرد و میگوید اس کارکر صد انقلاب اسب، کارگران سسیمی سدا و اعتراف سید می گویند: اولا اکثریتی بر سیدنگدا سدا و محبت کند و ساسا مکرما خودمان سخصی سبی دهیم که سوسه حدود ۴۰۰۰ کارگری احرا می می کنی و مکر می کنی خودت می فهمی و دیگران می فهمند! در اس من سنی اس کارگران سربا دسرسد: با کارگران سافلای اخراجی می ساسم، سدا سفلات سوجود سروسه و اس ساسب سسید، که سنی حنی حرف ردن هم سها کارگران سدهند.

طبقه حیراسی مسیح می بود، مجلسی بصمم می کسرد سار رندنا ما کارگران که اسرا سیده حنی کسی نه جسم آمده سبودن جلوی او را کرسد و وی را کنک سرسد. صر همان روز حدود ۲۰۰ نفر اوعوال مل سدرعا مل جمع سده وسار سده سده که: مجلسی، حما سب می کنیم که سار حده و مسحر کارگران روسو مسود، قابل سذکار اس که اس وجود اسکه کارگران حریک سسیمی و هسستی قابل سوجهی ساسدا ما سفلای سسکه سلا در ساره حواسپهای خود محبت وسادل سطر سکرده سبودن روسر رهبری سدا سید سواسیدنا ساساری سروی آنها مذبذب سورای تلای را به تعص سسی وادارسد، حرسپهای اعترافی کارگران در اس قطع هما بطور که خود سجدی و بدون رهبری شروع سده سود، سطور خود سجدی سربا س گرفت.

- ۱ - بعضی از حواسپهای آنها عا رسبودن:
- ۱ - کارگران اخراجی ساسده سکار خود سکردهند.
- ۲ - مجلسی مذبذب مل دولتی اخراجی ساسدگردد.
- ۳ - سح روز کارگر در رهس (سجم سها سفلای)
- ۴ - سورهای سسیمی اسدا سذکردهند.

کارخانه ایران س سونال سنی اسر سکرسی کارخانه های صناع موسا رسوسیل در اس اسب، کنسول وسر کوبا اعتراف کارگران اس کارخانه در زمان رسم سرددور ساسا رسدند و ساسا س بود. مرسردور اس آراسا سیری "سظم و اسطالی" سسحون سادکان سظامی در آن سو خود آورده سبودن.

س اسر سطور رسم سها س مذبذب دولتی کارخانه سورای تلای آن کوسس سرا وانی کرسدنا همان احناقی و کنسول زمان سها در کارخانه سیرا س کند، اس سواسسدا! آنها در هر فرضی سوطه حندی علیه کارگران سار کارخانه سده سیده سها سها س محلف کارگران مسارر اس اجراع می کند.

رورسه سسه ۹/۲/۶ سق کارخانه قطع مسود. س مذبذب سورای کارخانه سطلاع سسرد سون کارخانه ساسرورد سکرده س سخوا هسد، مجلسی مذبذب سفل کارخانه سسکود: ۵ سسه کارخانه سفلای احبارری اسب و اسر حنی سالنا س کارگران کرس سسود (چهار سسه ۵۹/۳/۷) سفلای رسمی سود) کارگران سنوان اعتراف سها س مذبذب کارخانه سها سعلام اعتراف سروج سها سها و اسها می می کند، آنها ساسیده س ای اسها سکرده سورای سدا کرسه سس مجلسی می - سرسند، مجلسی سمان سده سسخت کارگران را سار س و سها را س خود سرون اسدا حده و سوسر سده ها و اس

هزاره س (۳۰-۲۵) سها کارگران سکرار کارخانه اجراع کند، سفلای سفلای سدن کارخانه سده اسر اسی سهرورسسه ۵۹/۳/۱۰ سوزکول مسود، در اس روز مذبذب سورای تلای کارخانه میگز سدنا حسب کردن کارگران و اسر اسر اسی برای آنها سده اجراع کارگران ساسا سده، در اس ساری سمان سده تلای کارگران سصبت می کند و سس مجلسی مذبذب مل دولتی کارخانه سسب مکر و سس سردو، وی سس اسان سرب و سلا سها سی ارکان کارگران سسخوا هده که اکرسوا لسی سارند سرسد.

سکی ارکان کارگران سسرند: دلیل اخراج سده ای اس کارگران و اسر هسما سده سسک دوری سده سده اس ؟

سور سار سار اس اس سورهای رسد اساط سسعی ساسورای انقلاب و دولت سار سده وسسجمنا اسر طرف آنها سدا سب مسسود (که سسویان س سوسه سنوان اسرعلی سنی سام سرد، اس ساطلاق کارگر سلمان که ساس سدا کارگران در سورای کارخانه سحر ل موسور سسنا سده صسک سسبه ای ساس سگ سسه سسری اسفلای سسزمی ساسد، وی اسر سوسه سس سسبه اس که سسورا س صد اسفلای خود سار سب می کند، اس سسبه سحر سکت سسک سبلا کارگری در سار سار کارخانه سها سها سب می کند).

ار اسها که اس سورها، در سها سبلا کارگران سار سارند اسر سوز کارگران ساند آنها را سفلای سکرده و سورهای واقعی خود را سسکل سدهد.

اکتون سه سوا سفلای کارگران آگاه و سسوه سالی اسفلای در سفلای سسک سبلا محلف کارگری سسرده سیم:

۱. تشکیلات واقعی:

هرتا سها کارگران آگاه و سسوه ای اسفلای در اس سورها سار سکرده سوسا سسرهبری خود را سسرورا اسعمال سمان سسد، در اس سصورت سسوان و طابف آنها رسد و سسور سرحلا سسود:

الف:

کوسس برای سسری سفلای سار کارگران اسرطیق سسرا سسکای اسنی کارگران، سون سوراسنی اس سوار کارگران آگاه رهبری اسرا سسب سارند کارگران می ساد سول اس سوراسسکل سده و سسب رهبری آن سار اس خود ساس سسد، سوراسطل سسبه سار سکه اس سار اس سار رهبری سمان س:

ب:

کوسس سبب آگاه سسودن کارگران سسب سکل ما سسب اصنادی وساسی ساکم، کوسس سب سسود سسار سار کارگران اس کارخانه سار سار سب سطل سده کار کوسس سبب آگاه سسودن کارگران سسب سده سسابع سکل سطل سده کار (سوسا سسب) رسد سسره سسده در صفحه ۹

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است ، هم کارگران شاغل

خلفها و مسئله ملی



اخباری کوتاه از کردستان قهرمان

★ اعتراض خانواده ها نسبت به اعزام فرزندانشان به کردستان

اردبیل - جندی شش (حدود ۵۹/۳/۹) عده ای از مردم اردبیل خوابگاهان این شهر اجتماع کرده و ضمن اعتراض به اعزام فرزندانشان به کردستان خواستار بازگشت آنها شدند. از ستوسی که از این شهر به کردستان اعزام شده تنها ۳۵ نفر جان سالم به در برده اند.

★ انفجار محل استقرار جاشها

کرمانشاه - در تاریخ ۵۹/۳/۱۳ در آنرا انفجار عظیمی در هتل محل اقامت جاشها عده ای از آنها کشته و زخمی می شوند.

★ هجوم پاسداران بده "جاشی کسان"

در تاریخ ۵۹/۳/۱۳ پاسداران بده "جاشی کسان" حمله کرده و چند خانه را به آتش می کشند. آنها در آنجا تیراندازی می کنند. فرماندهان روستاها را به یک درگیری ۲۵ نفر از پاسداران کشته و ۶ پیسرگه بیهوشیادت می رسد.

★ بیماران روستاهای بانه

بانه (۵۹/۳/۱۳) - ارتش مدخلی رژیم جمهوری اسلامی با ما نتو میهای آمریکا می سمدت دوروز روستا - های اطراف بانه را بیماران نمودند. در جریان این تهاجم وحشیانه ۵ روستا در هم کوبیده و عده ای از اهالی آن کشته و زخمی شدند.

★ غارت اموال واحشام مردم قارنا

در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ مزدوران و عوامل ملاحسنی تعدادی از خانه های روستای قارنا را به آتش کشیدند و قسمتی از اموال واحشام روستایان را بگارت بردند.

★ دستگیری دوتن از جاشها

سقز - در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ شب هنگام دو تن از جاشهای این شهر بتا میهای عطاء عزیزپور و علی رشیدی توسط پیسرگه های دمکرات دستگیر و به یوکان منتقل شده اند.

★ حمله مردم به پاسداران

سقز - طبق اخبار رسیده، ساعت ۱۰ صبح روز ۵۹/۳/۱۵ تعدادی از پاسداران و افراد ارتش بجا شاعرانی علیه جنشش مقامت خلق کردوا ردا این شهر نده و بطرف مرکز شهر میروند. این عده در بین راه مورد حمله مردم مبارز سقز قرار می گیرند که در نتیجه آن ۸ تن از پاسداران کشته میشوند.

★ دستگیری فروشدگان "پیکار"

میاندوآب - در تاریخ ۵۹/۳/۱۰ سه نفر از رفقای هوادار سازمان در حال فروش شریه پیکار دستگیر شده اند



اطلاعیه سازمان پیکار درواه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان

درباره پیام سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان

خلق مبارز کرد!

اعتراف به مسرکری ارفط طرف ما را در حرکتی ملی خلی و حزب دموکرات کردستان در ارتباط با مسائل کردستان مستتر کردند. ما لازم می آید ایم صحن سرخوردنه تکالی که در این "پیام" مطرح کرده اند، موضع غویس را رایج به موقعیت فعلی کردستان اعلام دارم.

در پیام فوق آمده است:

"سین اردو ما هست که آس حک حملی را در کردستان بر اوجده اند" و "سند ما صیبات بوجود در کردستان، در مومسی که مردم ما در زیر یک مبارزه تاریخی و سرسوت ساریا میرالم جهای به سرکردگی امیرالمیس آمریکا ساسد و... به ساریات فدا امیرالمیس - دموکراتیک مردمیین مالطاب جدی و ادحوادهاست".

ما از همه مردم هشتا کرد دعوت می کنیم با دقت اس حملات را مورد توجه قرار دهند. ما سوال میکنیم آس جنگ حملی در کردستان را چه کسانی "بر ابروخه" - اند؟ چه کسانی ما "سیدی جنگ" (یا بقول پیام "محاصرات") در کردستان به مبارزات فدا امیرالمیستی و دموکراتیک مردمیین مالطاب جدی وارد میسازند؟ متحدان داخلی امیرالمیس آمریکا چه کسانی هستند که مبارزات مردم ما علیه امیرالمیس را به مبارزات ما در صفوف مردم بدل می کنند و وحدت خلقها و زحمت - کسان ایران را خدشه دار می سازند؟ خراد این شرایط حساب از مبارزات دموکراتیک - فدا امیرالمیستی خلقها و سراسران و مبارزات عادلانه خلق کرد که لازم است صف دوستان و دشمنان خلق کرد و ساریا بر خلقها و سراسران، صف ما را انقلاب و فدا انقلاب سس از هر زمان روس تر کردد، امضا کنندگان "پیام" فوق حقایق را با مردم در میان نمی گذارند و ذهن آنها را درباره دشمنان خلق کرد و خلقهای سراسران مفتوس می - کنند؟ مگر جز اینست که این هیئت حاکمه و از جمله

آقای سنی مدربودند که سستی و عقوبت ارتش و پاسداران به آنها نه جنگ اعزای و اسفرا ارتش در مرزها حکمی را که مدتها بود با نخل و انتقالات ارتش و جاشهای ما سندنکستان مردمی دفاع "فهلان" زمینه سازی کرده بودند به خلق کرد حمل کردند. مگر جز اینست که سنی مدرکت "نه ارتش فرمان داده ام ما انرار اطلاع سلاح ساز دیوسن از با درنیا و روند" و کتب که "جنگ کردستان ما را کمر و اسناد از کمر و اسلام از سوی دیگر است"؟ مگر آیت الله خمینی سرهنگ مدوی فرمانده جلال لنگر سندنچ را به حضور

ما اعلام میکنیم خلق کرد هیچگاه خواهان جنگ نبود، و برعکس این هیئت حاکمه بوده که فروردین اسال را نیز نظیر سال گذشته با خون فرزندان خلق قهرمان کرد گلگون ساخت، و این برنامه ای است در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته...

نبرد سرت و از "زحمت" ارتش و پاسداران در کشتار خلق کرد تشکر نکرد؟ مگر آیت الله منتظری، سوزنیف خا منهای... همه و همه از اده سرکوب و کشتار بقول آنها "کفار" و سراسخن نگفتند؟ س چگونه "پیام" از این حقایق سخن می گوید و آتش افروزان جنگ تحمیلی به خلق کرد و آتش بیاران آنرا افشا نمیکند؟ چه کسی به مبارزات فدا امیرالمیستی - دموکراتیک مردمیین مالطاب جدی می زند و سنعنوان متحد و یا ورا امیرالمیس آمریکا مبارزات خلقهای ما را علیه امیرالمیس آمریکا به جنگ داخلی سوق میدهد و وحدت خلقها و زحمتکشان ایران را خدشه دار می سازد؟ جز سنی صدوبقیه مردم ایران هشت حاکمه؟

آری! ما نیز ما نندهه خلقها و انقلابیون ایران تحمیل جنگ به خلق کرد و تشدید آن را که به قیمت خون هزاران نفر و خانه خرابی هزاران خانوار تمام شده است نتیجه برنا ما میان و متحدان امیرالمیس و بفتح آن میدا نیم که باعث خدشه دار کردن مبارزات خلقها و زحمتکشان ایران میشود ولی هرگز ما ملیین و اجراء کنندگان این سرنا مه را که همان هیئت حاکمه و فرماندهان مزدور ارتش و سایر مرتجعین است بزیبر بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقه از صفحه ۵

اطلاعه... .

جملات گنگ و مبهم خودبچنان نمی کنیم وبه ابله
ترتیب آب پاکی برسر آنها نمی ریزیم و عا دلانه بودن
و برحق بودن مقام و مت خلق کرد و بیستمرگان قهرمان
آنرا در مقابل این برنا مه ضد خلقی بدست فراموشی
نمی سیریم .

جراد ریبا مهیج صحبتی از مقامت و مباسارزه
عادلان و برحق خلق کردند است ؟ جراد "پیام" هیچ
حرفی از اینکه خلق کرد برای حفظ دستا ورده های
مبارزات خونین خویش و مبارزات خلقی را سراسر
ایران و رسیدن به حقوق حقه خویش یعنی کسب خود -
مختاری در چرخه رجویا برای نی مستقل و دموکراتیک
بیا خاسته است در میان نسبت ؟ چرا جنابات و کنتار -
های ارتش و پاسداران و جانشینان خود فروخته که مردم
تپران سنندج ، سقز ، ساوه ، ... را اسما ران فاننوم
- ها و هلی کوپترها و خمپاره ها و مسلسلها و آمریکا نی
بش از بیگناه است مورد بیورش و حمله ضد خلقی خویش
قرار داده اند با سکوت برگزارنده است ؟ و با لاسره
چگونه است که همه اس حنا سات و جنگ افروزی ها سه
ترا موتی سپرده میسود و "دسته جاب مسلح و بسته به
عراق و پس مانده های رژیم سرتگونی شده سلطنتی" عمده
مسنوند ؟

انکه امیرالایسم آمریکا ، رژیم فاسی عراق
و مزدوران ن تدبیر و جسده آنها با تمام هوا علیه خلق کرده
و همه خلقهای ایران و یوشه سگند و برای سرفراری
سلطنتا موتما موجود در ایران بدو حنا تلسا سکنند ،
امرو مسلم و روسنی اسب ، خلقهای ایران و از جمله خلق
کرد و سروه های انقلابی آن نه اسن امر آگنا همدوسا
تتا فوا برای ما سودی فطعی آنها و در هم سکنس
توطئه ها یسان سکدم ، زاناسی سنسند ، خلق سلاح سنا
مزدور و زنگاری و اسای بی اما ر رژیم فاسی سعب
عراق و اسای سلاهای مسوچا نه اسن اسن ، اسن
سابق و امیرالایسم دلیل روسن این امر است . اسن
هیشت حاکمه صا بقلانی سب کف و اسن اسن و مزدوران
امیرالایسم سنده فرما نه اسن مزدور اسن و سا واکی -
های سابق را نه خدمت کرده اسن اسن رژیم جمهوری
اسلامی اسن که "میا ده موتما" مردود امیرالایسم و اسنهای
خود فروخته را مورد سسناسی قرار داده هودمد ، اسن هیشت
حاکمه است که "خلافتا عراق" را سنا های برای سحمیل
جنگ به خلق کرد و سرتگوت مبارزات آن قرار داده است .
"سام" در مورد همه این حنا ساتها نه سکوت
کرده اسن . "سام" با اسن بردن از حزب دموکرات و
سازمان حرکتی فدائی بعنوان "سروه های مسئول"
سروه های اسفلاسی و آستی با سدر خلقهای کرد که
نخی از آنها در "هیشت نما سدنکی خلق کرد" فرار
دارند راجز "دسته جاب مسلح و اسن سه رژیم سعب
عراق و پس مانده های رژیم سرتگونی شده سلطنتا" فرار
میده و عملا همان موضعی را انحا دمکنده هیشت
حاکمه ضد خلقی در راه جنگ مقام و مت خلق کرد تبلیغ
کرده و تبلیغ میکند ، اسن "دسته جاب مسلح و بسته"
کجا بودند که یکرا در آنقدر در کردستان نفوذ پیدا کردند
که مسوا سند "اسن جنگ را همچنان سبله ورتگه دارند"
مگرتا کتون همه سروه های سیاسی فعال در کردستان
و از جمله سازمانهای اصا "کننده" "سام" نبودند که
تسلطت سردمداران رژیم را که مدعی انداوسی و

دموکرات و اعلام آشناس مسوود در کا ۵۹ نیز سنی صدر
را بعنوان حنا "ملح طلبا" قلتمدا می کنند "خبر"
سنندج شماره ۲۲ تا ریح ۵۹/۲/۱۶ در سماعه آن
سب عنوان "می رویم که فتح کنیم فردا را" میگوید:
"سورای صدا سفلاب و رئیس جمهوری سب طلب سنا
سمودن راه دراری که خود در سس گرفته اسدودر
اس راه سب خویش خود را سحر صدها مرتسب
دلسر سمرگه و مردم سب سنا ع آسسه کردند" و حند
خط سعادا مه نهده: "سنی صدر سرتگانه سه
اعمال سکنس سورای صدا سفلاب و اسن ، چرخنی
رای سرب سوده ها مهده و سنا سب سبک و
سنا سب کسار و مدا کرده را پس سبکورد و
گروههای ملح ! را دعوت سه سنا طره سنا سب و
سنی سب سده و اسن ، آسکا را و سنا سه دروع
سشود... ."
در "خبر" شماره ۱۵۵ مورخ ۵۸/۱۲/۱۴ سب سب سب
در مورد حرکتا اسن می سوسد :
"ما سب سب اسن حرکتا اسن ، حرکتی اسن
سارمان با سده و داده اسن که در سنا می کرد سنا
هنا کتون رسمه سب سب سب ، اسن سنا سه سب
سشده در صفحه ۱۲

سالیان ووا سنا سنا نه عراق در کردستان در مقابل
"سنا ه اسلام" می جنگند سدرستی دروغی سسر و
و سنا نه میدا سنسند و آنرا کوشش مدسوخا نه ای برای
آلوده کردن مبارزات سرحی خلق کرد معرفی سکردند ،
مگر همه سروه های سیاسی کردستان و از جمله دوسا زمان
فوق سدرستی اعلام نمی کردند که در سنا سنا اسرا و
عراق در منطقه کردستان دلیل وجود و نفوذ سروه های
سنا سنی مترنی و انقلابی در کردستان و نیروی مسلح
بیسرگه کوچکترین امکانی برای تجا و سروه های
عراقی و یوشه های آنها وجود ندارد پس حسه که
سنا ره امیرالایسم آمریکا ، رژیم سعب عراق و پس -
مانده های رژیم سرتگونی در کردستان در آوردند و توان جنگ -
افروزی در آنجا یافتند ، آسا اسن همان سنا سنا سب
دروغین هیشت حاکمه و "حزب سوده" خاش سب ؟
ولی برای اسنکه ما هم سنا سله روشنر شود سه
اسن سنا سات خود اسن سروه ها مرا حسه سسکسنا سسنا سب
موضع آنها فقط همین حنده همنه قتل حه سده .
سازمان حرکتی فدائی خلق که کتون در اسن
"سام" از سنی صدر بعنوان "مقام مسئول" که "سگرا و
سرتگوت مبارزات صدا امیرالایسمی - دموکراتیک
مردم سب سنا" اسن حواها سدر سس ۶ اصل حرب

- چگونه "پیام" از حقایق سخن نمیگوید و آن افروزان جنگ تحمیلی به خلق کرد و آشناس بیاران آنرا آشنا نمیکنند ؟ چه کسی به مبارزات صدا امیرالایسمی - دمکراتیک مردم مبین مالطعات جدی میزند و بعنوان متحد و یاور امیرالایسم آمریکا مبارزات خلقهای ما را علیه امیرالایسم آمریکا به جنگ داخلی سوق میدهد و وحدت خلقها و حرکتکشان ایران را خدشه دار میسازد ؟ جز سنی صدر رو بقیه سردمداران هیشت حاکمه ؟
- چرا در ریبا مهیج صحبتی از مقامت و مبارزه عادلانه و برحق خلق کرد نشده است ؟ چرا در "پیام" هیچ حرفی از اینکه خلق کرد برای حفظ دستاورد های مبارزات خونین خویش و مبارزات خلقهای سراسر ایران و رسیدن به حقوق حقه خویش یعنی کسب خود مختاری در چرخه رجویا برای نی مستقل و دمکراتیک بیا خاسته است . در میان نیست ؟ چرا جنابات و کنتارهای ارتش و پاسداران و جانشینان خود فروخته که مردم سب سب سب سب سنندج ، سقز ، ساوه و ... را با سباران فاننومها ، هلی کوپترها و خمپاره ها و مسلسلهای آمریکایی پس از یگماه است مورد بیورش و حمله ضد خلقی خویش قرار داده اند با سکوت برگزارنده است ؟



دست ارتجا عوباسداران از کردستان کوتاه!

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

پیکار

جنبش دهقانان



منطقه ویزگیهای مبارزه ملی، بقایای فئودالیسم باعث گردیده است که دهقانان مرفه نیز تا حدودی در جنبش دهقانان و جنگ مقاومت شرکت داشته باشند.

۲- دهقانان میانه حال

دهقانان میانه حال قشر سنی دهقانان هستند، آنها با کارخانوادگی و بدون استفاده نیروی کار، مستقلاً روی قطعه زمین خویش به امر تولید می بردارند. آنها معمولاً به کار برای دیگران و فروش نیروی کار خویش نمی پردازند، و معیشت خود را با تولید خود می نمایند.

دهقانان میانه حال با تولیدکالا نمی توانند به بازار سرمایه بدارند و وابسته با حاکمیت قیمتی کشاورزی و تولیدات کشاورزی و سیاستهای کشاورزی فد مردمی دولت و نیز فشار روزافزون سرمایه های ربا ش (اعمال زبانه ها، سرمایه داران خصوصی) تحت فشار هستند. دهقانان میانه حال دائماً در معرض تجزیه قرار داده شده و سلب مالکیت و تجزیه و تفکیک درون این قشر از دهقانان بالینسب سبب و سخن وسیع آزارانان طرف دهقانان تهیدست و کارگران کشاورزی رانده میشوند. و بخش کمی از آنها به دهقانان مرفه می پیوندند از این رو این قشر از دهقانان با توجه به موقعیت اقتصادی شان و فشار روستاوارده بر آنها در

دهقانان و جنبش انقلابی (۱)

دارند، نسبت خصوصاً دوگانه دهقانان مرفه. دهقانان مرفه در مرحله انقلاب دمکراتیک در مقابل جنبش دهقانان فقیر را در مبارزه علیه زمینداران بزرگ در پیش میگیرند، در مقابل جنبش دهقانان مرفه را می گیرند (۱) و در مقابل موقعیت بیطرف دارند. دهقانان مرفه که بخاطر اوضاع اجتماعی ادارانان و زمینداران می باشد، قسلاً از با زمینداران ۵۷٪ جانب زمینداران می گرفتند و در بعضی از مناطق هم دهقانان مرفه بودند که دستجات جماعتی را تشکیل می دادند و در جهت سرکوب انقلابیون به سهرای آوردند.

نگاهی به موقعیت اقتصادی - اجتماعی سیاسی اقشار دهقانی

در پیکار ۵۱ و ۵۲ در مقاله "رون کومونستانها نسبت به جنبش دهقانان" گفتیم که دهقانان کل بکارهای را تشکیل میدهد. بلکه میان اقشار آن اختلافات بزرگی بوجود آورده. در این مقاله ما به نقش سیاسی هر یک از این اقشار می پردازیم. ولی در ابتدا لازم است بطور مختصر موقعیت اقتصادی - اجتماعی این اقشار دهقانی را در شرایط سرمایه داری و استعمار بیان شرح دهیم. هنگامیکه ما از دهقانان بطور کلی صحبت می کنیم منظورمان مسلمانان جمعاً به سردهقانان مرفه، میانه حال و مرفه می باشد.

۱- دهقانان مرفه

دهقانان مرفه قشر سنی دهقانان مرفه است که اقلیتی را شامل می شود، یعنی از آنها خرده مالکین سابق را که در دوران سرمایه داری به اهل از زمین ۴۱ هستند. مقدار زمین را که یک دهقان مرفه در احیاء دارد در پیش از انقلاب است که خود (با کار خانوادگی) به تنهایی بتواند آن را کار کند. او نسبت به معمولاً دهقانان مرفه اقدام به استفاده نیروی کار دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی میکنند و با استفاده مقدار ارز مسپای خود را بصورت سهامی و سایر راه داری در اختیار دهقانان تهیدست قرار میدهند.

دهقانان مرفه سرمایه داران هستند که مستترس زمینهای مربوط به دهقانان را در تصرف خود دارند. آنها نسبتاً با حب ایزد تولیدی جوی تراکتور، موتور آب، بومبیل و اسباب و... در روستا میباشند که خود مورد استفاده قرار میدهند و بصورت گرا به در احتیاج را هالی روستا قرار میدهند. آنها نسبتاً به طریقه مالی نسبتاً خوبی که در روستا میباشند - خواری دست میزنند. این اقشار از دهقانان در جامعه سرمایه داری وابسته بران در ارتباط با نصارت، سیاست های کشاورزی روستایی حاکمیت قیمتیهای انحصاری بر تولیدات کشاورزی، سلطه نامکمل و... تحب قرار داده اند.

دهقانان مرفه در مرحله انقلاب ما از یکسوی بر زمینداران بزرگ و انحصارات سرمایه داری وابسته می یابند و از سوی دیگر دارای مالکیتی هستند که نمی خواهند هیچ وجه آنرا از دست بدهند و چشم به بالا

کارگران کشاورزی ستم کین ترین و محرومترین سکنه روستا هستند. و همین دلیل هم هست که انقلابی پیگیری بوده و خواهان مبارزه قاطع علیه زمینداران و مالکین هستند.

دهقانان مرفه در مرحله انقلاب ما از یکسوی ستم زمینداران بزرگ و انحصارات سرمایه داری وابسته میباشند و از سوی دیگر دارای مالکیتی هستند که نمی خواهند هیچ وجه آنرا از دست بدهند و چشم به بالا دارند.

ما روزه برای ناسودی سرمایه داری وابسته و سلطه امبریا لسم علیه مظلومان و ناسوانان در جزو متحدین طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک و ضد امبریا لیستی سرمایه داری وابسته هستند.

دهقانان میانه حال نسبتاً به همان موقعیت بینا سنی که در روستا به مجموعاً در حیطه انقلاب و متحد طبقه کارگر میباشند، در عین حال از خود تزلزل نشان میدهند. همانطور که در بالا گفتیم لایه های آنها از لحاظ موقعیت سیاسی نیز ممکن است جانب دهقانان مرفه را بگیرند و از خود سستی نشان دهند.

در اکثر مناطق دهقانان مرفه همچنان در راس انجمن های با فساد سیاسی و با سورا های دستخست جمهوری اسلامی و تنهایی های روستایی در موقعیت اجتماعی سابق خوبی قرار دارند. یعنی و فروش خود را و با رکه خیرا توسط جمهوری اسلامی در روستا ها انجام می شود، توسط همین قشر از دهقانان انجام میگیرد و آنها نیز در احتکار و رودزدی و اخلاص شریک فاضله گردیده اند. البته ویژگی های مناطق مختلف از لحاظ عدم رشد و توسعه همگون روابط سرمایه داری در ایران را با بیدار رساط با موقعیت دهقانان مرفه در نظر داشت. مثلاً در کردستان که روابط سرمایه داری کمتر توسعه پیدا کرده است، مسئله بازگشت امکان در آن

(۱) - یک نمونه از خانات دهقانان مرفه در دوره انقلاب دمکراتیک - ضد امبریا لیستی - ضد فئودالی در چین را ما شوتسهدون چنین شرح میکند:

"طبقه سنی سنی که در سحوا و ج انقلاب زبیر ضربه قرار گرفت، بجز در اینگونه ترور سفید آزارند دشمن بیوس. در بیوس سنین و نینگان درست همس مالکان ارضی کوچک و دهقانان مرفه بودند که واحدهای نظامی ارتجاعی را در آتش زدند خانه های دهقانان انقلابی را هم تاراج می کردند بنا بدستور مرتجعین آنها خانه ها را طعمه حریق می ساختند، افراد را توقیف می نمودند و گستاخی بیس از خود نشان میدادند... امروز که موج ضد انقلاب در سراسر کشور پیدا می کند تقریباً تمام

طبقه سنی سنی که سرمایه داران انقلاب را چشیده است خود را در اختیار طبقه مالکان ارضی بزرگ قرار داده و طبقه دهقانان فقیر منفرده شده است.

(منتخب آنها را کوشه دون، ج، مسائل ارضی) البته با سنی تفاوت انقلاب چین و ایران را از لحاظ ساخت جامعه و تالییری که این ساخت بر روی قشر دهقانان مرفه ای میگذارد در نظر داشت. در کشور ما به لحاظ رشد سرمایه داری و از بین رفتن سلطه فئودالیسم حاکمیت سازگانان دهقانان مرفه سنی سسر شده است.

(۲) - کدهایان از لحاظ قانونی نقش ما مورد دولت در رژیم سابق در روستا را بیچده داشتند و کارهای حاسوبی و حرجینی برای رژیم مشغول بودند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان



۳- دهقانان فقیر

دهقانان فقیر تقریباً ثبانی دهقانان هستند که اکثریت جمعیت دهقانان را تشکیل میدهند. مقدار زمینی که یک دهقان فقیر در اختیار دارد کمتر از مقدار حداقلی است که برای معیشت و امرار حیات لازم است. اکثر دهقانان فقیر ناچار میشوند برای تامین معاش خود بخشی از اوقات خود را بکار مزدوری بپردازند. بدین ترتیب آنان با دزدان زمین دهقانان مرفه استفاده میکنند و با زمینداران مرفه با هم رقابت میکنند. آنها برای کارگری بهترند که آنها میروند. مالکیت دهقانان فقیر بر زمین برای تولید که آنها را با ساکنین است بسیار محدود است و آنها هرگز برای شرفنا رفتن و رفیرشده و زیر بار قرض ناچار میشوند زمینهایشان را رها کرده و تمام وقت بفرش نیروی کار خود را بکار بیاورند. این فقرات دهقانان را بدلیل موقعیت اقتصادی آنها که شدیداً مورد استثمار و استثمار قرار گرفته اند در مبارزه برای نابودی سرمایه داری وابسته فعال هستند. آنان با تحولات دمکراتیک و انقلابی برای مصادره اراضی زمینداران و مالکین بابائینسبیل انقلابی پایدارترین متحد طبقه کارگر هستند.

کارگران کشاورزی

گروه دیگری نیز در روستا وجود دارد که کارگران کشاورزی را تشکیل میدهند. آنها جزو طبقه کارگر هستند. کارگران کشاورزی دهقانان بدون زمین (خوش - تنین) اند و مالکیت بر زمین را ندارند. بلکه ناچار به فروش نیروی کارشان بصورت تمام وقت میباشد. آنها در موسسات کشاورزی و بر روی اراضی زمینداران و مالکین و... به امر تولید کشت و کاری میپردازند. آنها ستمکشترین و محرومترین سکنه روستا هستند و بهمین دلیل هم هست که انقلابی پیگیری کرده و خواهان مبارزه قاطع علیه زمینداران و مالکین هستند. آنها بیگانه از نهخواهان نابودی سلطه میراثی لیسن و نظام سرمایه داری وابسته میباشند.

فعالیت انقلابی کمونیستها در روستاها در درجه اول متوجه سرمایه زاندهی و تشکیل کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر میباشد. جلب اعتماد آنها و بدست آوردن رهبری مبارزاتشان توسط کمونیستها از طریق ایجاد کمیتهها و هسنه های مستقل کمونیستی متشکل از عناصر کمونیست روستا (اعمال دهقانان، کارگر، روستاگر) قدم بسیار مهمی در راه پیروزی انقلاب دمکراتیک میباشد. تمام تجربیات تاریخی نشان میدهد که دهقانان خودشان نمیتوانند (اگرچه جمعیت کبیری را تشکیل میدهند) قادرند استند خودشان را از زیر استثمار روستا طبقه ای نجات دهند. نجات آنها در گرو رهبری و تشکیل آنها توسط طبقه کارگر میباشد.

"فقط بولتارای سیری و معنی تحت رهبری حزب کمونیست قادر است توده های زحمتکش دهان از قبیل سرمایه به زمینداران بزرگ اربابسی و زمیندویرانی و جنگلی ای امیرالیسی که تکرار آن در صورت انقاص سرمایه مادی ناگزیر است برایشان بخندد. توده های زحمتکش دهان نجات دیگری ندارند چرا که با بولتارای کمونیست و بیسیاسی سدربح ارمنا رزه انقلابی وی در راه را تکدن بوع مالک (زمینداران بزرگ) و سوزواری." (لینن، طرح اوله نزه های مربوط به مسئله ارضی) (ادامه دارد)

بینه از صفحه ۱

مفهوم...

امیرالیسن ماه، از آنجا که جزیره تکاء سرنیزه و سرکوب مداوم مردم نمی توانست به سلطه احاطه بر آن باشد، لذا همراهمان غارت و جپاول ثروت ملی ایران و تامین آن شرایطی که هموار راه غارت و جپاول را مضمون از "تخریب" مردم تگاه دارد، به ایجاد و گسترش ارگانهای ویژه ای چون ساواک و کمیته باصلاح فخر باکاری نیازمند بود تا انقلابیون و اصولاً هر مخالفی را به زندانهای گسترده دروز - افزون و با شرایط فزون وسطای در گوشه و کنا رکسور می ساخت، روانه سادویا سه جوبه های اعدامشان بسیار دودرست بهمین دلیل هم بود که طی سالهای سیاه فخران، مسئله زندانهای سیاسی و چگونگی محاکمات غیرانسانی مبارزین اسیر ستوان بکار مهم هموار به بیکی از محورهای فعالیت سیاسی - اجتماعی گروهها و دستجات آزادخواه و باحتمالی محافل حقوقی ملی و بین المللی بدل گشته بود. مزدوران رژیمها - ساواک به خانه های مردم می - ریختند، انقلابیون را زنده زنده می کوبند و پس از مدتها شکنجه و آزار که در سطح جهان شهر خاص و عام بود، آنها را به بیدارگاههای درسته ای میفرستادند که پیشاپیش احکامشان را صادر کرده بودند. رژیمها علیه غمگوانینتی که خود در حرف پذیرفته بودند محاکمات را غیرعلنی و بدون حضور هیئت منصفه و با سلب امکان انتخاب وکیل مدافع از طرف متهم "ترتیب میدادند." و این خود به تنهایی کافی بود تا رژیمها را در رسیدن چشم جهان بینی آسرو سازد و دیدیم که ساخت.

سیگمان را جوانان این سطور، اوضاع فعلی ایران و سبزه نحوه محاکمات زندانیان در رژیم جمهوری اسلامی در دهان جواننده اندا می میشود. چرا که این رژیم نیز سیمراه ترور انقلابیون، زندانیان خود را در دست درهای بسته، بدون حضور هیئت منصفه و بدون اجازه انتخاب وکیل از طرف موکل، به محاکمه می کشد و برسیاری موارد در عرض حدساعت سراسری محاکمات عدا ما در میگذرد. سحرات میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی، لاقلاً در این رسته مخصوص بسیار برکار برودر عین حال بسیار خشن تر است.

رفیق شهید امدومون که اخیراً توسط همسایگانها در احوال در احوال، به جوخه عدا مسرده هسد، در قسمتی از نامه موحی آلودی که از خود سحای گذاشته (متن کامل این نامه در سگار ۵۴ آمده است) می گوید: "فقط ای را کوبیم که بر سبج حریف در حاسان دستگیر کرده اند" اینجا آورده اند. حدس را ر - حوخی کرده اند و حدس را صحنه های اعدا سیاسی سرسب داده اند، بدون استیحسی سمن شگونید که حرم سوحسد، ایست مفهوم جمهوری اسلامی! این سنیها بک سمویه از آن حاسانات جنسی است که دادگاههای باصلاح انقلاب، در گوشه و کنا رکسور مرتکب میشوند. اکنون رسد انهای رژیم سوسوازاب خالی بدن از ساواکی ها و حاسنکاران و مزدوران رژیمناه، دسدسته ار جوانان انقلابی بر می سوند، جوانانی که به "حرم" اعتماد دیده آرمان رهائی بحسن طبقه کارگر و در سب به "حرم" همین عقیده بر نداننها کسیده میشوند و در رسد ادگاههای که به لوجه "عدال اسلامی" نیز مزینش کرده اند، در عرض فقط چند ساعت به اعدا مویا زندانیهای طویل القامت محکوم میشوند. "عدال اسلامی" این آمان سکنه را سرحا زم سمره و از اعمال آن سروانی ندارد. آنها برای دره سیم نکستن روحی در ساسی با رها صحنه های اعدا مترتیب

می دهند. رفیق شهید امدومون نیز که به هیچ وجه سنی نمونه نیست، تحت حنین شکنجه ای قرار گرفت. سنی سهرام که فریب بکسال است که در زندان انفرادی سیر می برد، تاکنون با رها تحت حنین شکنجه های آریا مپری فرا گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی که از مردم میخواهد قانون اساسی را که حتماً "الهی نیز هست، محترم و مقدس بندارند، خود ساسی تمام آنرا زیر پای می گذارد. طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی خودشان، محاکمات می - باست علیی باشد. اصل ۱۶۸ قانون اساسی نیز رسیدگی به حراثم ساسی را علیی و با حضور هیئت منصفه و در صلاحیت محاکمات دگستری دانسته است ولی سرمداران رژیم را که در رفتن این قانون گلویشان را با بهره میکنند، رعایت قانون اساسی چه کاره؟ قانون حافظ منافع کسانی است که خود آنها وضع کرده اند و اعمال سنیطعانی خود را با آن سوحیسه می کنند و صد البته هر آنجا که همسایگان قانون مشکلاتی ببینن یا بان گذاشت، تردیدی در پارسال کردن آن باقی نمی ماند! اگر قانون اساسی خود ایمن آقا نان مگوید "محاکمات باید علنی باشد"، اگر قانون اساسی مگوید "رسدگی به حراثم ساسی میبایست در دادگاههای علنی و با حضور هیئت منصفه صورت گیرد"، طبیعی است که در صورت رعایت این قوانین دگرا عدا مسرحرم عمیده، بیچسب آسانی سیر سخا هدسود. دگرتیمی سوان در عرض حدساعت چندین حکم عدا ما در نمود. آری در حنین سورتی، این جلادان حوا هندسود که در سستگاه مردم به محاکمه کسیده سوند، اگر چه در حانگا حاکم سرع سسته ساند. در حنین سوری این رژیم است که در مستانها موحا هدسود، اگر چه "ستوانه" ۹۹ درصدی خود را هم برسیاسی اس حک کرده اند و سدوق سبنا بهمین حاطراس که رژیم از محاکمه علنی اسفلاسون زندانی وحس دارد!

درمان زندانیان سیاسی انقلابی که مدتیاست در زندانهای رژیم سرسی سرد، هسنندگمانی که سس ارضیب بکسال هنور سواسسده اند با موکل خود ملقاس سنا بدند! هنور در سح دادگاههای هسب منصفه حضور ندا سته اسب و اغلب "منهمان" را سس از حسداعت محاکمه بلافاصله به جوبه های اعدا مسرده اند.

اعضای گروه ترور سنی فرنان در عمارت ساسی سرس سراط محاکمه و اکثر اعدا محکوم سوندند. محاکمه علنی اس گروه ترور سنی مذهبی مسوانت سساری از حسان را که حصان در برده اند با سده اسب، روس سارد، سادادار سب که سده مداران رژیم سوسر ده رهبران حرب حلح الساعه جمهوری اسلامی نا علم به اس که ترورهای سیاسی توسط همس گروه سوسر ب گرسده اسب، سسراما به کموس سنی و گا هنرو سهای دمکرات اسسوان عاملین سرور معرفی میگردند. طبیعی است که رژیم ارضیب سواسی خود و روسدر دسین سدر موردا سس دروع بلکه در موراد دگسری سرحیح داد مسهمان را یسب درهای سته، بدون حضور هسب منصفه و بدون حضور وکیل مدافع، بکی سسار دنگری ساسود ساند.

رژیم گرسن به محاکمه علنی با حضور هسب منصفه نمی دهد، سسما سحاطرو حسی اسب که اسساز سدن سب خودا حسان می کند. رژیم ساسی سسب سسب دلیل بود که در ساسان ساسی سسار سسودا و در سبب درهای سسته به محاکمه می کسد. اما اگر اسواسب حسانت خود را، حسی سسار گسب ساسان در ابرده سوسی کند، رژیم جمهوری اسلامی سسز، السسده سسب سسب همان سسوسب، حوا هدسوا سب! #

بقیه از صفحه ۴ وظیفه...

وظیفه این سورا است در این حالت کمیونیتها مبارزه منفی را تنظیم میسر کنند که خود میخوانند.

کارگران مبارز و آگاه همواره با بستی کالا و شیوه‌ای که مل، توطئه‌های غنا بر کارفرما و دولت را برای برهم زدن تشکلات واقعی کارگران، به توسعه درک کرده و اعتراضاتش نمایند. بطور کلی مناسب است آگاه‌ها نه تنها در تشکلات واقعی را بوده‌ای نیست کرده و حمایت اکثریت کارگران را نسبت به آن جلب نمود.

تشکلات واقعی با سود کارگران مبارز و آگاه و مستعد در این نوده‌های کارگرها زمانه می‌دهد و در این دنیا سبب توسعه است و آگاهی را به دست می‌آورد. نظریات پرتولید را هر چه میسر نوده‌ای باشد، این مسئله خود به بهانه‌ای تشکلات واقعی کارگران کمک زیادی خواهد نمود.

کارگران مبارز و شیوه‌های آگاه برای هدایت صحیح مبارزات کارگران علیه سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها همواره در بررسی آنها محسوس تشکلات کاری باشد و لزوم احداث تشکلاتی را که محیط مناسب واقعی کارگران باشد، همان سوده‌های کارگری سیرند و در این رابطه آگاهی لازم به آنها دهند.

۴. تشکلات غیر وابسته:

منظور از تشکلات غیر وابسته "آن تشکلاتی که در پی استیلا آنها با آن واقعی بوده، اما به دلیل ضعف آگاهی کارگران، با سودگان و با زیاده‌دری با آن مبارز کرده‌اند، لکن هنوز با تشکلات وابسته به رژیم سرمایه‌داران گریخته‌اند و آن مردود نیستند، در این فصل تشکلات کارگران آگاهی و شیوه‌های انقلابی که در سورا حرکت دارند، می‌باشد در ضمن کویس برای بررسی مطالبات کارگران ارضی و محسوس تشکلات، انجام می‌دهد اما کاری سازگاری و بر لول سرمایه‌داران با آگاهی سرمایه‌داران به حدی که در این فصل میسر نوده‌ای است. در این نوع تشکلات، سرمایه‌داران با آگاهی کارگران بحث با سرعوت مل کارفرما را میسر نوده‌اند و در این نوع تشکلات، دفاع نمایند. وظیفه کارگران آگاه است که تا حد امکان این سازمانها را هم برای خود آنها و هم برای سوده‌کارگران توسعه داده و ضمن سازمان سوده‌کارها را به نظر سرمایه‌داری و رژیم حامی آن لزوم سعی آن سرمایه‌داران را تسخیر نماید.

تشکلات غیر وابسته در عموماً با اتحاد سرمایه‌داران و سورا مدیریت از طرف سرمایه‌داران و آگاهی همگان به تشکلات واقعی تبدیل کرد. در این رابطه سرمایه‌داران و آگاهی کارگران سوره‌های کارگری و سرمایه‌داران را در طرف آنها سکنه کرد، با عناصر آگاه و ساکن سورا را از دکان و نا حقه سکنه کرد. همانطور که گفته شد در آگاهی از این نوع تشکلات کارگری دلیل ضعف عمومی کارگران (نه سرمایه‌داران) است و سوره‌های آگاهی را می‌سوزد آند در سورا این فصل تشکلات کارگری از طرف و سنجده‌ای حاصی سرچورد را به وسایط دست کرد که سوره‌های آنها نسبت یک تشکلات واقعی از روی سرمایه‌داران با کار آگاهها است. در این زمینه، خصوصاً با دار افتادن سورا در سوره‌های "حساب" نمود.

لازم به توضیح است که اغلب سوره‌های کارگران از نظر و شکل گیری ارتقا سبب می‌دهد اغلب از طرف دیگر سورا در این سوره‌ها هر روز کمتر می‌سوزد، بدین صورت

که با کارگران آگاه هم‌بند و سورا را بدست خود گیرند و با رژیم مستولان و توطئه و فریب و اعمال زور، سورا را وابسته بخود نمایند. این قبیل سوراها بی‌توانند مدت زیادی دوام داشته باشند. آنگاه باید با در خدمت کارگران با سوره‌ها در خدمت سرمایه‌داران.

۳. تشکلات وابسته (زرد):

در این اصطلاح سوراها، عناصر پنهان و آشکار وابسته به کارفرما (سرپرستان، مهندسان، کارمندان و کارگران وابسته، رویزونیستها) خائن توده‌ای و سببانی (...) نفوذ میکنند و رهبری آنها را بدست می‌گیرند. سوراها که ملل در خدمت منافع کارفرما قرار داشته‌اند و زیر پوشش حمایت از منافع کارگران، به سرکوب آنها می‌پردازند.

در رابطه با این گونه تشکلات، کارگران آگاه و معطوف به مصالح آنها و انحلال آنها دارند.

کارگران و سوره‌های آگاه می‌باید به درون وجهه‌های سوره‌ها فضای مناسب با اصطلاح تشکلات کارگری سیرا را بدو ذهن کارگران را برای انجمن آنها از قبیل آنها ده کرده‌اند. کارگران آگاه می‌باید منظورگرفتنی در حواس سپاری کارگران در این فصل سوراها شرکت کنند.

در رابطه با این نوع تشکلات کارگری، ما سببه دو سببه زیر بنوع نمود:

الف- آند تشکلات زرد می با سرکوب نمود؟

آنها سوره‌های میسب از کارگران نسبت به ما هیئت این گونه سوراها (تشکلات) در آنها میسر نیستند، هر گاه آگاهی و قدرت کارگران با این حد نداشته‌اند، تشکلات را سرنگون کنند و تشکلات واقعی خود را بوجود آورند. در این صورت اگر امکان آن فراهم نشده‌اند، کارگران آگاه را در این سوراها شرکت کنند.

کارگران آگاهی و سرسبون این نوع سوراها برای امسای خود آنها استغنا ده میکنند و از نجات سوره‌ها سبب می‌دهند که سوراها نمیتوانند مناسب واقعی آنان را تأمین کنند و تشکلات وابسته کارگری است.

در عمل معمولاً این طوره است که خود سورا را زرد کارگران آگاهی در ارسورا سرسون می‌آند و توسط همس مسئله مبتوا در مسده‌ای برای امسای سورا زرد

۱. اخراج کارگران مبارز کارتن البرز

بدنبال باصلاح تصفیه و پاکسازی کارخانجات شهر صنعتی البرز قزوین و بعد از پاکسازی کارخانه نازنج، کارخانه کارتن البرز، دومین کارخانه است که مورد سرسور ارتجاع قرار گرفته است.

روز ۱۲ اردیبهشت دو تن از اعضای شورای کارخانه کارتن البرز بوسیله سرمایه‌داران بازداشت میشوند که بعد از ۴۸ ساعت بازداشتی بصورت ممنوع ورودی کارخانه بازداشت آزاد میشوند و مجدداً دو روز دیگر یکی اردو نفر مذکور دستگیر شده و سزندان انداخته می‌سوزد که بعد از یک جا که سوره شده و آزاد می‌سوزد. اما ارتجاع منطقه که برای کارگران مبارز دندان تیز کرده بود آرام نمی‌نشیند، احمد ظاهر حانی رئیس سازمان شهر صنعتی البرز، تحریر کارخانه نازنج را ساکن می‌گیرد و عدای از او با شان کارخانه کارتن را تحریر می‌کنند که به هیچ وجه اجازه ندهند عضو سورا وارد کارخانه شود. وی گذشته از این، اساسی ۲۵ کارگر دستگیر اعلام کرده و می‌گوید که ۸ نفر از اینها دستگیر شده‌اند و کارخانه شونده و ۱۷ نفر سببه قید می‌دهی خواهد شد. دستگیر را برگردانند که این امر مورد مخالفت شدید کارگران قرار می‌گیرد.

اکثریت کارگران کارخانه کارتن که تا حدودات بخش سورا و مبارزات کارگران اخراجی سوزند از آنها حمایت می‌کنند تا آنجا که طاهر حانی مجبور می‌سوزد از او با شان نازنج و دیگر کارخانجات برای حمایت از اخراج کارگران استعفا دهند.

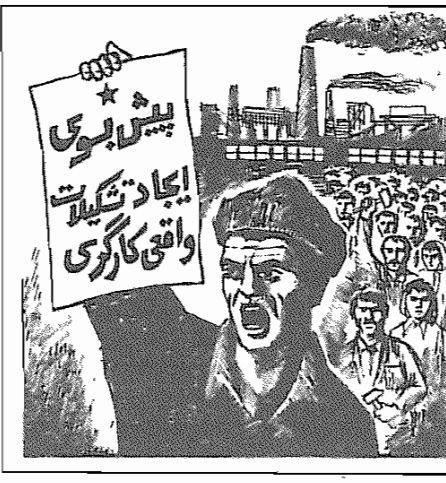
بدنبال این امر بدست سوره‌ها خانی و با این سببها که در کارخانه کارتن کارگران مسلمان پیرو خط امام کمیونیتها را اخراج کرده‌اند و چند کارخانه دیگر مانند لاندان، مان فیلتر و... دعوت میکنند به کارخانه کارتن بروند. در همین روز فرما ندا رومحمد ایورسی (یکی از عناصر مرتجع منطقه) نیز به کارخانه می‌سوزد و آنجا با اصلاح خودشان نماز جمعیت می‌خوانند. اما کارگران آگاهی و ماسا رز کارتن که سبب سببه ما هیئت و اعمال خدا بخلافی این افراد برده بودند ارسوب در نماز جمعیت خود داری میکنند.

مستوا سندا رسا ثنی که در "الأ" تعاق می افتد مطلع سده‌ای برای کارگران آگاهی شما است، بندوبست شما سندگان وابسته و کارفرما را نشان دهند و از این طریق سده‌ای لاندن سطح آگاهی کارگران کم نمایند. بدکاران تشکله لازم سبب که سوره کارگران آگاهی در سوره‌های زرد به اندازه کافی افشا شده است

منا سبب شما از سورا خارج سده‌ای زبون برای انحلال آن کویس نمایند، خود استعفا می‌نمایند و واقعی کارگران ارسورای زرد، مستوا ندر لاندن آگاهی و عاطفت کارگران موثر باشد. (۲)

آنا سورا فلاحی ور در مسوان "صلاح کرد؟
بعده در صفحه ۱۱

(۲) - در یکی از کارخانه‌های تهرآن، سرمایه‌داران واقعی کارگران ارسورای زرد، مستوا سبب سورا را درست شخصی دهد و کماکان در سورا سبب ما ندهند. در حرکت اعصابی که کارگران انجام می‌دهند کل سورا را متحل کرده‌اند؛ این مسئله را سبب سورا و حبسیت کارگران ما را در نظر و آرد و سوره سوره دیگر کارگران را از زهره‌ای لازم محروم نمود.



آخرین گام برای «تثبیت قانونی» جمهوری اسلامی (۲)

نگاهی به برخورد توده ها به جریان انتخابات و ترکیب طبقاتی و جناحهای گوناگون مجلس شورای ملی

حواهداد.

جناح بندیهای درون مجلس در جدول (۱) مشخص شده است و در این رابطه توضیحات زیر را ضروری میدانم:

الف - این جدول تعداد دشمنانندگان سه گروه عمده درون هیئت حاکمه یعنی حزب جمهوری اسلامی و سرکاء، دفترها هنگی (بنی صدر) و همانا (نهضت آزادی) و نیز در صدر هر کدام را نشان میدهد. علاوه بر آن ستونهای دیگری نیز وجود دارد که نشاندهندگان مسرک اسن سرورها را نشان میدهد. لازم به تذکر است که اسن اشتراک نما شده میان گروهها بمعنی اختلاف آگاهانه آنها نمی باشد و این گروه در درودوم انتخابات نیز

(۱) - سی صدر آگاهیه به قدرت حزب جمهوری اسلامی در مجلس کوشش نمود که قمل از گمانش مجلس نخست - وزیر مورد نظر خود را با شدت آلت الله حمینی بر کار گذارد. هر چند اسم اسن بحسب وزیر، موقت بود ولی هدف سی صدر اسن بود که سی از گمانش بین مجلس دوباره همی بحسب وزیر را عموان بحسب وزیر آسده بمجلس معرفی نما بدکه در این صورت مجلس با توجه به نظر آسده الله حمینی ناگزیر از تا شدنوی بود. اما سی صدر با وجود جلب موافقت آلت الله حمینی برای ایسین منظور نتوانست با "حزب گنا ربا ندودر نتججه" انتخابات بحسب وزیر معرفی کرد.

گوناگون حاکم در مجلس می اندازیم. دو جناح قدرتمند هیئت حاکمه یعنی جناح "حزب جمهوری اسلامی" و جناح با صلاح لیبرالها هر چند که در هدفها و برتا مه های اساسی مربوط به بازسازی و پاسداری از نظام سرما بهداری واستدو... همسانی دارند اما بدلائیل گوناگون از جمله ویژگی و اینگراشی شدبدمذهبی حزب جمهوری اسلامی، در روشها دحسار اختلافات نگاه قابل ملاحظه ای میباید بطور مثال آنها در سرکوب جنبش خلقها در ترکمن صحرا و کردستان هدف واحدی دارند، اما هر کدام روش خود را دارند، و یا در مورد سرکوب جنبش کارگری، جنبش دانشجویان مرفعی و انقلابی و نیروهای انقلابی... در اینها وارد ارزیابی همه جانبه زدلائیل این اختلاف در روشها و ویژگی هر یک از اسن جاسا نمی گردیم، بلکه آنچه که در این رابطه قابل ذکر می دانیم اسن است که اختلافات این دو جناح که اساناسانی از صا در وزیر، یعنی جدب و گستردگی مبارزه ملی و طعنا سی می باشد. خود عامل مهمی در بحران درونی هیئت حاکمه بوده اسن و خوا هدیود، او را جاسا بدگرا مرور رفا بت سبدی بیس اسن دو جناح برای کسب قدرت هر چه سسرو عقسب را ندن حریف وجود دارد، رفا سی که بطور مثال حتی مابح از تعیین و انتخاب بحسب وزیر مورد نظر بی صدر قبل از کسب اسن مجلس گردیده اسن (۱) نگاهیه به ترکیب فرا کسونی مجلس اسن میدهد که اختلاف بین دو جناح در آینده با زهم سسرو خود را نما

ما در رابطه با تشکیل مجلس سورای ملی بعنوا ن آخرین گام برای تثبیت قانونی "جمهوری اسلامی ایران در پیکار ۵۹ به دو مسئله اشاره کردیم، یکی ترکیب طبقاتی مجلس کنونی که از روحا نبیون وابسته به حزب جمهوری اسلامی و نما بندگان زمینداران و سرما بهداران و تجا روقش مرفه خرده بورژوازی سنتسی تشکیل شده اسن و همچنانکه گفتیم در آن حتی سسک نما بنده کارگروها دهقان حضور ندا روا بن موضوع یکبار ردیگر این حقیقت را ثابت کرد که در شرایط حاکمیت طبقات استثما رگر، مجلس مقتضای که منام ملت معرفی میسود، مریب و نیرونگی بیش نیست، توده ها در جریان انتخابات با توجه به تقلبات و فضا حتها سی که در جمعین سرمدمداری حزب جمهوری اسلامی به بار آوردند، تا حدی این فریب و نیرونگ را دیدند و نسبت به آن عکس العمل نشان دادند. سی - اعتمادی ای که توده ها در درودوم نسبت به دور اول از خود نشان دادند (نسبت به مجلس خرگان که جای خود دارد) خود گواها اسن و ابعیت اسن (بطور مثال در تهران در دور اول حدوداً ۲۰۱۰۰۰۰۰۰ هزار نفر در انتخابات شرکت داشتند. در درودوم حدوداً ۱۶۰۰۰۰۰۰ نفر) مسئله دیگر که قلا اسن ره کردیم تلاش با مطلاح لیبرالها (بنی صدر و جناح نهضت آزادی) برای نزدیکی با مجاهدین از طریق حمایت ضمنی و با صریح از کاندیدای تهران مجاهدین (در درودوم) بود. ابنت در این مقاله نگاهیه به ترکیب جناحهای

شماره	استان	حزب جمهوری و... اختلاف پسوزگ		جناح بنی صدر دفترها هنگی		نهضت آزادی،... داخل و خارج، همنام		مشترک دفتر		مشترک دفتر و همنام		مشترک اختلاف و همنام		مشترک اختلاف، دفتر و همنام		گروههای دیگر		جمع	
		تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%		
۱	آذربایجان شرقی	۶	۳۰	۱	۵	۲	۱۰	۲	۱۰	۲	۱۵	۳	۱۵	۳	۴	۳۰	۲۰	۱۰۰	
۲	آذربایجان غربی	۲	۳۷/۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵	۶۲/۵	۸	۱۰۰
۳	اصفهان	۵	۲۹/۲	۲	۲۲/۵	-	-	۲	۱۱/۸	-	-	-	-	-	۶	۲۵/۳	۱۷	۱۰۰	
۴	ایلام	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	
۵	بوشهر	۱	۲۲/۳	-	-	-	-	۱	۳۳/۳	-	-	-	-	-	۱	۲۵/۲	۳	۱۰۰	
۶	کچکویه ریویر احمد	-	-	-	-	-	-	۱	۱۰۰	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱۰۰	
۷	چهارمحال خمیری	۲	۶۶/۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۳۳/۷	۲	۱۰۰	
۸	خراسان	۷	۳۱/۸	۵	۲۲/۷	-	-	۲	۱۸/۱	-	-	-	-	-	۶	۲۷/۲	۲۲	۱۰۰	
۹	خوزستان	۸	۵۳/۳	-	-	-	-	۱	۶/۷	-	-	-	-	-	۶	۴۰	۱۵	۱۰۰	
۱۰	رگان	۲	۲۲/۲	۳	۲۲/۲	۱	۱۱/۱	۱	۱۱/۱	-	-	-	-	-	۱	۱۱/۱	۹	۱۰۰	
۱۱	سمنان	۱	۲۵	۱	۲۵	-	-	۱	۲۵	-	-	-	-	-	۱	۲۵	۴	۱۰۰	
۱۲	سیستان و بلوچستان	۲	۲۲/۳	۲	۲۲/۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۳۳/۳	۶	۱۰۰	
۱۳	فارس	۴	۲۵	۶	۳۷/۵	-	-	۱	۶/۳	-	-	-	-	-	۱	۶/۳	۱۶	۱۰۰	
۱۴	گرمسار	۲	۲۲/۲	-	-	-	-	۳	۳۳/۳	-	-	-	-	-	-	-	۹	۱۰۰	
۱۵	کرمانها	۱	۲۵	۲	۵۰	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲۵	۴	۱۰۰	
۱۶	گلستان	۳	۳۳/۱	۲	۳۰/۷	-	-	۱	۷/۷	-	-	-	-	-	-	-	۱۲	۱۰۰	
۱۷	لرستان	۲	۲۵	۱	۱۲/۵	-	-	۱	۱۲/۵	-	-	-	-	-	۱	۱۲/۵	۸	۱۰۰	
۱۸	مازندران	۵	۳۱/۳	۲	۱۲/۵	-	-	۴	۲۵	-	-	-	-	-	-	-	۱۶	۱۰۰	
۱۹	استان مرکزی	۶	۶۶/۷	-	-	-	-	۱	۱۱/۱	-	-	-	-	-	۱	۱۱/۱	۹	۱۰۰	
۲۰	هرمزگان	۱	۳۳/۳	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۳۳/۳	۳	۱۰۰	
۲۱	همدان	۲	۵۰	۲	۲۵	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۱۲/۵	۸	۱۰۰	
۲۲	برد	۲	۶۶/۷	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۳	۱۰۰	
۲۳	استان تهران	۱۵	۴۲/۸	۲	۱۱/۲	۵	۱۲/۳	۷	۲۰	۲	۵/۷	-	-	-	-	-	۳۵	۱۰۰	
۲۴	اقلمتجای مذهبی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵	۱۰۰	
کل کشور		۸۲	۳۲/۲	۳۷	۱۵/۵	۸	۳/۲	۲۹	۱۲/۲	۵	۲/۱	۶	۲/۵	۲	۱/۳	۶۸	۲۸/۶	۲۳۸	

بقیه از صفحه ۶

اطلاعیه . . .

مدرسورای انقلاب برای تعویب و با رسانی ارتش اس . (تا کیدات همه جا از ما ست) .

حال خلق کرد و همه نیروهای انقلابی و مبارزان سا زمان چریکهای فدائی خلق می سرسند رئیس جمهور جنگ طلب که در ۵۸/۱۲/۱۴ و ۵۹/۲/۱۶ دستن بخسون صدها فرزند دلیر بشمرگه و مردم بیدفاع آغسته بود و برای فریب توده ها جنگ و صلح ، کستا رومذاکره را در پیش میگرفت و دروغ مستغف و برنا مه سازی ارتش ضد خلقی را از طریق بک حرکت سا زمان یافت و ادا مه دا ر سرکوب در تما می کرد ستان پیش گرفته بود ، چگونه یکبار ره در ۲۱ اردیبهشت (تاریخ انتشار " کار " ۵۹) " صلح طلب " مسود و " گام مثبت عملی " بطور میدارد و " نگران " سر نوشت مبارزان صدا میربا لبسی و دموکرا - تیک خلق ما میگردد؟! آنا جزا بنست که ما زمان چریکهای فدائی خلق علیرغم آنکه در همان " حیر " شماره ۲۲ خود میگوید " همراه سمرگه های فهران سرای ادا مه نبردنا نه آخه مقاومت عظم خود ادا مه حوا صددا و صلح صلح را نه جنگ امروزان ضد خلقی ، به عوا مل امیربا لبس بحمل خواهد کرد " ، امروز صلح تسلیم - طلبی و بنست کردن به قول و قرارهای خویش را در پیش گرفته است .

در " خبرنا مه حزب دموکرات شماره ۲۴ تنکبلا ت سنندج " در اخباری که آمده ما موقعی های زیر رو بر و هستیم ، در خبر مربوط به کاماران ، مربوط سده حمله پیشمرگان حزب دموکرات به مقرهای سارا آمده است :

" طبق گزارش ساهدان عسی ۳ ساربا سارا ن کشته و ۳ سرحمی مسود ، این عوا مل ارتجاع و امیربا لبس نا زما سبکه به هجوم و اسال حود حاتم به هددا به در آن مسطر حسن صر سب ب مهلکی بوده و آن بعد حرد و کسه و رحمی ندهند که دیگر برای همیشه قعدنبا جموا سالگری را از سر بردر کنند " .

در خبر مربوط به با نه نیز آمده است :

" درود بر پیشمرگان فهران که سار رنادت و رزمندگی حود کلبه توطله های عوا مل رژیم ضد خلقی و دسب سار سده امیربا لبس را در منطقه حومه کرده و کوچکترین فرمی نه این مزدوران حاش داده و حوا اهدا د " .

در خبر سخنانی عبدالرحمن قاسم و در مها باد نیز گفته شده است :

" . . . ضمن محکوم نمودن فرما سدها ن مزدور و ارتجاعی و جنگ افروزان وابسته و گوش فرمان امیربا لبس ، از شهیدای جنگ کردستان تحسب عمل آمد " .

اکنون برای خلق کرد این سئوال مطرح میشود که حزب دموکرات چگونه عوا مل ارتجاع و امیربا لبس و همچنین بقول حزب دموکرات عوا مل رژیم ضد خلقی و دست نشاند که به کیه کردستان هجوم آورده اند و قصد اشغالگری دارند و جنگ افروزان وابسته را فراموش کرده و یکبار ره " دستجات مسلح و ایستاد " را علم میکند و فقط از " محافل جنگ افروز در حاکمیت " گله میزند که " چرا حقوق عادلانه و طبیعی خلق کرد را ندیده می - گیرید و زمین را برای " گسترش میدان عمل نیروهای وابسته (؟) فرا همی آورند . آنا رژیم به هجوم و اسفال حود خا تمه داده است و دیگر قصدتچا جموا سغالگری ندارد که حزب دموکرات با حوا هی و تمنا خواها ن مذا کسه مسنود؟ آنا اسب معنی در منطقه خفه کردن توطله

مزدوران خاشن؟ خلق کرد که همه سرحویش را سالا نگه دا سده و هیجا ه مسلم سدها ست به این سئوالا ت جواب مبفی می دهد .

به این ترتیب ما عده می کنیم " پیام " مشترک ، حقایق دربارها علیه شروع جنگ ، جنگ افروزان و جنگ طلبان را و سرنا مه نگه تا کنون اجرا کرده و اجرا می کنند نه تنها سالی نمی کنند ، بلکه واقعات را و ارونه جلوه سده و سرحنگ افروزان و جنگ طلبان یعنی کل هیئت حاکمه آب تطهیر می ریزد و کسار و سرکوب خلق کرد توسط آنها را سگوب برگزا ر میکند . " پیام " مشترک نا علم کردن " دستجات مسلح و ایستاد " بر سبلسا ت رسم علیه جنگ و مقاومت خلق کرد مهتر نا شدمی زندونا " مسئول " حوا دن دوشنبه و امضا کسه به با م نیروهای دنگرا ز جمله سب عزال الدس حسین ، کومه له ، سکا رو . . . را جزو " دستجات مسلح و ایستاد " می داند و همچون حزب توده حاش مرز س دوستان و دستان خلق و انقلاب را در هم می ریزد .

ما بنده تشکیل میشود . اگر چنین است چرا آنرا با مراحتا اعلام نمی کنید و نوده های خلق کرد را از با م و سر در کمی بدر نمی آورند؟ اس سئوال را سبب از هرکس با سسی از سا زمان چریکهای فدائی خلق کرد که آ سدر سگ " هیئت سادگی خلق کرد " را به سسه می زد ، امروز این سا زمان به توده ها ححو اب میدهد؟ بوده ها از این سا زمان که در تاریخ ۵۹/۲/۸ یعنی حدود یک ماه پیش در " حیر " شماره ۶۴ سنندج اعلام می - کرد :

" ما هیئت سادگی خلق کرد را برای مذا کسه رحل سالیست امتر کرد سالیست نکل دادیم . حلی ما هیئت سادگی را بعنوان سبب سرحم ملاحظه دارا مرده کرده سرب سبب سادسه و دولاب ساد برای قطع جنگ در کردستان ، سالیست به مذا کسه جدی و رسمی سر دار " .

(تا کندها ما ست) ، می سر سدر عرض نکاه حه با عافی افتاد که ساد در " پیام " حود برای مذا کسه کرد :

اما نکته دیگر آنکه در این پیام وجود دارد و قابل توجه است اینست که اولاً " هیچ صحبتی از هیئت نما یندگی خلق کرد نیست و یکلی بدست فراموشی سپرده شده است و ثانیاً " مبنای مذا کسه نه طرح ۲۶ ماده ای که بارها مورد تأیید خلق کرد قرار گرفته است بلکه طرح ۶ ماده ای مینا قرار گرفته است . خلق کرد و همس انقلابیون و مبارزین آن سئوال میکنند که چه شد که یکبار هیئت نمایندگی به بیوته فراموشی سپرده شد .

باید از سا زمان چریکهای فدایی خلق پرسید چگونه از نظر شما بنی صدر در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴ و یا ۵۹/۲/۱۶ " جنگ طلب " است و حرکت ارتش حرکتی است سا زمان یافته و ادا مه دار که در تما می کرد ستان هم اکنون زمینه ریزی میشود . . . بر نا مه بنی صدر و شورای انقلاب برای تقویت و با سازی ارتش اس است " اما در ۱۳ اردیبهشت و در کار ۵۹ " صلح طلب " و . . . ؟!

آن سبب هیچ نامی از " هیئت نما سادگی " نمی سرت و ما " تنها سرح ملاحظه دار " طوری سرحورد می کسد که گویا اصلا وجود ندا سدها ست؟ اگر چنین است اعلام کنند تا خلق کرد کلسف حود را بداند . آنا " هیئت سادگی " برای سافظ وسله های برای سب سدر اصحا رطلبی تان و عقب راندن و تحطه نیروهای دنگر نیست و هر زمان مافع سا زمان تان انا اب کسد آنرا فراموش می کنید؟ " پیام " و حرکت اخیر تان سده این سئوال جواب مثبت می دهد . ما که هر زمان مسئله حرکت نیروهای دنگر در ستا دمترک با فعالیت های مشترک مطرح مید زود " هیئت نما یندگی " را وسله قرار میدا دند و مانع حرکت همه نیروهای انقلابی در فعالیت های مشترک میشدید ، اکنون نما می دهید که سرحوردی فرصت طلبا نه با هیئت نما یندگی دا سدها ند ، نه سرحوردی انقلابی ، زما سبکه حزب دمو - کرات با زیر با گذا ستن سوا مفا ت هیئت نما یندگی برای مذا کسه حادگا نه با دولت کوشش میکرد و سده تهران هیئت سراسا دوطرح ۶ ماده ای را ارا شه داد ، سا زمان چریکهای فدائی خلق ساد کرد ستان در اعلامه ای بتاريخ ۵۸/۱۲/۱۵ تحت عنوان " حزب دمو - کرات حه ممکنه؟! " حزب دموکرات را مورد انتقاد قرار میدهد که حرا حرکت تکروا نه انا نما میدهد و چا گانه به پای مذا کسه میرود و حرکت آنرا موجب سکا ف انداختن در صوف متحد خلق کرد می شمارد . " فدائیان " همچنن در این اعلامیه حزب دموکرات را سخالطی نا دیده گرفتند طرح ۲۶ ماده ای و ارا شه طرح ۶ ماده ای مورد انتقاد قرار می دهد . و با لاف و نتیجه میگرد که :

" سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران . . . با تمام سرحور جهت تقویت هر چه سبب هیئت سادگی خلق کرد ، اس دستا ورد گرا سدر حس مفا و مت خوا هذ کوسید " .

" پیام " مشترک آسکا را نا مواضع قبلی نیروهای امضاء کننده آن متعاقبات است و سالی تا سده مبارزه و مقاومت و تشویق توده ها دا مه مبارزه جنگ آنها را بحکوم می کند و تسلیم و با زس را تسلیم می کند . (صلح طلبی) محتوای این " پیام " نه آنطور که سا زمان چریکهای فدائی خلق در خبر شماره ۶۹ مورخ ۵۹/۲/۱۲ سنندج شعرا نرا داده اند " صلح صلح را به حکومت تحمیل خوا هم کرد " است ، نه آنطور که در خبر شماره ۶۴ مورخ ۵۹/۲/۸ سنندج گفته اند " ما آما ده قطع جنگ و سر - گزاری صلح عادلانه هستیم ، بشرطی که سار رئیس جمهور دستور اتن س و ساقی را داده و ارا رش فوراً سنازان شهر را قطع و به مواضع قبلی خود برگشته و مذا کسه جدی و رسمی آغا ز شود " ، این درخواستی عا جزا نه و موضعی است تسلیم طلبانه که نه تنها ندهنده نا سبگیری و تزلزل سا زمان چریکهای فدائی در ادا مه مفا و مت و مبارزه بوده و با عت میشود هیئت حاکمه در ستا رتجاعی و ضد خلقی خود در سرکوب جنگ و مقاومت خلق کرد با ساری بیستری کند .

حزب دموکرات نیز از همین موضع حرکت میکنند و آنچه که در خبرنا مه شماره ۲۴ خود گفته است را زیر با می گذارد .

اما نکته دیگری که در این پیام " وجود دارد و قابل توجه است اینست که اولاً هیچ صحبتی از " هیئت نما - یندگی خلق کرد " نیست و یکلی بدست فراموشی سپرده شده است و ثانیاً مبنای مذا کسه نه طرح ۲۶ ماده ای که بارها مورد تأیید خلق کرد قرار گرفته است بلکه طرح ۶ ماده ای مینا قرار گرفته است ، خلق کرد و همه انقلابیون و مبارزین آن سئوال می کنند که حه کسه که یکبار " هیئت نما یندگی " به بیوته فراموشی سپرده شد و انگار نه انگار که چنین " هیئتی " وجود داشته است ، آنا تمام آن پشتیانی و تا ئید هیئت نما یندگی بیهوده بود و با اکنون هیئت نما یندگی خلق کرد فقط از دو

بقیه از صفحه ۲. گواهی باد ...

وجود سطلی امکانات پیدا سنی، سزگ و سیمه، طاقت های کوچکی که ۲۴ خاور در گرومی طاقت فرسای درون این سلولها، در کناره رهنم رنگی می کنند، زان و گردن خرد سالی که همراها با بدرا و وسامولایی- های خود، از صبح زود تا هنگام غروب آفتاب که گاه به ۱۷- ۱۶ ساعت می رسد، کار می کنند... در اینجا کودکان خرد سالی هستند که جا رده داده میسوزند. پیرزنان تکیده و زیر فشار زندگی و دولا سدهای هستند که همبیا با بیسور عروس و ونوه های خود در زیر آفتاب سوزان تابستانی دست، تل های بزرگی از خاک را به آجر میل می سازند تا جبب سرما به داران بر شود. اینجا قیافه های سوخته و دهقانی و دست های سینه - بسته ای که ترک خورد و قاچ قاچ شده اند، هستند که با عربانی تمام عمق ستم و استثمای سرما به دار و سلطه میریالیستی را نشان می دهند. اسن کارگران، روستا ثیان فقیری هستند که در سرا پط و اینستگی کا مل اقتصاد دکتور به میریالیسم حیا نی و تا سودی کا مل گنا ورزی جهت بدست آوردن لقمه نانی ۶- ۷ هزار تومان، مساعده ای که در فصل زمستان گرفته اند، نیروی کار خود را خا نواده خود را فروخته و ۶- ۷ ماه از بیا رتا با شیز در این کوره ها حسان می کنند.

در چنین شرایطی، خرد اما سال ۱۳۳۸ بود که این تن های خرد و له شده در زیر فشار کار، به حرکت در آمدند تا حرکت خود با نیروی خود، وضعیت زندگی شان را کمی بهتر کنند ولی استیارتیز مسل همیشه، این نیروی ملحق رژیم ها خائن ساقت سه هراه عوا مل کار فرما و وزارت کار بود که به بنیوا ز اعتماد کنندگان ستامشند، ابتدا وعده فرسکاری و جرب زبانی، سپس تهدید و ارباب و درآخورتی- کارگران همچنان مردانه استاندند و سرخواستهای خود بیا نشردند، غرض مسلسلها و تفنگ دژ خیمان جکمه پیوس یعنیان آخرین باسخ رژیم وابسته امیر- با لبسم و رد میدان شده تن کارگران زنده را در خون غرق ساخت، یادشان گرامی باد!

نگاهی به وضعیت کارگران کوره پزخانه ها

کارگران کوره پزخانه ها، اغلب ستم کارگرنمده هقانی (نیمه پرولتر) هستند. یک بای آنها در روستا و سالی دیگرشان در شهر است. خا نواده آنها محل اصلی زندگی آنها در روستا و آنها تنها بدین جهت سه سپهرماری می آورند که کسری هزینه زندگی خود را با کار در شهر جبران کنند. اما ما رسدهرجه بیستریمناسات کا لاشی کارگران کوره پزخانه کم از روستا می برند. کوره پزخانه در واقع زندانی است که در آن اسن زحمتگنان در طول ۶- ۷ ماه زسال به کار کمرسکن ۱۶- ۱۷ ساعت و گسترایی (کارمزدی) که عمق وسدب استثمای سرما به داری را می پوشاند، تن می دهند، تا زندگی شان را که از روستا به تنهایی نامن نمی- شود، با مدهند. در واقع سپهر یعنیان وسله های است برای حفظ روستا و آنچه که در روستا ست و در سببهمین جهت است که کارگران کوره پزخانه ها همبیا بنیوا عظیم کارگران سا حقا نی عمقا دارای حصا بیل دهقان نی سوده وسط رها نی خود را به در شهر ها و محیط کار خانه، بلکه در بیهودوباره، زراعسو تولسد روستا نی دسال می کنند، بهمین جهت است که آنها جهت تحفی آرزوهای دهقانی خود و حفظ خود یعنیان یک ما حقا خرده ما نکا رطاب فرما و حتی رقابت - آتمز (سبسم کارمزدی هموارها رقابت تمام است)

در دستگا ههایی که ۷- ۲ نفر کارگر زن، دحسبر، کودک و بزرگ خا نواده را در خود جای می دهند، مسول می سوند.

همانطور که گفته شد، کارگران کوره پزخانه یک کار زدا نی نی سوده و بیل که صلی است، آنها ۷- ۶ ماه از بیا رتا با شیز کوچی از خاک را به کوچی از آجرهای حا تبدیل و ذخیره می کنند تا در زمستان و سائیز در کوره ها تبدیل به آجر سوزد. همین فعلی سون کار که بدننا ل خود جا سانی و تغییر هر ساله کارگران را بدننا ل دا رده به آنها امکان نمی دهد نا با کار دسته - جمعی در کناره ریکه رنگروآشنا نی و انس دا نی ما محط کار رو ترا بیل جدید زندگی، هر چه بیشتر سیم نزدیک و از رقابت (که تنها سنف سرما به دار است) دور سوزند و همچنین در سرما رزات خود حقوق و امتیازات رها می

در اینجا کودکان خرد سالی هستند که اجاره داده میشوند. پیرزنان تکیده و زیر فشار زندگی دولا شده ای هستند که همبیا با بیسور عروس و ونوه های خود در زیر آفتاب سوزان تابستانی دشت تلها ی بزرگی از خاک را به آجر میل میسازند تا جبب سرما به داران بر شود. اینجا قیافه های سوخته و دهقانی و دستهای پینه بسته ای که ترک خورده و قاچ قاچ شده اند، هستند که با عربانی تمام عمق ستم و استثمای سرما به داری و سلطه امیریالیستی را نشان میدهند.

بعد از قیام بهمین ماه که زمینه آگاهی سیاسی و بیداری فکر در اقصی نقاط میهنمان با بیس از بیس رشد یافت، مبارزات کارگران کوره ها نیز رشد و گسترش بیشتری یافت. آنها بعد از سرنگونی سلطنت همچنان بر خواسته های خود پای فشردند. در آرد بهمینست ۵۸ کارگران دست از کار کشیده و خواهان افزایش دستمزد و سکن و کلاه و کفش و لباس برای همه کارگران، مسکن، مسجد، حمام و مستراح برای کارگران، بیمه شدن و بالاخره خواهان تشکیل شوراهای کارگری شدند.

ملح کمیته ها رو بر سوزد، نیروی ملحق کمیته و بر حسب "مدا نقلاب" در مقابل کارگران کار افتاد، لگن اسن را بر خرا ساد و عرم اسح کارگران مسب اصلی سرروزی رسد بر ستم سون خواسته های کارگران گردید. سواری کارگری شکل سده متا سانه دلیل عدم سجره - سانی و تا حدودی نی تقاونی سیاسی کار - گران کوره پزخانه که عمدتا سانی از عقب ماندگی سانی آنها است حدتفران وسا کار رها یعنی ان سما پینه کار گران انتخاب شدند، بی اعتمادی کار گران به سمن وا همب سورا ها جهت دفاع متسکل و رسمی ار حقوق خود و عدم سرکت فعالانه کار گران در اسن احسا با بود دسال کردن مسئله سورا ها از مهمتر سین دلایل اس وضع سود، اس بی اعتمادی بحدی بوده است که سوز کار گران نی هستند که حقی نما سندگان خود را بیرسمی سما سند، اما آگاهی امری نیست که در سکا سوقت سود، رسدگی در هر روز که می گذرد آگاهی سیری را در سمن سوده ها می سرا کنند، سوده ها سبه منافع طبقاتی و وظایف بار حقی خود آشنا سوزند و سادمی کسری که در دسال سپروزی و خوشحالی هستند ما سورا ره کنند و آشنا نی سروی خود بدر سب آورد، اس امری سب که کسی به آشنا دهد کنند، سرای سار ره گردن سکل سار ما بدهی لازم سب، همچنان نکه سرما به داران سرای خود سما سده، دفسر وسند سکا و و حرب دا رسد کار گران بیزان بدر سرای منار ره سما سده را ان سکل های خاص خود (سورا سما سبکا را دا سما سند، حملات سری که یکی از کار گران کوره پزخانه نه گفته سوی سدا ری انکه ار ساید سرا آگاهی به منافع طبقاتی در سمن کار گران را با زگومی کند:

"... ما سما سده ای می خواهیم که حدس سال در این کوره ها جان کند ما سده... درد ما را سده، حرف ما را سوا سدرسد، ارکسی رودر - سایی سده است ما سده، از کسی سترسد، ما پس سمن ..."

مبارزات اخیر کارگران کوره پزخانه ها

اعتلا ای اقلانی سالیهای ۵۷ - ۵۸ نمود و آعار سوده ای خود را تا تطهرات زحمتگنان حارج ار محدوده و اعصاب کارگران کوره پزخانه ها در ساسن ۵۸ آغا ز نمود. در سترما ۵۸ کارگران کوره پزخانه های خاص خود را در واقع در جا ده، شهید نهان، اعصاب خود را جهت امتیاز اسن دستمزد آغا ز نمودند که سرتبسی معمول ابتدا رئیس اداره که روسما بندنه حسب وزیر همرا دنا وعده و وعیدوسانی از کار ما با ساهسه و سس سوز کله زدا رمبیا وسرا زبا مسلسل و شهسک - هاسنان در محظا هرسند، سورش سغا نه نظا سمان بس از پیش کارگران را از زن و کودک و مرد به هم نزدیکتر و در مقابل رژیم فراداد، این اعصاب ساستوار ری ویا بمردی کارگران به سپروزی رسسد. دستمزد ۲۸۵ ربال سرای هوز را خرجه ۵۰۰ ربال

انتشار کار ۶۱ پیروزی جریان مارکسیستی - لنینیستی بر جریان روزنویستی درون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

لکه موصوفی در کتاب "مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با استعمار تا مبارزه با استعمار" (عنوان اصلی که قطعاً با ما آشناست) در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

کار ۶۱ (که تاریخ آن ۵۹/۳/۱۳ به حساب می آید) در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

رفقای دانش آموز خوش آمدید!

اطلاع ماسم که کمی اردوآموران "مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران" را در دست گرفته اند. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

"ما سرانجام با موفقیت به هدف خود رسیدیم" این جمله را در کتاب "مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران" می بینیم. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

امید است که در آینده با موفقیت بیشتری در مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران موفق شویم. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.



اعتراض اتحادیه کتابفروشان کنار خیابان به حملات اوپاشان به دکه ها و کتابفروشیها

اتحادیه صنف کتابفروشان کنار خیابان در رابطه با حملات سازمان اوپاشان به دکه ها و کتابفروشیها اعتراض کرده است. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

برخی از کتابفروشان که در کنار خیابان واقع شده اند، در مورد حملات اوپاشان به دکه ها و کتابفروشیها اظهار نگرانی کرده اند. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

کتابفروشان میگویند که این حملات باعث شده است که آنها نتوانند به کارهای خود ادامه دهند. این کتاب در مورد مبارزه با امپریالیسم و سوسیالیسم در ایران بحث کرده است.

منتشر شد:

مواضع اخیر سازمان چریکهای فدایی خلق:

تجاوز گسترده روزنویست علیه مارکسیسم - لنینیسم

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۳۱۲۰۰	د	۱۶۲۲۰	ف	۵۱۰۰
"	۱۰۰۰۰	ز	۲۵۰۰	"	۲۴۴۰۰
"	۵۵۰۰	"	۵۷۰۰	ی	۱۱۵۰۰
"	۲۸۰۰	"	۲۰۵۰۰	ج	۲۷۵۰۰
"	۲۵۰۰	ز	۸۸۴۰	"	۷۲۸۰۰
ب	۱۱۰۰۰	س	۱۴۰۰۰	م	۲۵۲۰۰
"	۵۴۰۰۰	"	۷۰۰۰	"	۶۴۰۰
"	۸۲۰۰	"	۲۰۰۰	"	۱۸۱۰۰
ت	۶۸۰۰	"	۲۱۴۰۰	"	۴۵۰۰
ج	۳۱۰۰	ث	۲۲۷۲۸	"	۳۰۰۰
چ	۱۹۴۰۰	ص	۱۱۵۰۰	"	۳۰۰۰
ح	۲۱۵۰۰	ط	۷۰۲۰	"	۳۱۰۰
"	۴۵۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۱۸۶۴۸
"	۱۱۰۰۰	ع	۱۲۳۰۰	"	۲۲۰۰۰
"	۱۱۱۰۰	"	۳۰۰۰	"	۵۲۰۰۰
"	۱۰۱۴۰۰	"	۲۵۰۰۰	"	۵۳۰۰۰
خ	۳۰۰۰	"	۱۱۰۰۰	"	۱۹۲۰۰
"	۲۳۰۰۰	ع	۱۱۳۴۷۰	"	۴۵۰۰
د	۱۴۸۰۰	ف	۱۴۰۰۰	"	۷۰۷۰
"	۸۸۰۰	"	۵۷۰۰۰	A	۲۵۷۸۰

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

توطئه حزب جمهوری اسلامی در نوار آیت: افتتاح بزرگ

وحدت و اختلاف حزب با بنی صدر و دیگر لیبرالها

از زمان روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی بین جناح‌های خاک‌مشتا هدیده‌ها بم. که عمده‌ترین آنهاست اختلاف بین حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها بسوده است. در ابتدا با دولت سازگان و سپس با بنی‌صدر. مسلم است که اختلاف بین حزب و لیبرالها ما هیتی مترقی‌ا به‌سار رد. حزب زیا یگا هی ارتجای که بیاب و زگی ولایت فقیه و قدرت روحانیون مشخص می‌شود. یا لیبرالها در تفا داسا ما این تفا دو اختلاف تاکنون بحال الشعاع وحدت آنها سوده است. وحدتی در مقابل انقلاب. وحدتی در سرکوب جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی حلقهای ایران. وحدتی ضد کمونیستی وحدتی در راه ترمیم و زسازی سرمایه‌داری و بسته. طبیعی است که هرچه مابرا زده سوده‌ها اوج بگیرد. هر چه با یگا هی نیروهای انقلابی و کمونیستی وسیعتر شود. هر چه اعتدالی انقلابی اوج بیشتر می‌گیرد اختلافات بین جناح‌های خاک‌مشتا شکل مختلف بیشتر آفتابسی میشود. اختلاف بر سر اینکه جنبش را چگونه باید سرکوب کرد؟ با جفاقی فقط یا با جفاقی و نان شیرینی هردو؟ بالنگرکتی و سرکوب فقط یا سرکوب و مذاکره با هم؟ با گرفتن و بستن و کشتن یا با گرفتن و بستن و کشتن هرا ما مناظره و "بحث آزاد"؟ ... به همین دلیل است که علیرغم تفا دی که بین این دو به اوج خود تا کنون رسیده. بنی صدر تا کید میکند که "میثاق وحدت" را در شورای انقلاب امضاء کرده است (انقلاب اسلامی ۲۹ خرداد).

موضع نیروهای انقلابی و کمونیستی در برابر این هردو جناح ضد خلقی. بهیچوجه آنگاه بر یکی علیه دیگری نیست. یا به هردو افساء کرد. هردو را پیش سوده‌ها مفتوح ساخت و یا هردو بسوی ساشنا پذیرد مابرا زده کرد و در همین حال از هر فرصت و موقعیت ممانع برای استفاده از اختلافات بین آنها و بنفع انقلاب. بنفع آرمان زحمتکشان خلق کوشید. کمونیستها هرگز از این امر نینداغافل با شد.

آن دسته از نیروهای دمکرات که ضد امپریالیست که می‌پندارند تنها با تاکتیک افساء و ممانع زده علیه حزب جمهوری اسلامی و تعمیق شکاف بین آن و لیبرالها با به انقلاب ضد امپریالیستی حلقهای ایران خدمت می‌کنند. سخت‌درا شتابا هند. آنها ن با ساشنی که در این میان با لیبرالها می‌نمایند عملا برسای ستهای ارتجایی بورژوازی لیبرال که علیه زحمتکشان ما عمل میکنند سرپوش می‌نهند. آنها افساگری علیه. ضد انقلاب را به براسا س مملحت سوده‌ها در آکا هی هر چه بیشتر نسبت به مسائل کشور. بلکه بنا به "مصلحتست بالائیها" موکول می‌کنند. و این جزئیته عدم اعتقاد به سوده‌ها نیست. این نیروها با چنین تاکتیسیک لیبرالنی و نا سالم به استراتژی جنبش انقلابی ضد امپریالیستی لطمه می‌زنند. با ید لیبرالها (ا مثال

در کردستان. همراه با ران غا روحیض یعنی لیسرالهای خاش و مرمان نهان جلاد ارتش و بنا ساند آیت‌الله خمینی بعنوان فرمانده کل قوا احام خون جاری ساختند. در همه جا به کتا بنا نه‌ها سورش بردند و آنها را به آتش کشیدند. سازان را هراشی زحمتکش را به ساره‌هایی زیدان ادا حسند. نیروهای سیاسی و تصفیه فیزیکی برای ادا حسند تا حاکمیت خود را بر این خلق سبا خاسه حمیل کنند.

طی این مدت. راستی میسوان گفت که انسان سرگرم سر صرا ب را بر سگر انقلاب خلقی اسرا ن رده ا بدو بسرسین انانها وسه کارها را را آورد. اند. کدا مبه کاری ارسا ه کردن نیروی عظیم ملسون. ها انسان انقلابی که سار زیا ساحتها حسا بان می رحمد سراسا؟! کدا م ساسا اراس نا لاسر که انقلاب سوده‌ای و کم ساطه خلقی ما را اسحنس در ساره ا م سوسف ساحتند؟! کدا م ساسا بالاسرار سازی کردن ساشون و خواست ملسونیا انسان که مضم ساند خود را برای همیشه ا رید بر سها سلطه طبقه ساست استعمارگر خالی کند؟

کدا م ساسا بالاسرار زده سحره گرس مردمی که با دست حالی صرا ب در دنیا گی بر سیکرا میربا لاسم آمریکا وارد آورد؟ آری بدست همین دجالان بود که خیمه شب بازی های ساه اصلاح ضد امپریالیستی ساره افتاد و لبه تیز حمله‌ای که رگهای امپریالیسم را به قطع کردن تهدید می‌کرد. سمنت نیروهای انقلابی و کمونیستها بتوجه گردید.

آنها کوشیدند ما زده سوده‌ها علیه لیبرالها و عمل امپریالیسم را لوت کنند و نا شنگا ه سنگسر آزادی - بسویله هسته با نام "انقلاب فرهنگی" مورد تها حم خونین قرار گرفت. سوقهای سلسفا تسی هیطری در نما زجمعه و رادبولویزیون و روزنامه‌های وابسته به انسان. با پشتوانه جاق بدستان. صدهای حق طلب را به خفه شدن تهدید کرد و کوشید با دیگر سکوت گورستان را سرفرا سازد. اینها نه در داخل که در خارج نیز به توطئه و سیه علیه نیروهای انقلابی منطقه مشغول شدند و انقلاب ایران را که میرفت ساسا پشتوانه‌ای برای خلقی ستمدیده و انقلابی منطقه با شد از چنین تا سیری با زدا شتند.

شمارش صفحات این کارنا مه‌سایه. آسان نیست و هنوز صفحات زیادی کشف شده باقی مانده است. در عین حال سوده‌های ما بتدریج از اعتماد اولیه و نا آگا‌ها نه خود نسبت به اینان کا سترواننا سرا طرد می‌کنند. سکه این نیرنگ با افزایش آگا‌هی سوده‌ها و اوجگیری بیشتر مابرا زده طبقه کار درون جامعه. بسوی شکست نهانی نزدیک می‌شود.

حزب جمهوری اسلامی پس از شکست. پس از هر افتتاح می‌کوشد تا تکلیف بر عیض موهومات و نا آگا‌هی‌های مردم یکبار دیگر کمر راست کند ما هرگز نتوانسته است. آنرا را این شکست را که شرع طبیعی رشد مبارزه طبقاتی جامعه ما. اعتدالی انقلابی و قهرمانی خلقی ما بسوی زده در کردستان است از یک خود بسزاید.

انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقی ایران روز بروز اعتدالی بیشتری می‌یابد. کارگران. دهقانان و خلقی تحت ستم بزاز خود علیه سرمایه - داران و زمینداران و رژیم‌های آنان را ادا سیه داده و بدان شدت می‌بخشند. در این میان جناح‌های حاکم از یک طرف در رابطه با سرکوب جنبش سوده‌ها و از طرف دیگر برای سهم بردن بیشتر از قدرت. بر سروروی یکدیگری کوبند و هر یک دیگری را افسا می‌نمایند. آری آنها ن که چه هردو در سرکوب ستمنش سوده‌ای و نیروهای انقلابی همداستانند ولی در عین حال برای رسیدن به قدرت ستمنا یکدیگر درگیرند. و به همین لحاظ همچنانکه ما ساه و جگیری مابرا زده سوده‌ها هستیم و جگیری بیشتر اختلافات درونی آنها ن را نیز ساهیم.

نوار دکتر آیت که اخیراً توسط روزنامه انقلاب اسلامی انتشار یافته است نمودی از اوجگیری رقابت بین دو بنی‌صدر و "حزب" است. انتشار نوارهای دکتر آیت "واترگیت" حزب جمهوری اسلامی بر ما سده. بنا نهادن اینها که سوا استفاده از خلاه‌در رهبری جنبش انقلابی خلقی ما زما ما موررا بدست گرفته و "ترکتنازی" میکرد مشمس ان با زشد. سرنوشت این حزب ارتجایی به داستان قور - باغی ا طماع و مالخولبا شی ساهت داد رده می - خواست کا و شود و آنقدر با در خود مبد که بجای گا و شدن. ترکیب! حزب جمهوری اسلامی نیز که می‌پنداشت با سوار شدن بر دریای موج انقلاب سوده‌ها. می‌تواند سگان کشتی را بدست گیرد چنان در نتیجه امواج خروشان مبارزات خلق به تلاطم افتاده که خود را نیز دا ردیگام مزگ می‌سپرد. راستی چه کسی می‌تواند سوده‌های این با ندمر سوبه حزب را در عرصه همین ماطی یکسال ونیم گذشته. نشنیده بگیرد. چه کسی دروغها و افتراها و فریبکاری و مردم فریبی‌های این دجالان را در منحرف کردن سوده‌ها و در اتمام علیه نیروهای انقلابی می‌تواند نفرا موش کند.

آنها بیش از یکسال چون بختگ بر ذهن سوده‌های نا آگا‌ها افتادند.

بیش از یکسال با سوا استفاده از احساسات مذهبی مردم. چنگالهای سیا و خونین خود را در پیکر تمام ارگانهای کشور فرو بردند و دست در دست هم می‌مانند خود یعنی لیبرالها و بورژوازی وابسته. برگزیده زحمتکشان ما شلاق حقیق و سپهر کشتی فرو کوبیدند. مجلس و اسکریا را "نا خیرگان" تا میدند و تا سون اساسی ارتجایی با ویژگی ولایت فقیه. که خلق ما آنها را ۷۰ سال پیش در زبا نه‌دان "مشروع" انداخته بود. دوبا ره به مردم حقنه کردند و "کشا در ترین کلاه" را برای مردم ایران دوختند.

بیش از یکسال. این با نند توطئه گرو و تبیه کار در کتا رلیبرالها و حامیان امپریالیسم به انواع هیله‌های مودی نه دست یازیدند تا انقلاب خلقی ما را از پیشروی با زده رند و بدین ترتیب عملا در خدمت امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار گرفتند.

بنی صدر) - این امیدهای امپریالیسم را پیش از پیش افشا کرد، ما سگ را از چهره شان درید و صف ضد خلقی آنان را به توده ها شنا ساند و با تلفیق آگاهانه با جنبش توده ها انقلاب دوم را تدارک دید.

حزب جمهوری اسلامی پس از چند اشتلاف بزرگ و تعداد بیشماری دروغ و سخنان بزرگ، رکسورد افتخاح بزرگ را نیز از آن خود ساخت. دکتر حسن آیت که ما قبلاً او را با رها افشاء کرده و مشخصاً او را به داریا رودسته خاشن دکتر بقا شئی کرمانی (وابسته به انگلیس) انگشت گذارده ایم، یکی از بنیان گذاران و عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی است. در نواری که از وی بدست آمده و انتشار یافته، او نشان می دهد که تا چه حد سیاستهای حزب را کارگر دانی می کرده است. حال قبل از اینکه به محتوای نواری برسد، برای آشنائی بیشتر با "حزب" به ما نگاهائی که در دوران آن وزیر سیاست واحد رنجائی حاکم بر آن جمع شده اند، اشاره می کنیم:

نگاهی به جناحهای درون حزب و وحدت آنها با هم

دردرون حزب جمهوری اسلامی ۴ جریان وجود دارد که هر یک در عین ویژگی و سوابق خود مجموعه هماهنگی از وحدت فدا خلقی را تا کنون بین خود حفظ کرده اند:

۱- جناح دکتر آیت و ساند حزب زحمتکشان دکتر بقا شئی. دکتر آیت در واقع نماینده دکتر بقا شئی در حزب جمهوری اسلامی بوده و سراسر اطلاعاتی که از جنبش پیش ما رسیده، سوادجلسات مداوم هفتگی بین آیت و بقا شئی تشکیل شده و میتوان گفت بقا شئی از پشت پرده سیاستهای خود را از طریق آیت و حزب جمهوری اسلامی اعمال میکرده است. سوابق خیانت دکتر مظفر بقا شئی کرمانی برای ملی شدن صنعت نفت اطلاع دارند بخوبی روشن است. دکتر بقا شئی، آیت الله کاشانی و حسین مکی در آن سالها با پیاده کردن سیاست انگلستان علیه دکتر مصدق چنان ضربه سختی بر یکر جنبش فدا میریالیستی خلقهای مازندنگه تاریخ ایران اترا فراموش نخواهد کرد. حزب زحمتکشان بقا شئی از کودتای ۲۸ مرداد است تقبال کرده و در سالهای سپاه از کودتای تمام تلاش خود را در بدست آوردن مصدق و جنبش ملی ایران بکار برد. تبلیغات کله طی یکسال گذشته برای اعاده حیثیت از آیت الله کاشانی در اردیبهشت و تیر و مرداد و روزی با جمهوری اسلامی شاد بوده ایم، گوشه ای از عملکرد "بقا شئی" های این حزب را نشان میدهد.

۲- جناح ارتجاعی بهشتی، رفسنجانی، خا منهای که با اتکا به سوابق و نفوذ خود بدین روحا نیستون و مشغلاً حمایت آیت الله خمینی از آنها سهم مهمی در قبضه کردن مقامات کشوری و لشکری از شورای انقلاب گرفته تا مجلس خبرگان و دیوان عالی کشور و سپاه پاسداران و ارتش و وزارت کشور و با لایحه مجلس شورا و اما مت جمعه بهمه داده شده اند. محمد جواد با هنسر و جلال فارسی هم با وجود برخی اختلافات (عمدتاً شخصی) در همین جناح می گنجند.

۳- با ندرت کمب از کسانی که در سالهای گذشته معروف به "فدیهائی" ها بودند، این باندها ز قریب ۲۵ سال پیش هیچ هموعمی جز به اصطلاح مبارزه علیه بهائی ها نداشته مشغلاً از سوی سازمان امنیت ساسه حمایت و تشویق می شد چرا که یکی از مواد مهم ساسه - تا مه فعلیت آنها "عدم دخالت در سیاست" بود. اینسان که در دوره شاه و جوانان را از مبارزه سیاسی باز می -

داشتند، از برکت! "انقلاب اسلامی" در مقام رهبری کشوریس از قیام بهمین ماه قرار گرفتند. اینان دسته ای از عناصر بسیار عقب مانده بودند که با تشکیلات شبهه فرا ما سونی خود سردر آخور سیاستهای فدا خلقی داشتند.

۴- جریان دیگر برخی افراد وابسته به "حزب ملل اسلامی" می باشند ما نندکام طم بجنوردی (استاندار اصفهان) که امروز در خدمت فدا انقلاب قرار دارند. عده ای از افراد این جریان دیگر با حزب همکاری ندارند ما نند محمد جواد دجانی کرمانی ...

در عین حال این تقسیم بندی را نمی توان دقیق دانست و هسنید فرصت طلبان و واما ندگانی که قدرت سیاسی حزب و کارشهای سید آرتجائی شان آنها را به همکارای حزب واداشه است.

علاوه بر این تقسیم بندی اولیه، ما نند مشخصاً سر این نکته که در روزی که در اسناد مواضع مدخلقی و ارتجاعی، در حال ادخس ولایت فقهی و احاطه "مشروع" سیخ فضل الله، در گزارش بسمانجام فدا صلات فاسیسی و سید آرم کومونیسسی همگی موضع واحدی دارند و بهمین دلیل موضع بهشتی در "سال" سوار آیت را که کفما است کار آیت مسفما خود آیت بر می - کرد، نلانی مذسوحه برای تشریح خود و حزب و سپر

را نخورند. همین ها هستند که حاضرند برای کسب قدرت که بهشتی جز سرکوب انقلاب خلقهای ما را نندارد، به هیچ ترین اعمال دست بزنند، و به اصطلاح "قیصریه را بخاطر دستمالی به آتش کشند".

درسهای نواری

بدون شک از برده بیرون افتادن توطئه حریب جمهوری اسلامی که نتیجه ناگزیر او و جگیری مبارزات توده ها و عجز فدا انقلاب در سرکوب آن است برای زحمتکشان ما درسهای زیاده در بردارد. خلقهای زحمتکش ما که چه قبل از قیام و چه پس از آن بدین حال این دروغ زنان توطئه گروا افتادند و توطئه هرات میلیونی به رهبری اینان بیباک کردند و برای رهبران مسلمات فرسا دند و تکبیر گفتند، حالا خوب چشمان خود را می - ما لند تا از جوابی گران و تحمیلی بیدار شوند.

حقیقت انقلاب فرهنگی:

کارگردانهای توطئه، با سروصدا و تبلیغات وسوسه استغاده از احساسات مذهبی چنین وانمود کردند که جواب سنا ردگرونی وضع آموزشی از یک وضع "استعماری" بسک وضع "انقلابی و اسلامی" هستند. آنها حتی کارگران نا آگاه را از کارخانه ها به مقابله با دشمنان و

دردرون حزب جمهوری اسلامی ۴ جریان وجود دارد که هر یک در عین ویژگی و سوابق خود مجموعه هماهنگی از وحدت ضد خلقی را تا کنون بین خود حفظ کرده اند.

دردرد نواری، آیت که مغز و زبان حزب است، برای تأمین کسب حاکمیت منحصر بفرد حزب جمهوری اسلامی و طرد رقیبان نقشه میکشد، توطئه می چیند، به مخاطب خود (که یکی از دانشجویان خست امام است) که طرح اشغال دانشگاه تبریز را به اجرا گذارند (همچون رهبریک گروه تروریستی مخفی دستور مید هد که نه فقط دانشگاه بلکه دبیرستانها را هم باید تصرف کنند). او ضدیت شدید خود با کمونیستها، با مجاهدین خلق را عیان می کند.

بلا کردن آیت با بدین خلقی کرد. در بررسی کوتاه نواری آیت نشان می دهد که چگونه تمام توطئه های کسه آیت طرح ریزی می کند و سوله دیگر سرداران حزب، خا منهای و رفسنجانی و ... اجرا شده است.

اشاره ای به محتوای نواری آیت

دردرد نواری، آیت که مغز و زبان حزب است، برای تأمین کسب حاکمیت منحصر بفرد حزب جمهوری اسلامی و طرد رقیبان نقشه می کشد، توطئه می چیند، به مخاطب خود (که یکی از دانشجویان خط امام است) که طرح اشغال دانشگاه تبریز را به اجرا گذارند (همچون رهبریک گروه تروریستی مخفی دستور می دهد که نه فقط دانشگاه بلکه دبیرستانها را هم باید تصرف کنند). او ضدیت شدید خود با کمونیستها، با مجاهدین خلق را عیان میکند. به رقیبای سیاسی اش، با ندبئی صدور ... می - تازد، صحبت از آمادگی برای عملیات نظامی می میان می کشد و از کنترل اتوموبیلها پس از ساعت ۱۵ شب صحبت می کند، بورش به دانشگاه تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" را طراحی می کند. او نشان می دهد که آیت - الله خمینی و منتظری را صرفاً برای فریب توده های نا آگاه به سردست نگاه می دارد (البته هماهنگی مواضع ایندو با حزب جمهوری اسلامی بهترین پشتوانه را برای حزب بهمه داده شده است). و پیداست که حزب جمهوری اسلامی با راه انداختن دا رودسته های فالانژ ما نند، نجنم های اسلامی دانشجویان و غیره با قدرتی که در سپاه پاسداران و ... دارند، چه توطئه های ضد انقلابی کودتا گونه ای را علیه مصالح خلق تدارک می بینند.

توده ها با پد هر چه بیشتر هشیا ربا شدند و فریب اینان را نخورند. همین ها هستند که حاضرند برای کسب قدرت که بهشتی جز سرکوب انقلاب خلقهای ما را نندارد، به هیچ ترین اعمال دست بزنند، و به اصطلاح "قیصریه را بخاطر دستمالی به آتش کشند".

بدون شک از برده بیرون افتادن توطئه حریب جمهوری اسلامی که نتیجه ناگزیر او و جگیری مبارزات توده ها و عجز فدا انقلاب در سرکوب آن است برای زحمتکشان ما درسهای زیاده در بردارد. خلقهای زحمتکش ما که چه قبل از قیام و چه پس از آن بدین حال این دروغ زنان توطئه گروا افتادند و توطئه هرات میلیونی به رهبری اینان بیباک کردند و برای رهبران مسلمات فرسا دند و تکبیر گفتند، حالا خوب چشمان خود را می - ما لند تا از جوابی گران و تحمیلی بیدار شوند.

(یعنی در کار و نیروهای مترقی) مشکلات ایجاد کردن. کمونیستها را مطلقاً نگذارید بیا بسند. مجاهدین را هم که عنوان اسلامی روی خودشان دارند، عملاً جلویشان را بگیرید. (نقل از مباحثه با کمی سفیر دستوری)

خواننده ملاحظه می کند که حزب جمهوری اسلامی چگونه با توطئه گری میخواهد دست نیروهای مترقی را کوتاه کند و طرح ارتجاعی خود را زیر سرپوش "انقلاب فرهنگی اسلامی" پیاپی نماید.

حزب، امام را برای چه میخواهد؟

بیش از یک سال است که رژیم جمهوری اسلامی و همین دارو دسته حزب جمهوری اسلامی مبالغه آمیز ترین تعبیرات و وعده های هارا نسبت به آیت الله خمینی بگوش مردم فرو کرده اند و از او شخصیتی افسانه ای ساخته اند که "پیغمبران" هم بیایش نمی رسند. اینقدر از خط امام گفته اند و بر سر پایا و سینه زده اند که کمتر کسی باور میکند این متولیان اما مزاده خود چینیستن شعوری از آیت الله خمینی دارند. آیت میگوید:

"پیاپی که طرح، (یعنی همان بلوای) انقلاب فرهنگی" که قرار است حریف یعنی بنی صدر را هم سرچاپش بنشانند (متضمن اینست که امام کلام در زمینه قرار بگیرد".

آیا این عبارت جز بدین معنی است که "امام را کلام ملا بهیزیم"؟ و در جای دیگری گوید:

"مسئله مهم الان امام است یک کلام بیا دیدی گوید." آیا این بدین معنی نیست که قبلاً هم تمهیدات لازم را مام را آورده اند "یک کلام گفته است؟ و جای دیگری میگوید: "بنی صدر هیچکاری نمی توانند بکنند. با این قانون اساسی، با این شورای انقلاب، با این امام (که) مقابل نگذاشته ایم... هیچکاری نمی توانند بکنند. مسلماً اینها بدان معنی نیست که نزدیکی فکری و سیاسی آیت الله خمینی با حزب تا دیده گرفته شود. او همواره به سران حزب بیشتر بین اعتماد دارد و از آن در مقاطع مختلف حمایت کرده است.

حزب آیت الله منتظری را برای چه منظوری لازم دارد؟

مدتهاست بگوش مردمی چنانند که "فقیه عالی قدر آیت الله منتظری" چنین و چنان است و هر روز آنهم بنحویسبایار خنده داری از قول او پیاپی مواظب نظر و رهنمود و مباحثه با "شخصیتهای بین المللی" و تلویزیونهای خارجی و غیره راه می اندازند. اما واقعاً حزب جمهوری اسلامی چه شعوری و چه هدفی از انداختن نام منتظری بر سر زبانها دارد؟ بهشتی دبیرکل حزب را هم بیاید در رتبه در جلسات "مجلس خبرگان" چگونه اختیارات دستش در میرفت و علیرغم حیلگری هایش با همین فقیه عالی قدر و آیت الله العظمی منتظری همچون معلمی به شاگرد تشریف زد. در نوا ره آیت به دانشجویان خط امام که ما مورثش را ندانیم "انقلاب فرهنگی" هستند شعوری هد که: "الان برنامتان روی منتظری باشد. عکس را ببرند و حرفش را بر نهند شعوری تا می از سر ببرند. تمام اینها باید صحبتی از منتظری می باشد. منتظری روز بروز بزرگتر میشود که اگر اتفاقاً برای امام پیش آمد ما دیگر خیلی کار نداریم با شیم".

این است معنی ولایت فقیه که آقایان اینقدر رویش تا کیددا شدند. آلتی در دست خودمان و چنین است کیفیت تعیین کسی که یک شبه حرفش بر حرف و رای تمام خلقهای ایران می چربد! حقیقتاً این را بخواهیم این است معنی آن کلاه کشایی که پس از سالها رنج و مبارزه و خون بر سر مردم ایران زفت و این است معنی فریب بزرگی که مردم ما از سر تا آگای و "حسن نیت" و بخاطر عدم وجود رهبری طبقه کارگر بر مبارزان، خوردند. عیناً رت "حسن نیت" ضرب المثل را بیاد می آورده میگوید: "راه جهنم نیز با حسن نیت مغروش است!" و انقلاب دموکراتیک نه غذا میریایستی ما نیز با "حسن نیت" و نا آگای می توده ها و فقدا ز رهبری متناسب، اینچنین تا تمام ما نده است.

دانشجویان پیرو خط امام آلت دست حزب

اصلاح دانشجویان خط امام، مجاهدین انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی دانشجویان و سازمان دانشجویان مسلمان و... همگی اختراعات با حزب جمهوری اسلامی هستند برای پیشبرد هدفهای سرکوبگرانه و ضد خلقی اش. فانی ازهای کله خشک (وگا و فریب خورده ای) که عمال حزب محسوب میشوند. همینها که اغلبشان در زمان رژیمها سر بریز و برپا راه در شان را می خواندند و نگشتی در دست برای قبول شدن در امتحان... تا آنکه انقلاب "خود نفوت می کردند. حالاً ما هد نیروهای انقلابی و کمونیست میشوند، دانشگاهها به تعطیل می کنند و در مناظره تلویزیونی از انقلاب فرهنگی سخن می گویند و از ذکر ترات دستور میگیرند که چگونه خود را برای روز ما آموزش نظامی دهند و در توطئه های با مشارکت هاشمی رفسنجانی دانشگاه تبریز را تعطیل می کنند. و در جای دیگر (در جاسوس خانه آمریکا) بنا به مروت واحد حزب، با راه اندازی رقبا ی حزب را از مندان بیدرمی کنند. خیمه شب بازی ای که توده های ماطی همین یکسال و نیم گذشته شا هدسوده اند و با "حسن نیت" برایش فریادتا شد. داده اند در کمتر دوره ای از تاریخ ایران سابقه داشته است.

امام بنی صدر

امام بنی صدر که امروز توطئه حزب جمهوری اسلامی علیه خود سخن می گوید و به اصطلاح افشاکاری میکند از روز اول با گیری این رژیم با امروز همدست و همسرا حزب علیه خلقهای ایران، در سرکوب کردستان و ترکمن صحرا و دانشگاه، در مقابل با او جگری میا رزات دموی کراتیک - غذا میریایستی توده ها، علیه انقلابیون و پیروزه کمونیستها موضعگیری و اقدام کرده است، اما همانگونه که با ره گفته ایم شیوه های دیگر شیوه استفاده از زنان شیرینی در کنار جماعت.

بنی صدر امروز موزا نه میگوید که "نمیخواسته ساکت بماند و توطئه های پشت پرده را برای مردم بازگویند" (مقدمه بر نوا آیت، انقلاب اسلامی ۲۸ خرداد)، ولی نمیگوید که تا کنون چه سزای را بر سر ما مهمتر و بزرگتر - از مردم مخفی کرده و خود چگونه در توطئه ها دست داشته است. (این ادعا که ما چیزی را از مردم مخفی نمی کنیم، بهنگام مپیا موروزی کارتر به آیت الله خمینی نیز از آنها ردا شده است ما کیست ندا ندکه

از اسرار و یکی از رهبران فاش شده است). البته از بنی صدر از نظر ری نیست که به توده ها را است بگوید. بورژوازی مزدور و گشتن به مردم شیوه دیگری بسیاری حکومت کردن ندارد. کلماتی نظیر "دموکراسی"، "نمایندگی مردم"، "منتخب مردم"، "انتخابات آزاد"، "بحث آزاد"، "منیت و معنویت"، "استقلال و مبارزه با وابستگی"... همه کلمات و عباراتی هستند که بورژوازی منجمده بنی صدر هر لحظه تکرار میکنند و لسی همه این عبارات جز فریب و دغل و جز در جهت نگاه داشتن کشور در چنگال وابستگی و جز مخفی کردن ما هستند دیکتا توری طبقه سرمایه داران از نظر کارگران و زحمتکشان نیست.

بنی صدر از اختلاف با حزب جمهوری اسلامی سخن می گوید و خود را در پیش توده ها تیرش میکند و کاسه کوزه ها را بر سر حریف می شکند. اما اینها به طور که خامنه ای با ره در خطبه نما جمعه گفته است "بین مسئولین اختلاف نمی بیند و اختلافات را تا همه قلمداد می کند، و دلیل این تزویر و دروغ گوئی به مردم اینست که دست پس از انشا نوارهای آیت اعلام میکنند که میناق وحدت را به اتفاق آراء در شورای انقلاب امضا کرده است.

روزنامه انقلاب اسلامی بی آنکه شرمی از خود نشان دهد می نویسد "انقلاب به اصطلاح فرهنگی... و عمدتاً فراموش میکند که بنی صدر بهنگام عبورش به دانشگاه، خود چگونه بقول آیت - بر موج سوار شد و روزی انقلاب خونین دانشگاه و روز حاکمیت دولت نامید. بنی صدر "مجاهدین انقلاب اسلامی" وابسته به حزب را که امروز در کردستان... خون می ریزند و نظیر دانشجویان خط امام متبریز هستند، امروز شایسته قبول نداد ولی همه تیرا دادا رند که بنی صدر خود چگونه در مراسم اعلام وجود آن بنی ندهشکار وابسته به حزب، که در دانشگاه تهران سرگزار شد، شرکت و سخن رانی کرد.

بنی صدر میگوید افشای توطئه های حزب جمهوری اسلامی خود را تیرش و تطهیر کند اما توده های آگاه چهره موزا نه و از پس مدعا حیل می شناسند. انقلابیون کمونیست هرگز اختلافات موجود در جناحهای فدا انقلاب و ضد خلق را نادیده نمی گیرند و سعی در تعمیق و گسترش آن دارند ولی هرگز هم دستخوش این سوهم نمی شوند که مثلاً با تکیه بر لیبیرالها و کوییدن حزب جمهوری اسلامی به زحمتکشان خدمت میکنند آنها هر دو بدترین. تنها راه مقابل با آنها هر چه آگاه تر کردیم توده ها به ما هیت واقعی اینان، کوشش هر چه بیشتر در پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان و افشای هر گونه سازش بر اصول می باشد.

فدا انقلاب را در همه چهره هایش افشا کنیم! با مشارکت فعالانه در مبارزه توده ها آنرا هر چه غنی تر و پیگیرتر سازیم!

مبارزه خود علیه میریایسم و ارتجاع را هر چه بیشتر گسترش دهیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۲/۳۰

چرا بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی با یکدیگر دعوا میکنند؟

بنی صدر رهبران حزب جمهوری اسلامی را "مرتجع، فرصت طلب جنک افروز" و... خطاب می کند و معتقد است که آنها در صددند تا بر علیه او دست به یک کودتای دست راستی بزنند. بنی صدر رهبران این حزب ارتجاعی را مسبب آشوبهای کشور معرفی میکند و میگوید که آنها از هیچ توطئه‌ای برای غصب قدرت فروگذار نمی کنند. بنی صدر در نوشته‌ها و سخنرانی‌های اخیر خود از کلاشی‌های حزب جمهوری اسلامی در رابطه با سندسازی بر علیه مخالفین، پرده برداشت و این حزب رسوا را رسوا تر نمود. از طرف دیگر،

حزب جمهوری اسلامی بنی صدر را "پاندول" نامیده و معتقد است که وی فردی "غیر مکتبی و غرب‌گرا" می باشد و نتیجتاً لیاقت ندارد که رئیس جمهور باشد. حزب می‌گوید سنی صدر اخیراً "انقلابی شده و به وسط میدان دویده" است و باید از عرش اعلی‌تأیید بیاید. بعلاوه این حزب انواع و اقسام موانع را در جلوراه حریف قرار میدهد.

حال باید پرسید چرا این دو به یکدیگر حمله میکنند؟

از آنجا که جنبش انقلابی خلقهای میهن ما روز بروز دامنه وسیعتری بخود می گیرد و توده‌های هر چه بیشتری از مردم زیر فشار گرانی، مشکل مسکن و گسترش شرایط خفقانی به میدان مبارزه کشیده میشوند، در میان جناحهای هیات حاکمه شکاف بیشتر می‌گردد. آنان با یکدیگر دعوا می کنند، تا در عین حال که در پیش مردم یکی دیگری را مسئول "اوضاع کنونی" و انمود سازد، خود نیز قدرت را قبضه کند. هر یک از این جناحها در این جنک قدرت در پی بزیر سلطه کشاندن جناح دیگر بوده تا بدنبال آن بتوانند توده‌های مردم ما را به شیوه خود استعمار کرده و سرکوب نمایند.

در این جنک قدرت هر دوی این جناحها، نقاب تزویر و دعوا مفریبی را از چهره یکدیگر بر میکشند و بدست خود مردم را به ماهیتشان آشنا ترمی کنند. مردم بیش از پیش درمی یابند که هر دو جناح دشمن انقلاب و بر علیه توده‌های ستمدیده میهن ما می باشند.

توده‌ها بیدار و دعوا مفریبان رسوا می شوند

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

«راه کارگر» در برابر رویزیونیسم یا در قلمرو رویزیونیسم؟

پیش درآمد:

در اینجا قصد ما بررسی همه نظریات "راه کارگر" در خصوص مبارزه با گوناگون نمی باشد، آنچه ما در این مبارزه با ایدئولوژیک معضبت می کنیم برخورد به انحرافات رویزیونیستی موجود در کتاب "در برابر رویزیونیسم و تزسوسال امیرالیسم" می باشد. البته لازم است ذکر کنیم که در این مقاله ما در پی اثبات با زگت سرما به داری در سوروی و انبای حفا نیست تزسوسال امیرالیسم می باشیم، بلکه بر آنیم تا نظرات رویزیونیستی و تزسوسیستی "راه کارگر" در سرحدوده مقوله رویزیونیسم و رویزیونیسم غرنوچگی را مورد استناد قرار دهیم.

رسمای "راه کارگر" مدعی "وآوری" در جیسیم کونیستی ایران بوده و در سلسله بحثهای خود سوزده در جرعه "در برابر رویزیونیسم و تزسوسال امیرالیسم" امیرالیسم را عیبی در نما ن دادن فقر ثرویک دیگران (سویژه شیروهای کونیستی راستین معتقد به تزسوسال امیرالیسم) دانسته و تاکید می ورزند گه در باره "سوروی ما به تحقیقات فراوانی صورت گیرد تا بتوان نظر قطعی ابراز داشت، لیکن در همان زمان موضع خود را در باره "توروی سوسالیستی" ارائه می دهند. صرطنرازیبک و شیوه روشنگرانیه این رفا، به ادم طرح ساخت که مضمون اساسی تفکر آنان در بر خوردن سوروی و مقوله رویزیونیسم - انحرافی و فدما رگبستی می باشد و این موضع خلفه ای از زنجیر تفکر رویزیونیستی - تزسوسیستی است که در جمله خود را در برخورد به مقوله "دولت" و "ما سم" نما میدهد.

خوهر بنگر که کیم بر "در برابر رویزیونیسم و تزسوسال امیرالیسم" رویزیونیستی است و ساگزیر هرگز نمی تواند خوهر طبقانی رویزیونیسم را درک کند و با آن مرزبندی نما ندویطریق اولی هرگز نمی تواند نما رگبستی سوسال امیرالیسم را درک کند. به اعتقاد ما "در برابر رویزیونیسم" رفقای "راه کارگر" یعنی زمینها زی مناسی جهت بسط رویزیونیسم و تقویت آنکا رویزیونیستی در سطح جامعه وکاملا به رویزیونیستی، بویژه به سوسال امیرالیسم شوروی و کارگران حزب توده خدمت میکند و برواضح است که چنین بینشی هرگز نمی تواند به مقوله سوسال امیرالیسم برخوردی علمی داشته باشد، حال برای آنکه مبارحت ما در حد کماقی نماید

و برای اینکه نما ن دهیم این رفا از یک زاویه رویزیونیستی به "رد تزسوسال امیرالیسم می بردا زند، استدلال آنان را مورد نقد قرار می دهیم. "راه کارگر" چه میگوید؟ کتاب فوق الذکر در توضیح رویزیونیسم میگوید:

"رویزیونیسم در درون حسن اخلاقی پرولساریا بواسطه نمودن رفا و طبقات اجتماعی عیبر پرولساری بدستار رسنود. در نما ن اجتماعی رویزیونیسم در کشور های اروپائی معمولا سواد اساسی و سوبه اسرافیت کارگری را می - نما ن سخن ما در "آرآچ شدت است سنجیه راسی کرسیم که رفا رفا را که اعتقاد دارند رویزیونیسم ایدئولوژی سوروزاری است، رویزیونیسم حلی ایدئولوژی سوررواشی در حین کمونیستی است. و گروه های اجتماعی که اس ایدئولوژی را در درون حسن کارگری یاریدی کند، در واقع گروه های میانی، یعنی جزو سوروزاری و عناصر اثر اثبات کارگری هستند. سرندی سیم که رویزیونیسم در نما ن است و در نما ن ایدئولوژی سوروزاری است و در نما ن مانده است در نما ن "دروما هت" مدعی معاشی سیم در نما ن اجتماعی آنکس که سیم پرولساریا را سیم سوروزاری کار کرده است. در نما ن سالی نما ن طبقات اصلی جامعه سرما به داری گروهها و امور و حود دارند، ولی مانده است سوروزاری با سجدیم سوروزاری عرق دارد و این نکته در تحلیل طبقاتی سیاسی سوردی سوبی قرار گیرد" (ص ۲۳). در رفا رویزیونیسم ارطا - گاه ما بعکاس سماع سوروزاری در مصوب پرولساریا است. (همه این نقل قولها از "در برابر رویزیونیسم و تزسوسال امیرالیسم" سونه "راه کارگر" - تا کدات ازم است)

بطور خلاصه "راه کارگر" معتقد است که رویزیونیسم در کشور های اروپائی نفوذ افشارمبانی و سوبیژه اسرافیت کارگری است و بعلاوه رویزیونیسم ایدئولوژی سوروزاری نیست، بلکه تجلی یا اشکاس ایدئولوژی سوروزاری است.

- برای نما ن دادن تحریف رویزیونیستی "راه کارگر" در موضوع رویزیونیسم با بنده نکته توجه کن:
- 1 - با به طبقانی رویزیونیسم،
 - 2 - رویزیونیستها بعنا نما یگا هیا تکبه گاه اجتماعی اصلی بورژوازی در جنبش کارگری، و

۳ - ماهیت ایدئولوژیک - طبقانی رویزیونیسم

بایه طبقانی رویزیونیسم

امیرالیسم بر ما به رفا رت خلقهای جهان، ما فوق سودهگسی بدست می آورد که به توسط آن قشربا لاکسی طبقه کارگران سدی نما ن بقول لنین:

"سوروسیسیها یک نما ن آر حود سوروزاری و یک سرمس ار طبقه کارگر هستند که توسط سوزیا، امیرالیسها حرسه نما ن سده سگ نگهبان سرما به داری و مسمس حسن کارگری نما ن گردیده است"، "سوروزاری یک سدرت "سوزرگ امیرالیسی می نما ن در اطراف سماع می سرت نما ن کارگرمای خود را "ما حارج حدود یک صد میلیون سرامک در نما ن رسوده ده، ربراکه ما فوق سوس به اضمال سوی حدوداً هزار میلیسون می رسد و حکومتی سمسار س رشوه کوچک بیسن ور را، کار، "ساستگان کارگری"، اعصا کارگر کسنه های سماع سستی، مشولس کارگری، کارگرمای که سعلو سسدیگا های کوچک، حرهای اند، کارسما ن اداره، سمره و سمره سملیه در حده سدی است".

(امیرالیسم و انبای در سوسالیسم)

و با در جای دیگر لنین میگوید رویزیونیستها:

"سری ار کارگران و گروهها و سمره ها سالی از کارگران هستند که در واقع تحت امر از طرف بورژوازی سمداری سده (سیرس حقونها، مشاغل اسرومس، سمره سینه سوروزاری خود کمک سیکند با ملسهای شوکت رضمیع راعارت نما به سوسه نما سوزاری سقسما سمره به داری سیکسار کند".

(وظایف پرولساریا در انقلاب ما)

لنین در هنگام میگاه انقلاب پرولتری فرارسیده سوددر توضیح اینکه چرا احزاب بورژوئیست و رویزیونیست انترناسیونال دوم از مبارزه طبقانی و انقلاب واستقرا ردیگتا توری پرولساریا استنکاف ورزیده و اینکه چگونه رویزیونیستها راه انقلاب را سد کرده اند، به فعالیت گسترده ای برده است. لنین مطرح ساخت که رویزیونیسم و بورژوئیسم را نخیده امیرالیسم است، امیرالیسم سرما به داری طفیلی و با در حال گندیدگی می نما ن، از جمله تبلورات این گندیدگی بوجود آمدن یک قشر تنریل بگیر و دولت تنزیل خوار است که ما سدور سرما به کشورهای دیگر و حوا ول منابع ثروت

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

آنها صدها میلیون نفر از خلقهای جهان را غارت می کند. امپریالیسم مانند زالوئی بر بدن توده های ستمدیده جهان می چسبد و از خون آنان تغذیه میکند و از این راه سود هنگفتی بدست می آورد. لنتی فیه میکند که امپریالیسم با بکار گرفتن جزئی از این سود عظیم است که قشر فوانی طبقه کارگر را میخورد و به فساد می کشاند و آنرا به مهمترین پایه اجتماع خود در درون جنبش کارگری تبدیل می نماید. بنا بر این بورژوازی از نظر اقتصادی، زقبَل غارت و چپاول خلقها و کسب مافوق سود امپریالیستی انرافیت کارگری را پرورش داده و آنرا به هر می برای به انحراف کشاندن مبارزه طبقاتی پرولتاریا و جلوگیری از انقلاب سوسیالیستی تبدیل می کند. بورژوازی این قشر را می پروردند و این قشر نفوذ بورژوازی را بویژه در میان پرولتاریا می برد. جاشی که بورژوازی بسیار بدان احتیاج دارد و جاشیکه مطیع کردن اخلاقی توده ها از همه جا مشکل تر است. (امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم)

بدین ترتیب از نظر لنین بین امپریالیسم از یکسو و پورتونیسیم، رویزیونیسم و سوسیالیستیکم از سوی دیگر رابطه اقتصادی مستقیمی وجود دارد. مافوق سود امپریالیستی سرمنشأی است که رویزیونیسم را هستی می بخشد و بنا بر این رویزیونیسم را نشیبه امپریالیسم می باشد. بقول لنین:

"بدیهیست با یک چنین مافوق سود هنگفتی می توان رهبری کارگران و فئودالهای کارگران را که قنار امتیاز کارگری باشند، خرید. این قشر را همان سرمایه داران کشورهای "پینرو" می خرید و این عمل راهم به هزاران مسائل مستقیم و غیر مستقیم، آشکارا و پنهانی انجام می دهد."

(امپریالیسم به مثابه آخرین مرحله سرمایه داری) بر مبنای پایه اقتصادی فوق، موسسات سیاسی سرمایه داری مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون، پارلمان، سازمانهای دولتی، سندیکاها و غیره با دادن پست و مقام مناسب و حقوق های گزاف به کارگران و کارکنان رویزیونیست و فرمیت، برای آنها امتیازات سیاسی را نیز بوجود می آوردند و نتیجتاً بورژوازی با تطمیع کامل این قشر آنرا به حاصل سیاست خود در میان طبقه کارگر تبدیل می کند. بدین ترتیب از نقطه نظر طبقاتی با به طبقاتی رویزیونیستها، کارمندان و قشر انرافیت کارگری میباشند که از جانب امپریالیسم خرید شده اند، یعنی هستی طبقاتی آنان در گرو وجود کارگری امپریالیسم می باشد. انرافیت کارگری زائیده طفیلیگری و گندیدگی سرمایه داری امپریالیستی است و از نقطه نظر طبقاتی بهیچوجه در تقابل با امپریالیسم نمی باشد.

رویزیونیستها، تکیه گاه اجتماعی بورژوازی

رویزیونیستها تکیه گاه اجتماعی اصلی بورژوازی

در میان جنبش کارگری می باشند، تکیه گاه اجسامی یعنی چه؟ یا بگناه اجتماع عسارت از نیروئیی اجتماع است که سازشده پرولتاریا با بورژوازی است. امپریالیسم برای اینکه نفوذ خود را در میان پرولتاریا تا مین کند با اتکاء به یک قشر معین اجتماع می بیند. این قشر همان انرافیت کارگری است. این قشر با مدار نظام و حاکمیت بورژوازی و مخالف سر سخت انقلاب است. این قشر با تمام قوا می کوشد بین پرولتاریا و بورژوازی پل رده و آسبی طبقاتی را بوجود آورد. بورژوازی با اتکاء به این نیروی اجسامی در درون طبقه کارگر می کوشد تا مناسب اجتماع است و انشعاب کارگر که این را با تولید نماید.

لنین می نویسد:

"این قشر کارگران بورژوازیها "فرا سرات کارگری" که از لحاظ سوهردگی و میزان دستمزد و سوهردگی آنها بیسی خود کابلا حشرده. بورژوازیها، تکیه گاه عمده سرمایه سوسال دوم در اسبابمان تکیه گاه عمده اجتماع (نژادنگی) بورژوازی را تشکیل می دهد. زیرا اینها عا ملس واقعی بورژوازی در حین کارگری و مبارزه کارگری طبقه سرمایه داران و مجریان حقیقی فرمیس و سوسیس هستند. در حین داخلی پرولتاریا علیه بورژوازی، سراتی را با این نظرمداری از سورهرداری، به نظرمداری و سراتیها "علیه کمونیاها" بر می خرد. (امپریالیسم منما به بالاترین مرحله سرمایه داری - تکیه گاهها)

این فرسختها به تکیه گاهها یا با بگناه عمده اجتماع بورژوازی، بهترا ز خود بورژواها از بورژوازی دفاع می کنند. بورژوازی بدون این با بگناه اصلی اجتماع نمی توانند قدرت بجا نند.

آریستوکراسی یا انرافیت کارگری بیسته در بی تحکیم موقعیت ممتاز اجتماع و اقتصاد خود میباشند و بدین خاطر توسعه منافعش با هستی بورژوازی امپریالیستی گره خورده است. بنا بر این قشر اجتماع می نه در بی برهم زدن تقسیم طبقاتی موجود بلکه در بی تحکیم آنست و منافع خود را در مقابل منافع طبقه کارگری ببیند، اومی خواهد میا رزه طبقه کارگری، اما مبارزه ای که در چهار وجوب مناسبات بورژوازی میباشند تا او بتواند امتیازات بیشتری کسب کند. او شدیداً مخالف مبارزه انقلابی طبقه کارگر است. منافع او در وحدت با منافع بورژوازی است و منافع بورژوازی در با تولید سیستم اجتماع و روابط تولیدی موجود می باشد. قشر انرافیت در هم سرونشانی بورژوازی در میان طبقه کارگر به تخریب مبارزه طبقاتی پرولتاریا پرداخته و ایده های آشتی طبقاتی را رواج میدهد. او در پی خفیف ساختن آنتاگونیسم طبقاتی است تا مناسبات استعجاب کارگرانه حاکم و طبقه مسلط را از زیر ضربات تشدید مبارزه طبقاتی و انقلاب برهاند.

خلاصه اینکه بورژوازی با اتکاء به تکیه گاه خود یعنی انرافیت کارگری از یکسویه ترویج افکار بورژوازی پرداخته و در مبارزه طبقاتی پرولتاریا

احلال می کند و از سوی دیگر سراط با تولید مناسبات مسلط را بر سر مکرده و قدرت طبقاتی خویش را از فرو ریختن می رها نند.

با سوجه کل مسائل فوق ما متوجه تحریف رویزیونیسمی "راه کارگر" می شویم. زمانی که او محبت از "امپریالیسمی و بویژه انرافیت کارگری" می کند، آنان را بعنوان "محدسین بورژوازی" در نظر میگیرد، البته نه "محدسین" که رابطه کارگر با بقای امپریالیسم دارند، بلکه "محدسین" که به سبب از نظر "راه کارگر" دارای طریقت خدا سر با لسنی می باشند! نه "محدسین" که عا ملس واقعی سورهرداری و محرمان رویزیونیسم میباشند و بدولت سورهرداری میباشند، بلکه "محدسین" که دارای تفکر "خرده بورژوازی" میباشند و سورهرداری را می ناسبت به آنان روس احتیاط داشته باشند و آنان را کابلا در حبه بورژوازی حساب بنا ورد!

تحریف "راه کارگر" آنست که "عالمی واقعی بورژوازی" که دارای بیوند امتیادی - اجتماع می و نیز سیاسی با بورژوازی می باشد را به سطح "محدسین" که می بایست مورد توجه "فرا رگیرند" شین می آورد و در نتیجه مبارزه علیه عمل بورژوازی در جنبش کارگری را بدکجراه می کشد. تحریف "راه کارگر" محرمان می گردند تا پرولتاریا در مبارزه علیه "دمن اصلی" خود در حین کارگری به انحراف کشیده شود و این دمن از مبارزه بهیچیکر کمویسی درامان فرار گیرد.

ماهیت ایدئولوژیک - طبقاتی

رویزیونیسم

سطر ما رویزیونیسم کلی را ایدئولوژی بورژوازی می باشد. "امپریالیسم من بوسیده ای" است که بدلیل سارکستی در آمده است. اگر امپریالیسم بیان گندیدگی سرمایه داری است، اگر آریستوکراسی کارگری را نشیبه گندیدگی امپریالیسمی است، رویزیونیسم سراط ایدئولوژی گندیده بورژوازی امپریالیسمی است که میکوشد طبقه کارگر را فاسد و حنه و راه در مناسبات بردگی سرمایه داری نگاه دارد و از انقلاب منصرف سازد.

زمانی که رویزیونیستها به نفعی انقلاب میبازند، سبب حاکم و حاکمیت بورژوازی را تا شید می کنند. زمانی که رویزیونیستها با رلمان تا ریسر سجد کرده و فرم و اصلاحات را راهحولات اساسی قلمداد می کنند، دولت بورژوازی و قوانین بورژوازی را به رسمیت شناخته و در سراتها کوش می کنند. زمانی که دیکتا نوری پرولتاریا را نفعی می کنند، دیکتا نوری بورژوازی و مناسبات طبقاتی موجود را تا شید می کنند. جوهر رویزیونیسم یعنی نفی مارکسیسم - لنینیسم و ارتداد کامل نسبت بدان. آری رویزیونیسم نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در میان طبقه کارگر است.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

خال ببینیم رفقای "راهکارگر" چه می گویند. آنان می گویند: رویزیونیسم "نفوذ افشارمبانی و اشرافیت کارگری" است. به بیان دیگر این حکم به این معناست که رویزیونیسم جریان فکری متعلق به "افشارمبانی و اشرافیت کارگری" است. آنان می گویند رویزیونیسم "در نهایت و در ماهیت" بورژوازی است. حال آنکه وقتی جوهر حقیقی کلام این رفقا را بشکافیم رویزیونیسم همان ایدئولوژی "خرده بورژوازی" است. در مقابل این تحریف ضما رکبستی لنین بر آنست که قتر ا سرافیت:

"به سهری وحی به بورژوازی خدمت میکند و خدمتی را به بورژوازی سوره در میان کارگران انجام داده، بعد بورژوازی را بویزه به میان پرولساری می برد، حاشی که بورژوازی سسار بدان احتیاج دارد و حاشی که مطیع کردن احلامی سوده ها ار همه حاشی مشکل سراسر".

(امیریا لیسما و اسما ب درسوسالسم)
ولس مطرح می کند:

"امروز رویزیونیسم "خدمت سطر" درما رکبیم یکی ار عمده سرس اگر سگو سسما عمده سرس سسوراب بعد سسورواروی درسورولسار و ما سس کردن پرولسار سسوسط سسورواروی می سسار".

(سشجه گیری عجلانه، ۱۹۱۴- تا کسدا زما سس)

طبعاً بحث سسرسنی نفوذ افکار خرده بورژوازی در میان طبقه کارگری نیست. بحث سسراسسنگه سس سسورواروی ار طریق نفوذ افکار خود در میان طبقه کارگران طبقه راه سسدا ایدئولوژی می کسارند و سسواسح است که حاشی این افکار همه سسرافیت

وسیم سسمصن و تکنوکرات ها و مهندسین می سساشد که به نولید سسما سسداروی و تکامل آن وابسته میسارند. لنین مطرح می کند که "قتر ا سرافیت کارگری" حال ایدئولوژی بورژوازی در میان طبقه کارگری است. او بدین سسبب می خواه د در عمار امیریا لیسما

و غارب حلقهای سسحت سسما همب سسش روزان این قتر اجنامی را معین سساحه و اهمیت سسارزه کسما - نیستا علیه اس قتر ا سسحی سسازد.

حال آنکه متوجه می سسوم "راهکارگر" ما سسست ایدئولوژی رویزیونیسم را سسریف کرده و عملاً سسهره کریمه سسش سسرحس سسولسار را سساز سسما جلوه میدهد. لنین سسبب از "نفوذ سسورواروی" می کسند، حال آنکه "راهکارگر" این حکم درس لنین را سسش کرده و سسراسی اسرافی از رویزیونیسم را سسمه سسهد، سسراسی که آب سسظیر سسرس رویزیونیسم می سسزد.

راهکارگر در دادما سسدلالات خود می گوید:
"سرخلاف پارهای که اسما د در سسروسسسم ایدئولوژی سسورواروی اس، رویزیونیسم سسلی ایدئولوژی سسورواروی در سسحس کسوسسسی است".

ودرجای دیگر ا سس می کند:
"در هر حال رویزیونیسم ار سسرها ما اسسکاس سس ماسع سسورواروی در موصوف سسولسار سساست".
(در برار رویزیونیسم و سسوسال امیریا لیسما، تا کسدا زما سس)

ما سسوال می کسیم آیا اسسکاس یک پدیده اسسکاس واقعیت آن پدیده نمی سسارند؟ ما سسریا لیسما دیا لکتیک می گوید که پدیده ها قابل سسناخت سسند و سسناخت درست ما سسکی سسکشف قانوسندی یک پدیده معین می سسارند. حال زمانی که ما از یک پدیده سسناخت پیدا کردیم، این سسناخت اسسکاس پدیده عینی در ذهن ما می سسارند. ایدئولوژی بورژوازی اسسکاسی از ماسع یک طبقه معین اجسامی یعنی بورژوازی است. جوهر اصلی این ایدئولوژی ضدیت با پرولتا ریا و پار سساری از حاکمیت طبقاتی بورژوازی می سسارند. حال رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی دلساس مارکسسم است، یعنی جوهر اصلی آن همان ضدیت با طبقه کارگر و حفاظت از قدرت سیاسی بورژوازی است. همه سسورها که با راه لنین مطرح کرده اس، رویزیونیسم "سوسالیسم بورژوازی" و "عقاد نفوذ بورژوازی" در سسحس کارگری می سسارند. به بیان دیگر لنین رویزیونیسم را پار سسار ماسع بورژوازی و در نتیجه متفا دبا ماسع پرولتا ریا می دادند. زیرا هنگامیکه رویزیونیست ها و پسر - تونیست ها به مقابله با انقلاب پرولتا ریائی بر می - سسزند، از میان رزه طبقاتی اسسنگاس می ورسند، آسشی طبعاً سسرا تبلیغ می کسند و دولت بورژوازی را سس رسمیت می سسارند، بمعنای ارتداد از مارکسسم - لنینسم بوده و این مضمون بر ماسع بورژوازی حاکم کما ملل منطبق می سسارند.

سنا بر این کوسش "راهکارگر" در برار "تجلی" و "اسسکاس" ماسع حیز دیگری را سسقب می کند مگر بنیان سسناخت ما سسست بورژوازی رویزیونیسم، "راهکارگر" با ماسح سسدنیا می ده که قانودر کسسی لنینی ار ما سسست رویزیونیسم بوده و همه سسورها که خواهیم دید سسنا توان از مرز سسندی کسوسسستی با رویزیونیسم حروسحی می سسارند. آنچه "راهکارگر" اسسما میدهد سسحل معضلات سسحس کسوسسستی ایران، بلکه اسسجاد اغناس سسکری - ایدئولوژیک در میان سسوده ها و سسحره رویزیونیسم می سسارند. زیرا هنگامیکه ما هیبت رویزیونیسم مورد سسریف رویزیونیستی قتر امیکسرد، این امر جز آب به آسما ب سسورواروی و رویزیونیست ها رسختن و سسز سسزندن سس ماسع و ایدئولوژی پرولتا ریا حیز دیگری نیست.

لنین با بیان اسسکه رویزیونیست ها و پسر - نیستا "ناقل عقاید و نفوذ بورژوازی سسند و... و او قما متحدین و عمال بورژوازی اند" نتیجه می گیرد که آنان: "با پرولتا ریاسسما سسک طسعه سسگانه سسده، سسدرگرا را، اسملس و سسله اسما ل عسود سسر - رواروی اسدا و کرسس کارگری خود را از سسست اسما سسح سسهدک سسس کارگری سسورواروی سسای خواه دما سس". ("امیریا لیسما و سسشما ب درسوسالسم" - تا کسدا زما سس)

از سسقه سسظر لنین رسس است که سسحس کارگری تحت هدایت وسسست عمال بورژوازی یعنی رویزیونیست ها، سسحس سسورواروی خواه د بود، زیرا ار فرسسم رویزیونیسم سسکی از ایدئولوژی سسورواروی میسارند، زیرا ار فرسسم و رویزیونیسم با مارکسسم متفا د سسین و آسکار دارد. بدین سسبب می ببینیم که لنین و طبعاً

سارکمونیسست ها رویزیونیسم را یک جریان ایدئولوژیکی بورژوازی می دانند و براساس این تحلیل مضمون و نوع مبارزه خود را علیه این خطر بورژوازی مشخص می سسازند. حال آنکه "راهکارگر" می گوید:
"سرخلاف پارهای (از جمله لنین - پیکار) که اعتقاد دارند رویزیونیسم ایدئولوژی بورژوازی است، رویزیونیسم تجلی ایدئولوژی بورژوازی است. در سسحس کسوسسستی است".

رفقای "راهکارگر" می گویند:
"ما از ایدئولوژی علمی - اسسکاسی طبقه کارگر با سسما سسرووی ما سس دفاع می کسیم و با سسما سسرووی ما سس در خلوص آن و سسحظ آن از اسسرافات اسسیشه های سسورواروی و سسیرپرولتری سسلاش می ورسیم".

(در برار رویزیونیسم و سسوسال امیریا لیسما، ص ۷)
آیا واقعا چنین است؟ برای پاسخ به این سسشله سسبه آنچه که رفقای "راهکارگر" اسسما دارند، بلکه به مضمون سساست آنان با سسده توجه داشت. واقعا سسست مضمون سساست "راهکارگر" سسده رجعت "خلوص" و "سسحظ" مارکسسم - لنینسم "از اسسرافات اسسیشه های بورژوازی" بلکه بر عکس، آسوده سساختن سسحس مارکسستی لنینستی به اسسیشه های سسیرپرولتری و رویزیونیستی و سسز به سسز نمودن این سسحس در برار رویزیونیسم و سسوسال امیریا لیسما می سسارند.

رویزیونیسم

مشی خرده بورژوازی

یا مشی بورژوازی؟

برای اینکه سسقی سسردیبا ببیم که رفقای "راهکارگر" سسربه لنین را در باره رویزیونیسم قبول سسارند و در برار سسده این سسوری سسرفتا ریک اسسرافات پسر - نیستی راست روانه می سسارند، اسسدلالات آنسان را دسبالی می کسیم. "راهکارگر" در رد نظریات مارکسستی لنینستی در باره سسسلط رویزیونیسم سسما به سسک جریان بورژوازی در سسوروی و حاکمیت طبقه بورژوازی بر دستگا سسحسب و دولتی در این کشور می گوید:

"ایسما سسکوسسحون درسوروی رویزیونیسم سسخط سسسلط حرب اسسنا بر این طبقه، سسما سسدار در سوروی وجود دارد. می سسسیم چرا طبقه سسما به - دار؟ مثلا سسسودا ز سسدر سسگیری یک سسش سسیر پرولتری سسح کسست؟ آیا سسرافا سس سسورواروی با سسستی ار سسنی یک طبقه سساست بگیرد؟ آیا سسرفهای میسای سسمی سسوان سسدیک سسما سسکری ار اسسده سسهد؟". (همانجا، تا کسید و سسلی از سسما) همه سسورها که ذکر کردیم "راهکارگر" رویزیونیسم را سسکی از ایدئولوژی بورژوازی نمی دانند و به سسین حاطرمی سسدرچرا سسسلط رویزیونیسم بمعنای سسسلط طبقه بورژوازی است؟ "راهکارگر" رویزیونیسم را

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

ایدئولوژی متعلق به افکار رمانی و خرده بورژوازی تلقی می کند و بهمین خاطر نظراتش باقی و موافق خود را تحت یک ستوال مطرح می سازد: "آیا قشرهای میانی نمی توانند یک نظام فکری ارائه بدهند؟" "راه کار رگر" در کتاب مورد نظر با صراحت کمسو نیستی صحبت نمی کند و غالباً نظریات خویش را تحت عنوان ستوال طرح می نماید، حال آنکه خود دارای نظر مشخصی می باشد، این روش اپورتونیستی این امکان را باقی می گذارد تا در شرایطی خاص "راه گریزی" نیز باقی بماند.

برگردیم به اصل مسئله. "راه کار رگر" خرده بورژوازی را دارای یک "نظام فکری" میداند. به بیان دیگر و معتقد است که افکار رمانی دارای یک دستگاه ایدئولوژیک مستقل و یک خط مشی مستقل میباشد. ما رگسیسم در این زمینه چه میگوید؟ از نقطه نظر ما رگسیستی - لنینیستی در عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتری خرده بورژوازی دارای یک نظام فکری مستقل و مشی مستقل خاص خود نمیشاید و نمیتواند باشد. موقعیت اجتماعی اقتصاد خرده بورژوازی در چنین مرحله ای از تکامل سرمایه داری، اینگونه حکم میکند که خرده بورژوازی تحت سیطره ایدئولوژی و مشی بورژوازی سیرر بکند و پیوسته، بخصوص در شرایط فقدان قطب پرولتاریا تحت خط مشی بورژوازی قرار گرفته و عملاً هژمونی آنرا بپذیرد. موقعیت نا پایدار اقتصاد خرده بورژوازی، تزلزل سیاسی او را بنا آورده و او را دنیا لهر بورژوازی می نماید. در عصر کنونی خرده بورژوازی یک نیروی انجاسا می افتد طبقا تی نیست و بهمین خاطر اگرچه خرده بورژوازی دارای افکاری ویژه خود می باشد ولی ارائه دهنده "مشی سوم"، "چپان بینی سوم" و "راه سوم" هیچچیز نمی تواند باشد. خرده بورژوازی مظهر نا توانی در عصر اقتصاد و سیاست است. لنین می نویسد:

"نیروی دوم، آن نیرویست که بین سرمایه تگال می افتد و پرولتاریا قرار دارد. این نیرو خرده بورژوازی یا دارندگان خرده با هستند. آنها می هستند که در روسیه اکثریت قاطع اهالی را تشکیل می دهند. یعنی دهقانان، این نیرو بطور عمده از خرده مالکین و از کشاورزان کوچک تشکیل میشود. از ده نفر، نه نفر آنها چنینند و جز این نمی تواندند باشند. اینها در مبارزه حاد سرمایه علیه کارشکن هم روزها دارند. مکتبی ندیده اند، آنها را شرایط اقتصادی و سیاسی زندگی سهم نزدیک نمی کند، بلکه حدا میسازد و یکی را از دیگری دور میکند و به میلیون ها داردنده خرده پای منفرد تبدیل مینماید... این سربوبین رهبری پرولتاریا و رهبری بورژوازی نوسان می کرد. ولی چرا این نیرو که اکثریت عظیمی را تشکیل می دهد خود خویشتن را رهبری نمی کرد؟ زیرا شرایط اقتصادی زندگی این توده چنانست که نمی تواند خودش متحد و هم پیوسته شود... کلبه تلاشهایی که خرده بورژوازی بطور اعم و دهقانان بالاخص

بعمل آورده اند، برای آنکه ریسروی خود آگاه گردند و افصا دوسیاست را بشوید خودشان هدایت سما پسند تا کسوم همه شکست انجا میدهد است. با تحت رهبری پرولتاریا. یا تحت رهبری سرمایه داران، شی ثالثی وجود ندارد. کلبه کسانیکه در آزوی این شی ثالث هستند، پیدا ربا فان و موهوم پرستان پوج اند. ساسا و اقتضا دوتا ریخ دس رده سینها آنها مگدارد. تنای آموزش ما رگس نشان می دهد که کسوم دارد. خرده با مالک وسائل تولید و زمبسی است، لذا ارما دله، بیس آنها حتما سرمایه و پایهای آن سادس سرمایه و گاریدید میاند. ما رزه سرمایه پرولتاریا را گزیرا است." (سخنرانی در کنگره کشوری کارگران حمل و نقل روسیه)

لنین بدرستی مطرح می کند که "راه سوم" افسانه ای بیش نیست. زیرا الزحاط تاریخی خرده بورژوازی فاقد آن قدرت طبقاتی - اقتصادی است که بتواند مشی سیاسی - اقتصادی مستقل خود را ارائه دهد و این امر بخصوص در جوامعی که قطب بندی طبقاتی بهمیزان بسیار پیشرفته ای نگامل یافته که ملاناست - ممکن است. حال آنکه "راه کار رگر" رسالت خاصی برای خرده بورژوازی در چنین جوامعی قائل است و صحبت از نظام ایدئولوژیک مستقل می کند.

اعروزه رویزیونیسم نه از تولید خرده، بلکه از تولید بزرگ سرمایه داری حمایت می کند. اگر بورژوازی تونیستها و فرمبستها در ابتدا مسئله دفاع از تولید کوچک را عنوان می کردند و خود را در سلگ متحد بین پرولتاریا جا می زدند، با تکوین امپریالیسم تشدید مبارزه طبقاتی پرولتاریا بخصوص در ابتدای جنگ جهانی امپریالیستی اول رویزیونیستها و سوسال شوینیستها به مدافعین بیرونی قرص سرمایه انحصاری و امپریالیسم تبدیل شده و از جنگ امپریالیستی دفاع بلسندند.

هما نظور که میدانییم در عصری که ما رگسیسم یک گرایش قوی و محبوب را در میان کارگران تشکیل می دهد، بورژوازی نمی تواند نسبت بدان بی تفاوت بماند. او از طریق تطبیع کامل یک قشر در جهت مقابلها ما رگسیسم میگرداند. اپورتونیستها در همین حال که ما رگس را ستایش می کنند به ایدئولوژی پرولتاریا خیانت می ورزند. اپورتونیستها و رویزیونیستهای مرتد تحت لوای ما رگسیسم عقاید منحنی فرمبسیستی، بورژوازی و امپریالیستی را در میان طبقه و نوسوده رواج می دهند تا آنان را در اسارت مناسبات بورژوازی نگاهدارند. رویزیونیستها حالمین عقاید و نظرات بورژوازی در میان طبقه کارگری باشند.

بقول لنین: "آنها ناقص عقاید و نفوذ بورژوازی هستند و... واقعاً متحدین و عمال بورژوازی اند" و بهمین خاطر رویزیونیستها "با پرولتاریا بنسوان یک طبقه بیگانه بوده خدمتگزاران، عالمین و وسیله اعمال نفوذ بورژوازی اند و اگر جنبش کارگری خود را از دست اینان نجات ندهد، یک جنبش کارگری

بورژوازی باقی خواهد ماند." (امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم - تاکیدا زماست) لنین بیوسته بر روی این مسئله تاکید میکرد که ما هیت ایدئولوژیک - طبقاتی رویزیونیسم بورژوازی است و کاملاً در تضاد دعویان و آشنی نا پذیر با ایدئولوژی پرولتری است. از بدیهه لنین سوسال شو - بینبستها و رویزیونیستها دشمنان طبقاتی پرولتاریا می باشند، زیرا با تمام فوای کوشند تا طبقه کارگر را از تصرف قدرت سیاسی و درهم شکستن ماشین دولتی دور کرده و قدرت سیاسی بورژوازی را تداوم و بقا بخشند. بهمین جهت بود که لنین میگفت:

"اپورتونیسم، دسمن اصلی ما است. اپورتونیسم در دهه های بالای حسی طبقه کارگر، سوسیالیسم بورژوازی است. سوسیالیسم پرولتاریا نیست. عملاً نشان داده شده است که فعالین طبقه کارگر که از گرایش اپورتونیستی پیروی میکنند، بهتر از خود بورژواها از بورژوازی دفاع میکنند. اگر آنها رهبری کارگران را سعه نگیرند، بورژوازی نمی تواند قدرت بماند."

(گزارش مربوط به وضع بین المللی و وظایف اساسی انترناسیونال کمونیستی - تاکیدا زماست) لنین در افشای بیرحمانه دشمنان و خائنین به طبقه کارگر در همین رساله در مورد رویزیونیستها صحبت از "بورژواهایی که لباس فرمبستی بپوشانده اند" می کند و مطرح می نماید که آنها "همه کارهاشان را با روحیه ای بورژوازی و غیر پرولتری انجام می دهند".

بالطبع سروضح است حزبی که تحت نفوذ و هدایت رویزیونیستها می باشد، حزبی که توسط رهبرانسی رهبری می سود که دارای عقاید بورژوازی و روحیه ای فدا پرولتاریا می باشند، حزبی که در اختیار عالمین بورژوازی در جنبش کارگری می باشد، نمی تواند ندما هتی جزیک ما هیت بورژوازی داشته باشد. چنین حزبی کاملاً در خدمت بورژوازی و امپریالیسم بوده و در پی به تضاد دسیدن جنبش طبقه کارگر در مناسبات بورژوازی و امپریالیستی و به انحسار کساندن مبارزه طبقاتی پرولتاریا می باشد و بهمین لحاظ دسمن سر سخت پرولتاریاست. چنین احزابی اگر چنانچه دارای کمیت قابل توجهی از کارگران باشند، باز هم دارای ماهیتی بورژوازی و فدا نقلاسی می باشند. لنین در باره چنین احزابی میگفت:

"هم اکنون بورژوازی در تمام کشورهای خود احزاب کارگری بورژوازی از زمان سوسال - شویسنسنا بوجود آورده، پروراند و تاملین کرده است." (امپریالیسم و انشعاب در سوسیالیسم - تاکیدا زماست). به همانگونه که جنبش کارگری تحت نفوذ و سیطره رویزیونیستها و اپورتونیستها یک جنبش بورژوازی خواهد بود، احزاب کارگری نیز چنانچه تحت سیاست و مشی رویزیونیستی قرار داشته باشند، "احزاب کارگری بورژوازی" خواهند بود. زیرا این احزاب اگر چه لباس فرمبسیستی پوشیده اند ولی از منافع تاریخی و نقلاسی طبقه کارگر حمایت نکردند و برعکس حافظ

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

رویز یونیسیم خروشجفی می ریزد و عملاً به ما رکسیسم - لنینیسیم ضربه می زند .
هما نگونه که مشاهده کردیم "راه کارگر" تحت سؤال نظر خود را طرح کرده و می گوید در شورای رویز - یونیسیم بیان "قدرت گیری یک قشر غیر پرولتری" که دارای "یک نظام فکری" است می باشد و سپس می افزاید که :

"خروشجفی ... بغیر از این در خط منی حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام نمود" ، سیاست پرولتری دولت شوروی و خط منی کمونیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در جای احتلال کرد .
(در برابر پروریز یونیسیم و تز سوسال امپریالیسم - ص ۳۸ ، تاکید زماست)

جوهر بحث "راه کارگر" اینست که رویز یونیسیم خروشجفی فقط "تغییراتی" در حزب بوجود آورد و آنرا دچار "اختلالی" نمود . بزمان دیگر اینگونه رویز یونیسیم خط منی اساسی حزب و دولت را ضربه زد و منجر به سلب قدرت از پرولتاریا نگردید و نیز ساختن سو - سیالیسم تحت دیکتاتور پرولتاریا را راه پیدا کرد .
"راه کارگر" میخواد هدیکوید خروشجفی "اختلالی" در دوران ساختن سو سیالیسم بوجود آورد ، لیکن سمت اصلی آنرا منحرف ساخت !

اگر از یک سو در رویز یونیسیم "راه کارگر" اجازه نمی دهد تا ما هیئت رویز یونیسیم و عمق حیا نتها پیش آشکار گردد ، از سوی دیگر درک اکونومیستی این رفقا اجازه نمی دهد نقش طاع ر و بنای پروریز یونیسیم - رویز یونیسیم بر زیر بنای جامعه روشن کرده ، اما همه همین نگرش اسراف است که "راه کارگر" را بر آن می دارد تا بطور صمیمی "اختلال" را محدود به دوره خرو - سجفی کرده و زیر کانه زکار مسئله تمیمی منی پروریز یونیسیم - رویز یونیسیم در دوره سر رتف مرتد یکدرد .

حال پرواضح است که حسن نگرشی قادر نیست درک کند که رویز یونیسیم خروشجفی دستگا ه جزئی و دولتی شوروی را سمیر ما هیئت داده ، حزب پرولتاریا را به حزب پروریز یونیسیم و دیکتاتور پرولتاریا را به دیکتاتور توری بورژوازی تبدیل نمود ، حال پرواضح است که چنین نگرشی با مرز بندی سطحی با انحراف خروشجفی نمی تواند دریا بدگاه بدگاه کمیت رویز یونیسیم یعنی با ز - گشت سرما پیدای به روسیه . چنین نگرشی نمی تواند دریا بدگاه سوسال امپریالیسم یعنی چه و چگونه پدید می آید .

رفقای "راه کارگر" تبلیغات بسیار بی باک کردند که البته ، ما رویز یونیسیم ما رزه می کنیم "در برابر رویز یونیسیم" استاده ایم ، این رفقا در حالیکه نیرو های کمونیست معصده تز سوسال امپریالیسم را به نداشتن دانش مارکسیستی متهم می نمودند ، جنین وانمود می ساختند که خود تحلیل جامع و علمی از رویز - یونیسیم را شده اند ، ولی هنگامیکه بین ادعا ها و لفاظی های روشنفکرانه را کنار گذاشته و به واقعیت بنگریم ، می بینیم که رفقای "راه کارگر" انحراف خروشجفی را بیک انحراف خرده بورژوازی تقلیل داده و این انحراف را بر اقتضای حاکمی تا شیراز باسی

سیستم ستمگرا نه بورژوازی می باشد .
حال در اینجا "راه کارگر" با بدجواب دهده که چرا لنین صحبت از "حزب کارگری بورژوازی" میکند ؟ آیا نظریات انحرافی مبنی بر اینکه رویز یونیسیم "نفوذ اقشار میانی" و "تجلی ایدئولوژی بورژوازی" است قادر به پاسخگویی به این پرسش می باشد ؟ آیا نظریه انحرافی "نظام فکری" اقشار میانی نمیتواند نظریه علمی لنین را توجیه کند ؟

ما مطمئن هستیم که رفقای "راه کارگر" نمیتوانند به این سئوال پاسخ علمی و لنینی بگویند ، زیرا پایه استدلال آنان از نگرشی رویز یونیسیم نشأت می گیرد ، بر اساس همین نگرش ، "راه کارگر" قادر نیست رویز یونیسیم را شناخت و خروشجفی را مورد نقد کمونیستی قرار دهد .

استنباط رویز یونیسیم

«راه کارگر» از رویز یونیسیم

"راه کارگر" در برابر رویز یونیسیم خروشجفی دچار انحراف رویز یونیسیم و تروتسکیستی برجسته ای می باشد . "راه کارگر" علیرغم تاکید درست بر روی پایه های از انحرافات قدما رکسیستی خروشجفی ، از آنجا نیکه قادر نیست ما هیئت ایدئولوژیک - طبقاتی رویز یونیسیم را دریا بدویه اساسی ترین مسئله یعنی دیکتاتور پرولتاریا نزدیک بود ، نمی تواند به مرز بندی پرولتری بپردازد .

هما نظور که مبدا نیم رویز یونیسیم خروشجفی - برژنئی بیان ارتداد کامل و خیانت عریان نسبت به ما رکسیسم - لنینیسیم و دیکتاتور پرولتاریا بود . رویز یونیسیم خروشجفی در اساسی ترین احکام مار - کسیسم - لنینیسیم تجدید نظر کرده حزب و دولت شوروی را قلب ما هیئت نموده و کشور را بر سر ما پیدای سوق می دهد .

خروشجفی مبدع دیکتاتور پرولتاریا را نفی کرده و تز رویز یونیسیم "دولت تمام خلقی" را مطرح میسازد ، خطت پرولتری حزب را نفی کرده و مضمحل ساخته و تز رویز یونیسیم "حزب تمام خلقی" طرح مینماید ، انقلاب قهرآ میز پرولتاریا را نفی کرده و با رلما - نتا ریسم بورژوازی را سمتا به راه تغییرات اساسی جامعه معرفی می کند ، ما رزه طبقاتی را نفی کرده و سازش طبقاتی را جا بگزین آن می نماید ، خروشجفی در عرصه تئوری و پراکتیک به راه یک سیستم کامل رویز یونیسیم - بورژوازی برداخته و آنرا در بنیه اقتضا دوسالیست بکار می بندد . رویز یونیسیم خروشجفی در شوروی ، سرما پیدای را اعاده نموده و کشور را بسوی یک کشور سوسیال امپریالیستی سوق می دهد . کشوری که در گفتار و تبلیغات "سوسیالیست" است اما در کردار و حرکت واقعی خود امپریالیست می باشد .

حال ببینیم "راه کارگر" چگونه آب تظہیر بر سر

می کنند . می بینیم که این رفقا نقش تعیین کننده حزب و دیکتاتور پرولتاریا را در دوران ساختن سو سیالیسم نادیده گرفته و جنین وانمود می سازند که گویا اقتضا دوسالیستی بدون سیاست پرولتری امکان پذیر است !

می بینیم که این رفقا تجدید نظر خروشجفی در اساسی ترین مبانی ، ما رکسیسم - لنینیسیم را "اختلال" جلوه می دهند و مهمتر آنکه خیانت های اصلی خروشجفی را مسکوت می گذارند .

لنین می گوید :
"کسیکه فقط ما رزه طبقاتی را قبول داشته باشد ، هنوز ما رکسیست نیست و ممکن است هنوز از چهار چوب تفکر پرولتری و سیاست پرولتری خارج شده باشد . محدود ساختن ما رکسیسم به آموزش مربوط به ما رزه طبقات ، معنای است که از سرتو آن زده شود ، مورد تحریف قرار گیرد و آنجا را بنده سود که برای پروریز یونیسیم بدیر می سازد . ما رکسیست فقط آن کسی است که قبول نظریه ما رزه طبقات را تا قبول نظریه دیکتاتور پرولتاریا وسط دهد ، وجه تمایز کاملاً عمیق بین یک خرده بورژوازی عادی (هم - جنس پروریز یونیسیم) با یک مارکسیست د - همس کنه است . ما این سنگ محک است که باید چگونگی درک واقعی و قبول ما رکسیسم را آزمود .
(دولت و انقلاب)

می دانیم که خروشجفی مرشد و رهروان او نه تنها به نفعی ما رزه طبقاتی و انقلاب پرداختند ، بلکه بویژه دیکتاتور پرولتاریا را نفی کرده و بسط آن آشکارا خیانت می کنند . خروشجفی ما طرح تز رویز - یونیسیم "دولت تمام خلقی" اساسی ترین اصل مار - کسیسم - لنینیسیم یعنی دیکتاتور پرولتاریا را مردود می شمارد .

"راه کارگر" که در پی ریختن آب تظہیر بر سر خروشجفی است این خیانت عریان را به مسکوت بر - گزار می کند ، او می گوید :

"مورما را با ایدئولوژیک ما رویز یونیسیم (ی انترناسیونال دوم - بیکار) مسئله قضا کرده در طرف پرولتاریا بود . کمونیستها در این ما رزه به سروری از آموزگار خود ، صحت را با انقلاب را نشان داده و خطت خیانت کارانه رفقا را انصاف کرده "

او اضافه می کند :
"زهای خروشجفی در راه دولت تمام خلقی و حزب تمام خلقی در خوش بیباک ترین تفسیر ، تئوری ما رکسیسم - لنینیسیم دولت و حزب را به انبذال می کند و در تفسیری بدبینانه عدول از مواضع مارکسیست لنینیسیم ما رزه طبقاتی در داخل جامعه سوسیالیستی است "

(در برابر رویز یونیسیم و تز سوسال امپریالیسم)
"راه کارگر" به سبک کاسوتسکی اساسی ترین مسئله یعنی دیکتاتور پرولتاریا را مسکوت میگذارد کاسوتسکی صحبت از تصرف قدرت میکرد ، ولی اینک

نان ، مسکن ، آزادی

نسکی در مورد ساختن سوسیالیستی رویزیونیستی نبود چون در زمان کا توتسکی آلمان هنوز انقلاب اجتماعی نکرده بود که به سوسیالیسم برسد!

خروشچیف فقط کتا رگذا ردن یک اصل علمی نبود، خروشچیف مردم را رکیسم بود، خروشچیف ما ستیا - ها تی در ذهن خروشچیف نیست، خروشچیف یک خط مسی رویزیونیستی و با زتاب وانعکاس منافع بورژوازی نخواست شوروی می باشد.

این رویزیونیسم آشکار است که بگوئیم چون در شوروی انقلاب سوسیالیستی انجام گرفته بنا بر این مقوله انقلاب سوسیالیستی بمثا به یک اصل علمی منتفی گردیده است. رفقا رکردن بدین طریق اپور - تونبستی زمینهای برای همه خیانتهکاران مرتسد می باشد.

درست است که در شوروی انقلاب سوسیالیستی صورت گرفت (۱) ولی این اصل بمثا به تنها راه تحول انقلابی جوامع بشری کماکان با برجاست و بعلاوه خروشچیف با طرح پارلمانتاریسم گنبدیده بور - ژوا تی در کشورهای سرما بهداری انقلاب سوسیالیستی را نفی میکنند و طبقه وتوده ها را به یاقی مانندن در اسارت سرما به دعوت می کنند. خروشچیف در هر کجا و در مورد هر اصل که تجدید نظر کرده با سخنانت کرده است و بر برای اطمینان خاطر "راهکار رگر" با بدگفت که خروشچیف در تمام زمینها و از جمله در مورد تئوریهای مربوط به ساختن سوسیالیسم نیز تجدید نظر کرده، راه سوسیالیسم را کما ملا رها نموده و راه سرما بهداری را در پیش می گیرد.

واقعیت ها عریان است. "راهکار رگر" معتقد است که در حزب کمونیست شوروی رویزیونیسم مسلط نیست، بلکه با بداز "گراش مسلط رویزیونیستی" در یک "مورد" صحبت نمود. "راهکار رگر" که ادعای مبارزه علیه رویزیونیسم را دارم معتقد است که حزب رویزیونیست شوروی، رویزیونیست نیست، که رویزیونیستهای خروشچیفی، رویزیونیست نمی باشند، زیرا آنان فقط اشتباهاتی کرده اند که آنهم قابل گذشت است! با بدرفقای راهکار رگر گفت حسته نیا سید، ما یک کتاب نوششد که بگوئید در برابر رویزیونیسم هسید، حال آنکه بی بینیم در مورد رویزیونیسم سبمی کنید. "ما ره" "راهکار رگر" علیه رویزیونیسم نشان می دهد که مبارزه علیه ترو سوسیالیسم بر ما به معناست. در واقع مبارزه علیه رویزیونیسم از دیدگاه "راهکار رگر" بمعنای دفاع از رویزیونیسم است.

با صراحت با بدگفت رفقای راهکار رگر "ما ره" سمانه مبارزه کمونیستی علیه رویزیونیسم بلکه جیهه سائی در برابر رویزیونیسم است.

(۱) - روس است که کمونیستها و طبقه کارگر شوروی با بدتدارک انقلاب سوسیالیستی دوم را ببینند.

انقلابی را پیش رود اردیکسان و از اهمیت واحد سرچوردار است...؟ برای طبقه کارگر شوروی، انقلاب فبرآ سزبستر مسئله ای است مربعی یا محوری، به اس دلیل ناده که این طبقه کارگر انقلاب فبرآ میزرا پست سرگذاسته است. ما - برای برای اینکه بمعهم آنا حزب کمونیست شوروی بطور مسلط رویزیونیست هست یا نه؟ ساستی روی تئوریهائی که برای اس کسور در مسروسا لیم تعیین کننده هسند ما کسور کیم، مثلا اگر شوروی ساختن سوسیالیسم را رها نکرد و در سراسر امصادا ساز حرکت نمود، مسلما بطور غالب و مسلط رویزیونیست میبود. منظور ما از این استدلال اس سب که تئوری - های حزب کمونیست شوروی در مورد انقلاب فبرآ سز رویزیونیستی سبب وانگراش مسلط رویزیونیسم است، بلکه منظور اس اس که گراش مسلط رویزیونیستی در این مورد مربعی - باید بمعنای تسلط رویزیونیسم در حزب کمونیست شوروی باشد. بدلیل اس که مفهوم کسور در مورد طبقه کارگر شوروی انقلاب فبرآ سز نیست، بلکه مسائل مربوط به ساختن سوسیالیسم در خود کشور آنجا دوروی است." (ص ۵۳، همانجا - تاکید و خطی از ما است)

ما رکیسم - لنینیم چهان بیینی طبقه کارگر است. علم رها تی پرولتاریاست، این علم قوانین عینی حاکم بر بدیده ها، اجتماع و مبارزه طبقاتی را بطور علمی توضیح می دهد. ما رکیسم یک کلت انقلابی و دارای روابط درونی مرتسط و دیالکتیک میباشد. ما رکیسم قابل تقسیم و تجزیه نیست، این اندئولوژی دارای یک نظام تئوریک مستقل و عمومی است. هرگونه تحریف در اصول ما رکیسم لنینیم، رویزیونیسم و ارتداد است. این اصول مشروط به مکان و زمان نیست. این اصول توضیح قوانین حاکم بر جامعه، مبارزه طبقاتی و بدیده ها است و ساز رگرگونی جهان می باشد. قانون حاکم بر مبارزه طبقاتی و انقلاب اجتماعی یگانه است. ما مبارزه طبقاتی به انقلاب اجتماعی منجر میشود یا نمی شود. ما رکیسم میگوید در جوامع طبقاتی که آنتا گونیسم طبقاتی موجود است، انقلاب اجتماعی امری ناگزیر است. این یکی از اصول اساسی ما رکیسم است که پرولتاریای سمن - المللی نمی تواند آنرا نادیده بگیرد. حال زمانی که خروشچیف مرتد یکی از اصول اساسی ما رکیسم - لنینیم را نفی میکند و ترو سوسیالیسم رکیستی "گذار" مسالمت آمیز" را طرح می کند، این یک خیانت است. اینکه شوروی مرحله انقلاب اجتماعی را گذرانده باشد یا نباشد فرقی در اصول ما رکیسم نمی کند. مسئله اینست که خروشچیف یک اصل علمی را نفی میکند و در واقع در ما رکیسم تجدید نظر می کند و پرواضح است که این تجدید نظر نه تنها در این مورد، بلکه تجدید نظر عمومی در ما رکیسم - لنینیم و از جمله تجدید نظر در باره ساختن سوسیالیسم می باشد. بر اساس اصل اپورتونبستی "راهکار رگر" می توان گفت گفتار رکا -

چهدولتی با بدسکارا ربیا بد مسکوت گذاشته میشد. در اینجا نیز رفقای "راهکار رگر" به مهمترین مسئله یعنی دیکتاتوری پرولتاریا با بی اعتنائی برخورد می کنند. آنها نه تنها اساسی ترین محور مبارزه لنینین علیه رهبران مرتدان ترو سوسیالیسم در ما رکیسم - فرا موشی می سپارند، بلکه همچنین علیه رفقا بیکه ترو - های رویزیونیستی و در ما رکیستی خروشچیف را تفسیر "خوش بینانه" و "بد بینانه" می کنند (!؟) و لیبی با لایحه به کشف این مطلب نمی رسند که خروشچیف به دیکتاتوری پرولتاریا خیانت کامل کرده است.

صحبت کردن از ایجاد "احلال" توسط خروشچیف و مسکوت گذاردن ارتداد کامل رویزیونیسم خروشچیفی نمی تواند به تقویت رویزیونیسم و مخدوش کردن سز بین ما رکیسم و اپورتونبست نیا نجامد. و مطمئنا - با نیم زمانیکه مرز بندی پرولتری نسبت به رویزیونیسم موجود نبود، نمی توانیم زدا م رویزیونیسم به کتا رباقی بمعنیم.

امروز "پونوما ریوف" رویزیونیست نیز کسه اینگونه جریان رویزیونیستی حاکم در زمان چریک - های فدائی را مجدوب خود ساخت به خروشچیف "انتقا - داتی" را در وحی حزب توده، این کارگزار سوسیالیست امپریالیسم نیز از خروشچیف بطور آشکارا رتحسین نمیکند. بر این رفقای "راهکار رگر" مرز خود را با اینسان در زمینه تحولات شوروی چگونه ترسیم می کنند؟ رفقا قبول کنید که مرز بندی شما نسبت به رویزیونیسم - خروشچیفی بسیار سطحی می باشد. وسایست شما نه در برابر رویزیونیسم بلکه خود در ما رویزیونیسم قرار دارد.

راه کارگر

خدمت به خروشچیفیم را باوج خود میروساند

برای اینکه دقیق تر در باره بییم که رفقای "راه کارگر" در برابر رویزیونیسم مبارزه نمی کنند، بلکه راه را برای پیشروی آن هموار میکنند به ادا م نظر آنان در برخورد به رویزیونیسم خروشچیفی بدقت نمود.

"راهکار رگر" میگوید استدلال کمونیستهای معتقد به ترو سوسیالیسم امپریالیسم اینستکه:

"چون رویزیونیسم سحراف از ما رکیسم است و چون ما رکیسم بدئولوژی انقلابی طبقه کارگر می باشد، بنا بر این اگر در یک حزب خط روبر - یوبستی مسلط سدان حزب دیگر حزب پرولنری سبت و در چنین جامعه ای مسلما سوز و آزی وجود دارد. در جواب بی گوئیم با بدید تجدید نظر در کجا و زکدام اصول صورت گرفته است: مثلا آیا مفهوم انقلاب فبرآ سز برای حزبی که انقلاب سوسیالیستی را پست سرگذاشته و حزبی که چنین

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

برخورد تروتسکیستی «راه کارگر»

به پایه طبقاتی رویزیونیسم در شوروی

نوع تحلیل "راه کارگر" از پایه طبقاتی رویزیونیسم در شوروی بیان استمرار نگرشی رویزیونیستی با ویرگی تروتسکیسم می باشد. بدین معنا که آنجا که "راه کارگر" فاقد تحلیل علمی از ماهیت طبقاتی رویزیونیسم به مثابه یک جریان بورژوازی می باشد، قادر نیست تا پایه طبقاتی این جریان را دریا بد و با آن مرزبندی برولتری نماید. "راه کارگر" در توضیح پایه طبقاتی خروش فیزیم بهمان انحراfi در میغلطد که تروتسکیستها در آن قرار دارند. البته رفقای "راه کارگر" در این زمینه ادعای "نوآوری" دارند حال آنکه واقعیت چیز دیگریست فیصل از آنکه این رفقا ابداع کننده چنین ترهاfi می باشند، تروتسکیستها آنها را فرموله کرده بودند.

"راه کارگر" چه میگوید؟ :

"خروصف... سترسبان کننده، منافع صرهای متحصص و یکسوکرات در جامعه شوروی نبود"، "جدید بطرطلبی خروصفی سارنی سودسرای لایه های روسفکری در جامعه شوروی که در دوران استالین، سواسطه ساستهای عمده تدریب و لسی گاهی غیردموکراسیک سمدت زسرفشا رسویدند. خلاصه سطرما علت ظهور تخرده بطرطلبی خروصفی در حزب کمونسیت اسما دسوروی قدرب گرنفغس لایه های ارتکوکرات ها و کارهای متحصص در جامعه شوروی بود. اس سرفدر سطرطه معبسی از تا ریخ شوروی، در سسجه، سراطی که در سالا اساره سدش از حد محاروزن پیدا کرد و سه اهرم هاfi در دولت شوروی و در سها دهای امتصادی اسماfi جامعه، شوروی، بویسه در حزب کمونسیت دس یا صب که ما قدرب طسغه کارگرسوروی عبر- مساس بود..." (ص ۳۷ تا ۳۸ - همانجا تا کاید - ات از ما ست).

راه کارگر میگوید با به طسغانی خروش فیزیم "لایه" ای ارتکوکرات ها و کارهای متحصص در جامعه شوروی بود، ولی اونی گوید که ما هییت طبقاتی این "لایه" اجتماع فی چیست؟ راه کارگر این مسئله مهم را سکوت می گذارد و آگاهانه هم اینکارا می کند. در واقع رفقای "راه کارگر" در ادا مه تزا انحراfi و فیوطبقاتی "کاست" به "لایه" ای ما و راه طبقاتی میرسند، آنسان مطرح می کنند که در شوروی یک قسربوروکرات در حزب شوروی قدرت گرفت ولی کماکان دیکتا توری پیرو - لسا ریا با برجا ماندن و اقتصادا دسوسیا لیستی مضمحل نگشت!

فیصل از آنکه به توضیح انحراfi تروتسکیستی

رفقای راه کارگر بریدرا زیم نقطه نظر تروتسکیستها را نیز در اینجا می آوریم تا قرابت تحلیلی آنها در باره تحولات طبقاتی در شوروی روشن شود (۱).

تروتسکیستها معتقدند که شوروی یک کنسورسوسیا لیستی است ولی بوروکراسی بر آن حکومت میکند. برطبق این تحلیل بوروکراسی پس از بیروزی قادر نشده است روابط تولیدی را در شوروی تغییر دهد و تنها از نظرسیاسی حاکمیت طبقه کارگر را غصب کرده است. آنان می گویند بوروکراسی نماینده طبقه مشخصی در شوروی نیست بلکه خملت انگلی و غیرطبقاتی دارد. آنان معتقدند که بوروکراسی از همان اوایل سالهای ۱۹۲۵ بوسیله استالین حاکم شده، ولی ایسن امر برزیر بنا ارتنگذاشته و حتی دیکتا توری برولتا - ریا نیز بر ما نده است (۲).

بدین ترتیب متوجه میشویم که تحلیل ضد کمسو - نیستی و ضد علمی تروتسکیستها اگر از یکسوجهله به سوسیا لیسم، دیکتا توری برولتا ریا و رفیق استالین است، از سوی دیگر فاقد یک برخورد طبقاتی به پدیده "بوروکراسی" می باشد. از نظر آنان "بوروکراسی" انگلی است که "قدرت سیاسی ارتکوکراتها ریا" خارج کرده است و در عین حال در شوروی دیکتا توری پیرو - لتا ریا و روابط تولیدی سوسیا لیستی با برجا ست!!

حال رفقای "راه کارگر" میگویند خروش فیزیم بیان کننده منافع "لایه" ای ارتکوکرات ها و کارهای متحصص "است" لایه ای که در شرایطی "بیش از حد مجاز وزن پیدا کرده و به اهرمهاfi در دولت شوروی و در نهادهای اقتصادی - اجتماعی جامعه، شوروی، بویزه در حزب کمونسیت دست یافته که با قدرت طبقه کارگر شوروی غیرمتنا سب بود" و با لآخره رفقای "راه کارگر" معتقدند که در شوروی کماکان اقتصادا دسوسیا لیستی

(۱) - بهرواض است که ما ما هیتا بین رفقای "راه کارگر" از یکسوجریانات و دارودسته خدا انقلابی تروتسکیستی از سوی دیگر تفاقا می گذاریم. در اینجا منظور ما نشان دادن انطباق تحلیل "راه کارگر" و تروتسکیستها می باشد. امری که حکایتا از وجود درکی تروتسکیستی در میان رفقای "راه کارگر" میکند.

(۲) - بوروکراسی سرامواج ارتجاع علیه اکثریت به قدرت رسیده است. استالین سماسدگی قسربوروکرا - سی ما حبا منبا زرا عهده گرفت و بوروکراسی سیر شخصیت استالین را ساخت و پر داجست. بوروکراسی ما سندا سکل در سده دولت کارگری رسه کرد و چون کنترل توزیع در اختیارش بود مرتبا متبا زاب اجتماعی و اقتصادای را امزایش داد و سراجا م قدرت سیاسی را ارتکوکراتها ریا خارج کرده و در دست خود متمرکز ساخت.

"بوروکراسی طفه ای حیدر تا تکیل میدهد و روابط اقتصادای و اجتماعی خاص خود را بدرد و سبمین ترتیب دارای منافع تاریخی هم می باشد. از این روی بیروزی بوروکراسی

مسئله اول - رفقای راه کارگر با بدجواب دهند که منافع این لایه اجتماعی منطبق بر منافع کدام طبقه اجتماعی می باشد؟ بورژوازی یا برولتا ریا؟ شاید رفقای "راه کارگر" این منافع را در انطباق با منافع خرده بورژوازی بحساب می آورند. در ایسن حالت با هم سئوال می کنیم این منافع بر کسندام مناسبات تولیدی اجتماعی استوار است؟ مناسبات تولیدی سوسیا لیستی و یا مناسبات تولیدی کلاfi؟

مسئله دوم - بعلاوه "راه کارگر" با بدجواب دهد را بطه دیا لکتیک زیر بنا و روبنا چگونه قابل توضیح است و تا تیر متقابل سیاست و اقتصادا چگونه عمل می - گردد؟ حاکمیت خروش فیزیم چگونه میتوا ندر دیکتا - توری برولتا ریا و اقتصادا دسوسیا لیستی تا شیرنگذاره؟

ما مطمئن هستیم که "راه کارگر" بر اساس این دید - گاه انحراfi نمی توانند پاسخ علمی بدهد. زیرا "ا" و "دربرا بر رویزیونیسم" را ی تزلزل است. حال آنکه مسئله بسیار ساده است.

هما نظور که با رها مطرح ساخته ام رویزیونیسم و در اینجا خروش فیزیم یک جریان ایده ثولوژیک - طبقاتی بورژوازی می باشد. خروش فیزیم بیان منافع بورژوازی نوخاسته ای است که علیه ما رکسیسم - لنینیسم و دیکتا - توری برولتا ریا فیما میکند. بوروکراfiها، تکنو - کراتها، متخصصین، عناصر مرفه کارگری، رهبران رویزیونیست دستگا حزبی و دولتی که ما ملین افکار رویزیونیستی میباشند، در حقیقت طرفداران راه سرامیهداری و سمانندگان بورژوازی نوخاسته می -

بر طبقه کارگروا خد قدرت سیاسی، به تغیسر روابط تولیدی در شوروی منجر گشت و در ماهیت کارگری دولت شوروی از نقطه نظر طبقاتی تعبیری حامل نشد.

و یا: "در اتحاد شوروی سیرگرچه بوروکراسی استا - لیستی با غصب قدرت سیاسی از طبقه کارگر و سحمیل سراسه خدا انقلابی خود سرتان و محسو دموکراسی شوروی که در زمان لنین و تروتسک وجود داشت، بخش عمده ای از فتوحات طبقه کارگرسوروی را عصب کرده، مع الوصف دست - آورداسی انقلاب یعنی دیکتا توری برولتا - ریا، برانداخته شده است.

از اس رو، انقلابیون ما رکسیست در مقابل سیروهای ارتجاعی، همواره زده و کارگری مسخ سده علیرغم رهبری استالینست آنها، دفاع می کند."

(پیام دانشجو، سها روتا سستان ۱۳۵۴، مقاله "بحران استالینیسم، یک بررسی تاریخی، ص ۱۵۴)، از حسن صبا، این ارگان متعلق به بنده خدا انقلابی با یک زهر افی و سترکاء - بسوده است).

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

سفیرموسویال امیرالیسیم سوری به مرزبندی قاطع دست نزنید، راهب خطرناکی را درپیش پای خود قرار داده‌اید. سروس گنونی جریان رویزیونیستی حاکم در زمان چریکهای فدائی خلق برای مجموعه جنبش کمونیستی درس آموزنده‌ای بشمار می‌رود. امین سروس ساهمی آموزنده عدم مرزبندی پرولتری سالی رویزیونیسم، راه به ورطه، هولناک رویزیونیسم می‌کند. اما و طردفاطه رویزیونیسم در اسکال محلف حروجفی - بریمی، "سجیان" وغیره نتهیا فاس سلامی ویا گنرکی جسی ما رگسستی - لنینستی ایران است، اگر حتمس سارزه‌ای صورت بگیرد حزب کبیرپرولساریا ساهی نوانند وجود آند.

لنن گف:

"سهاظ ما رگسستی در حتمس کارگری جهایی اس است که سوده‌ها احساب نایدیری و لسروم سیدن اراسوسم را صوح دهد و آن را سرای اسلاب سوسله کار گرسن بک سارزد سحت علیه پوروسیم آکا ه ساند".

(امدربالیسم واشعاب درسوسالیسیم)

ودرچای دنگرگفت:

"سکی ارساظ لرم سرای آبا ده اسس پرولساریا سرای سروسس سارزه‌ای طولانی سوسخت وسر حرم سارسوسوسیم، سوسسما، سوسسال سوسس وسار سراسراب وگراساب ساسه سراسی است. اگر حتمس سارزه‌ای ساسد اگر سروسیم در حتمس طغه کارگرگا سسا سکت سحورد، سکا سوری پرولساریا سمنواسد سوجود آند. سوسسم - سسال ۱۹۱۶- ۱۹۱۷ سسی - سواس سورساری را سکت دهدا سراسل از آن در سالهای ۱۹۱۷- ۱۹۲۳ سادگر سده سوسکته سسر سکارا، سسی اسوروسسم، سراسسها، سوسال سوسسها را سکت دهدا سراسی - سراسه‌ا سراس سارولساریا سراسی ساس دارد". (اشعاب ات ملطن موسسان و دیکساری پرولساریا).

آری سفا، لسننسما سراج سکت ساسر سحورد سازیم و در سیروزی پرولساریا سنا ربه پیش رویم.

ما رگسسم را ساسوزیم سارکاربندیم
رویزیونیسم را اساکرده و طرد سنا شم
بوروزای و امبرالیسیم را سواسا سخته و در هم بگوسیم

معنای سلب قدرت ساسی از طبقه کارگر سانه حرب ساسی طغه کارگر اسله طفا سنی و اسرا اسالی مسی کمونیستی می‌ساشد، زما نیکه پرولساریا از حرب طفا سنی سوده محروم ساشد، دیگر اسالی مسی کمونیستی ممکن سناو هدیود، سروسکس سنا و "راهکارگر" سراساس درک سکانکی سوده سمنواسا طغه سسن ساسس پرولساریا و حزب ودولسا ورا در ساند، آنان تصور می‌کسند که حزب ودولس پرولساریا سدون اسد ثولوری مسی وساس سکمونیستی می‌سواند وجود اسده ساند، سجنس آنان تصور می‌کسند که مالک سواسالیسی بدون قدرت ساسی طغه کارگر سراسا س، سالی آسکه ما رگسسم - لسننسما ساهمی آمورد آسکه سسعی سکنده ما هیب ما لکت و اسفا سوسالیستی سنا ساند، و سوده قدرت ساسی پرولساریا سکه سوده ساس و سحود اس قدرت ساسی سوسوکول سوجودیا عدم وجود ما رگسسم - لسننسما ساهمی پرولساریا می‌سگردد. سسمنس لساط است که مگوشیم سقدرت رسدن سوسوس سسم معنای سقدرت رسدن سوسوزای و با زگس سراسه داری می‌ساند.

سحرف ساسی رویزیونیستی "راهکارگر" اشعاب که سس اس مسائل را سادیده می‌کسد و عکس سوریو سوسیم سدمت می‌کسد. "راهکارگر" زما نیکه رویزیونیستی در قدرت سسند و سوسوزای سبک سوسوسالی امبرالیستی سسبدل سده اس سحاب از سوسوسا لسنی و ساکمط طغه کارگر سسبک اس سسرس سسک سوسوسوسسما، اس سسلسا پرولساریا وسز سسسن سربه طغه کارگر ما رگسسم - لسننسما ساند.



رفقای "راهکارگر"! مطمش ساسد که "سارزه" ساس علیه رویزیونیسم سدمت سوسوسوسما سواس اس اندا مته به رسدن اشعاب اشیرولساریا اسالی سجنس کمونیستی ایران، سسکه سسرس رویزیونیسم منجر میسود، سنا گفته رسون است کسی که مرزبندی کمونیستی س رویزیونیسم ساد رس سناو سنا سقالای سوسالی امبرالیسیم را درک کند و ساس سراسی سوسی می‌کند تا آنرا "رد" کند، اسه در اس سالی سوسی سنا سنا اس سذعلی را در کند، سراسا سده سوس رویزیونیسم است.

رفقای "راهکارگر"! مطمش ساسد اگرس سساره سسبکی و رویزیونیستی علیه کارسین رویزیونیستی موجود در مسان سوده بر سسبکی اگراسرو -

ساشد، سسچان که سوسوزا سنا بوروزا سانی سسند که دشمن پرولساریا می‌ساشد، سوسوزا سسمن سسبده - ای ساسوق طفا سنی سوده، سسکه سصوستی سوسوزا سنی سوده دشمن سرسخت سوسالیسیم سسبا سده، بقول اسالیس: "سوزیگراسم در رسوسه سوسالیسیم ساس سسود سوسوزای سراسا سسبای ساس".

(علیه سسبذل کردن سنا را سشفا دا سزود)

از آنجا که ساسمه سوسوی سوزیک ساسمه طفا سنی سوه سراسا اسب سکه سسروه‌ای سوسوزا سنی سسبازده سوده علیه پرولساریا اساده سسند، رویزیونیسم سسجم سسبازده سوسوزا سنی علیه پرولساریا سسباند و میگوسد تا ساسکب قدرت ساسی پرولساریا را سقدرت سسرسر کساند، رویزیونیسم حروجفی ساسان کسند سنا سسج سوسوزای سواس سده دشمن سرسخت سوسالیسیم ساسی - ساسا سده، در سوسوی سسبگنا سسگرو سسوسنی سنی ا سوسجفی سقدرت میرسد و حرب و دولت سوسوی را سسزیمی سده اسب کسند که سوده میگناسند، در ساس سسبای ساسی ما رگسسم - لسننسما سسجدید سسبظ کرده، سسی سوسوزای رویزیونیستی را ساسه می‌ساشد، حزب پرولتری را سسبیر ما سسب ساسده و از آن حزبی سوسوزا سنی سسجود می‌آوسسند. سسکنا سوری پرولساریا را لسوز کرده و دیکنا سوری سوز سوزای را سسمر می‌گردد سنا.

ار سسظله نر دسالیکنیک اسشفا رقدرت سوسوزا سنی سنی سنا سداب سعه‌های دسگز سذگی سوسوی ساسبیر سنادا رد، سسبگنا سسگرو سنی ساسی - سقوقی ساسه قلب ما هیب سسا کرد، سسز سنی ساسمه سنی سنا سسب از اس سنولاب ساسرس سسبدر، لسنن ساسرها سارها سسرفش سسعی سکنده سسب سدر تا مدوران گذار اس سراسه داری سکمونیسم ساسکب سسود، وسسسم سس منظور سسفا و سسبم دیکنا سوری اسنلابی پرولساریا سسج ساسی سسبول میگرد، در سالی سکه سسرو سسکی و سسواس سس از دسدی اکونومیستی سوسالیسیم اسنها سسبچه رسدای می‌دسند و ساسه سسعی سکنده سسب سس پرولتری را سادیده می‌انگاشسند، لسنن سسب اسن سسفا سراسی و سده ما رگسسم سسب سسب ساره سراسه و سنا سنادا سسوالسیم سسها سحت دیکنا سوری سوسو - لسنا سسب و سسور سسش سسرت سسب سسولتری اسکان - سسبیرا سس، سفا سنا و اسسطلال اسن سسب سسفا سسفلال سوسالیسیم سسنی می‌گردد.

سنا سراسی سسواس اس سسب ساسی سسوسوسوسیم حروسجفی سسرسگا سسز سسب ساسل سسبدا سسکند و اسن ساسبیت سراسا سنا هیب سوسوزا سنی سوده سسب سنا سده.



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر